وانان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال دوم | شماره دوم | چهارشنبه ۱٤ عقرب ۱۳۸۲ | ۱۰ رمضان المبارک ۱٤۲٤ – | 5 November 2003

سرمقاله

نباید لویه جرگهٔ قانون اساسی مانند مسودهٔ آن به بازی گرفته شود

ص۲

متن کامل دری و پشتوی مسودهٔ قانون اساسی

صفحات ۵-۱۲



تلاوت قرآن کریم تأثیرات عمده در روان و وجدان وسلوک مسلمان ها ایجاد می کند

محترم استاد ربانی شب ۱۲ عقرب در پایان ختم قرآن عظیم الشان در اقامتگاه شان در جمع اشتراک کنندگان این ختم صحبت مفصلی نمودند که اینک تقدیم می گردد:

الحمد لله وکفی وسلام علی عباده الذین اصطفی وبعد:
برادران گرامی حضار محترم!
السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:
هیچ گروهی، هیچ جمعی در یک جای با امن جمع نمی شوند که مشغول تلاوت کتاب خدا می شوند و در بین خود معانی و مفاهیم آیات الهی را شرح و تفسیر می کنند مگر این که در اثر این اجتماع و از برکت تلاوت قرآن کریم و تفسیر وشرح آن

ص۳

قانون اساسی و برخی توقعات مردم

•گزارش Sanjoy Majumder BBC • ترجمهٔ عبدالحمید هامی



فاطمه گیلانی

• طرح قانون اساسی جدید در کشوری مانند افغانستان که هنوز هم به گروه های قومی تقسیم است، تجربه بیست بسیار مهم ودر عین زمان بسیار مشکل.
• برای اکثریت مردم افغانستان ، این یک فرصت طلایی است که نظریات خود را در مورد شکل و ساختار نظام آینده شان ابراز نمایند؛ اما در عین حال، می تواند زمینه یی باشد برای ایجاد مشکلاتی تازه.

بر اساس گزارش های کمیسیون تدقیق قانون اساسی، هیأت هایی ، به ولایات مختلف سفر کرده اند تا نظریات مردم را در مورد قانون اساسی جویا شوند. برخی از این ها حتی به ایران و پاکستان هم برای دریافت نظر مهاجران افغانستان، مسافرت هایی انجام داده اند.

فاطمه گیلانی یکی از اعضای کمیسیون که سفرهایی را به ولایات نزدیک به کابل برای دریافت نظریات مردم انجام داده است، می گوید: "همهٔ مردم می خواهند که نقشی و سهمی در قانون اساسی داشته باشند. روی همین دلیل آنان کسی تقاضا دارند در مورد آن ابراز نظر کنند. اما گاهی چنان اتفاق می افتد که برخی از مردم، برداشت هایی نادرست نموده و به خطا می روند

فاطمه گیلانی می افزاید:
"مردم بعد از ۲۴ سال جنگ بسیار خسته اند، مخصوصاً که برای مدت درازی قانون و اصول نیز موجود نبوده است. لذا این مردم احساس می کنند که تا چه حد به قانون نیاز دارند".

فاروق وردک منشی کمیسیون تدقیق قانون اساسی می گوید:
"ما می خواهیم قانون اساسی جدید مواردی را داشته باشد که مورد احترام همهٔ مردم قرار گیرد. مردم زمانی به این قانون احترام و در مسیر تطبیق آن گام می گذارند که احساس کنند، این قانون از آن ها و برای آن هاست. هرگاه مردم احساس کردند که قانون اساسی، دستاورد

ص۱٤



یک تن ازانشجویان دانشگاه کابل

یک هیأت بلند پایهٔ حکمتیار در کابل مشغول مذاکره با دولت است

یک منبع که نخواست نامش افشا شود در یک تماس تلفنی با مجاهد گفت: در این روز ها یک هیأت بلند پایه از سوی حکمتیار رهبر حزب اسلامی که بر ضد دولت اعلان جهاد کرده است وارد کابل شده است تا با مقامات ریاست دولت انتقالی اسلامی افغانستان مذاکراتی انجام دهد. این هیأت دو تن از سرشناسان حزب حکمتیار و از نزدیکان او مولوی سرفراز خطیب کنونی مسجد کمپ شمشتو در پیشاور و خالد فاروقی فرمانده نظامی این حزب در ولایت پکتیکا در دوران جهاد رهبری می کنند.

مشخصاً معلوم نیست که این هیأت چه مسائلی را با دولت انتقالی مطرح می سازد.

اما آنچه مسلم است این است که سفر این هیأت به کابل تناقض گویی ها در هردو طرف را آشکار می سازد، حکمتیار با دولتی که برضد آن اعلان جهاد کرده است ودولت با کسی که اورا تروریست می خواند مذاکره می کند. این مذاکرات در حالی صورت می گیرد که برخی از رسانه ها از مذاکرات مشابه میان دولت و برخی از سران طالبان نیز گزارشهایی در این اواخر داده اند.

صادق آیینه دار

پس از انتظاری دراز

مسودهٔ قانون اساسی اعلام ونشر شد

گفته می شود در روزهای اخیر کار کمیسیون قانون اساسی ازشیوه های ضد دموکراسی استفاده شده است

کمیسیون قانون اساسی روزدوشنبه ۱۲ عقرب درست پس از یک سال کار، مسودهٔ آن را طی یک مراسم رسمی که در حرم سرای ریاست جمهوری دایر شده بود توسط رئیس کمیسیون پوهاند نعمت الله شهرانی به محترم محمد ظاهر شاه شاه پیشین ومحترم حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان تسلیم کرد.

دراین محفل افزون برنام برده شدگان رهبران جهادی، اعضای کمیسیون تدقیق قانون اساسی و نمایندهٔ ویژهٔ دبیر کل سازمان ملل وشماری از نمایندگان و سفیران کشور های خارجی شرکت داشتند.

همچنان روز سه شنبه ۱۳ عقرب پوهاند شهرانی و شماری از اعضای کمیسیون تدقیق قانون اساسی در سالن مطبوعاتی وزارت اطلاعات وفرهنگ در یک کنفرانس خبری در برابر پرسش های خبرنگاران داخلی و خارجی قرار گرفتند و دربارهٔ برخی از مسایل مسودهٔ قانون اساسی سخن گفتند. پوهاند شهرانی درآغاز گفت این قانون بر پایهٔ نظام جمهوری و وحدت ملی و عدالت اجتماعی تدوین شده است. و افزود این آخرین متن قانون نیست

ص۱٤

هیأت شورای امنیت سازمان ملل در افغانستان

هیأت بلند پایهٔ شورای امنیت سازمان ملل به ریاست سفیر آلمان در ملل متحد وارد افغانستان گردیده است.

هدف این هیأت شانزده نفری این است که به مقامات افغانی مجدداً تذکر داده شود که جامعهٔ جهانی از آنان حمایت می کند. به گفتهٔ سفیر آلمان که در میدان هوایی کابل به خبرنگاران گفت، هیأت چند هدف عمده را دنبال می کند.

اول: بازسازی افغانستان از اولویت های کاری جامعهٔ جهانی می باشد وشورای امنیت وجامعهٔ جهانی ازاین روند حمایت می کنند.

دوم: به حامد کرزی از حمایت شورای امنیت از تلاشهای وی اطمینان داده می شود تاتوافقات بن به درستی تحقق یابد وهمچنان از روند تشکیل قانون اساسی وآمادگی برای انتخابات سال آینده حمایت

ص۲

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی: ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

نباید لویه جرگه قانون اساسی مانند مسودهٔ آن به بازی گرفته شود

مسودهٔ قانون اساسی سرانجام پس از تأخیری خسته کن واجرای عملیه های جراحی متعدد به روز دوشنبه ۱۲ عقرب از سوی ریاست دولت اعلام شد و در فردای آن سه شنبه در نشریه های دولتی چاپ گردید. این کار بسیار ناوقت انجام شد اما به خیلی از دلهره ها در این باب پاسخ گفت هر چند به درازا کشیدن دوران ولادت وجراحی نسخه های متعدد آن حکایه از دشواری سهمگین زایمان دارد ولی به هر حال حادثه یی است که باید از آن استقبال کرد و دولت را در همه زمینه ها به شفافیت و روشن کاری فراخواند.

کمیسیون ۹ عضوی تسوید قانون اساسی در ۱۲ عقرب سال پار با فرمانی از سوی رئیس دولت کارش را آغاز کرد و در حمل سال روان آن را به اتمام رسانید. قرار بود این کمیسیون پس از انجام تسوید قانون، مسودهٔ آن را در اختیار مردم قرار دهد و قرار بود در اوائل میزان لویه جرگه تصویب قانون اساسی برگزار شود اما این کار صورت نپذیرفت و به دلائلی کمیسیونی دیگر به نام کمیسیون تدقیق مسودهٔ قانون اساسی متشکل از ۳۵ عضو از سوی رئیس دولت منصوب شد تا متن مسوده را مورد بازنگری قرار دهد.

در ۱۸ جوزا طی یک محفل رسمی رئیس دولت اعزام هیأتهایی از کمیسیون تدقیق قانون اساسی را جهت گرد آوردن آرا و نظریات مردم در پیرامون مسائل قانون اساسی به ولایات کشور اعلام نمود. نظرخواهی در این باره در حالی آغاز شد که مسوده در اختیار مردم قرار نگرفته بود این کار در میان مردم ومطبوعات، اهل اندیشه به ریشخند و استهزاء گرفته شد با آن هم کمیسیون تدقیق به جمع آوردن آرا و نظریات مردم پرداخت. کمیسیون این کار را در پشت دروازه های بسته و پنهان از دیدگان مردم انجام داد و بر پایهٔ اظهارات اعضای آن تعدیلاتی را در مسائل مسودهٔ نخستین بر اساس آرا و نظریات مردم به وجود اوردند و این مهم در ماه سنبله پایان پذیرفت و متن مسوده جهت اعلام به رئیس دولت سپرده شد. چنان که گفته می شود برخی از مباحث مهم آن طبق خواسته شخص رئیس دولت و برخی از جهات تدوین نیافته بود از جمله نظام پارلمانی آن هم به گونهٔ تلفیق از نظام ریاستی و صدارتی ارائه شده است که هم رئیس دولت و هم تخست وزیر در آن از صلاحیت هایی بهره مند هستند هر چند صلاحیتهای رئیس دولت برصلاحیت های تخست وزیر فزونی داشته است. این نوع نظام به سخن اعضای کمیسیون تدقیق با در نظر داشت آرای مردم درج شده بود زیرا تعدادی نظام پارلمانی و شماری هم نظام ریاستی خواسته اند اما اکنون مسوده یی که به نشر رسیده است تأکید بر نظام ریاستی متمرکز دارد که درآن همهٔ صلاحیتها در دست شخص رئیس دولت قرار دارد فهرست صلاحیت او مساحتی بزرگ از این مسوده را به خود اختصاص داده است. اگر این صلاحیت ها با صلاحیت های شاه در قانون اساسی سال ۱۳٤۳ مقایسه شود فرقی که دیده می شود این است که رئیس جمهور در این مسوده به جای شاه نشسته است وبل صلاحیت های او به مراتب فراتر از صلاحیت های شاه رفته است.

پندار همین بود که قانون اساسی آینده باید به بحران های کهن جامعهٔ افغانستان پایان دهد و کشور را به سوی ثبات سیاسی و اجتماعی و شگوفایی در عرصهٔ های گونه گون رهنمون شود.

لااقل در شرایط کنونی مناسب ترین نوع نظام دموکراسی برای افغانستان همان نظام پارلمانی بوده است. این برداشت دلائلی فراوان دارد؛ این کشور تازه به کمک جامعهٔ جهانی وارد مرحله یی نو از حیات خویش شده است تا هنوز بحران بی اعتمادی ناشی از سالیان گذشته از میان نرفته و در برخی از موارد تنها حضور نیروهای بین المللی است که مانع از سر گرفتن در گیری های پیشین می گردد، در چنین اوضاعی باید برای ریشه کن ساختن این بحران زمینه یی فراهم شود تا همه لایه های قومی و گروهی و سیاسی خویشتن را در ساختار نظام سیاسی و تصمیم گیری در مسائل کلان ملی و کشور سهیم بدانند. این ماموِل در حالتی بر آورده می شود که از ساختار های انحصار گرانه اجتناب صورت گیرد وبرای اشباع این خواسته مراکز چندگانه یی وجود داشته باشد. ریاست جمهوری وصدارت وپارلمان و دیوان عالی می توانند از نماد های این مراکز اشباع به شمار ایند.

از سوی دیگر این مسأله برای شخص رئیس جمهور نیز سودمند است تا شانه های خود را در زیر بار این مسؤولیت سنگین در چنین شرایطی دشوار خورد نکند،در حالی که همین اکنون در حضور نیروهای بین المللی که تأمین امنیت در بسیاری از نقاط کشور را به عهده دارند انجام بسیاری از کارها برایش دشوار به نظر می رسد چه رسد به وقتی کی این نیروها افغانستان را ترک کنند.

هر چند تصمیم نهایی را در بارهٔ مسائل قانون اساسی لویه جرگه خواهد گرفت ولی باید تذکر داد که از هر نوع مداخلهٔ منافی با ارزشهای دموکراسی در کار لویه جرگه تصویب قانون اساسی و از اعمال آراء و نظریاتی ویژه بر آن اجتناب شود؛ چون این لویه جرگه نیز یکی از زمینه های بسیار مهم تاریخی است که ملت افغانستان می تواند در آن به بسیاری از دشواریهای گریبان گیرش پایان دهد و باید توجه داشت که این زمینه را به سان زمینه های فراهم آمده در کنفرانس بن ولویه جرگه اضطراری با دنبال کردن مصالح شخصی و گروهی از دست نداد و زمینه های تازهٔ بحران را فراهم نیاورد. این کار یک مسؤولیت تاریخی همگانی است و در آن ملت افغانستان و دولت انتقالی اسلامی افغانستان و نیروهای بین المللی و مؤسسات جامعهٔ جهانی به گونهٔ مشترک سهیم هستند.

ملاحظاتی بر مسودهٔ قانونی اساسی

سید عبدالله افرامرز

مجاهد پس از این، بحث هایی گسترده، در باب مسائل مسودهٔ قانون اساسی ارایه خواهد کرد که طبیعتاً این ابحاث دیدگاه نویسندگان آنها را بیان می کند و الزاماً نمی تواند در همه موارد بازگو کنندهٔ نظریات جمعیت اسلامی افغانستان باشد.

حدود هشت ماه گذشت، تا آن که مسودهٔ قانون اساسی چهره از پرده بیرون کشید و اینک در معرض ملاحظه و مطالعهٔ اهل دانش و صاحبنظران قرار دارد. به این اقدام نیک، هر چندکه با تعلل فراوان همراه بود، به دیدهٔ قدر باید نگریست و در عین حال در مقام قدرشناسی، فعالیت وزحمات آن عده هموطنان را که در ترکیب دو کمیسیون سعی و مجاهدت به خرچ دادند واین پیش نویس از وثیقهٔ گرانسنگ ملی را با درج نکات سرنوشت ساز، در متن آن قابل دقت و پر بار ساختند.

تبریک و تحشیس باید کرد و همزمان مایهٔ تأسف است که فعالیت ها و تلاش های مداوم سی وسه تن که در ترکیب دو کمیسیون حضور داشتند، نتوانست موجبات رضایت آقای کرزی را فراهم بیاورد و ایشان بالاخره توانستند گویا نقیصه های موجود در متن قانون اساسی را بر طرف نمایند!

حالا این متن که در دست ماست و در شمارهٔ سه شنبه ۱۳ عقرب سال روان ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است، در واقع متنی است که محصول کار دو کمیسیون به اضافهٔ نظارت و تشبث رئیس دولت و مشاوران نزدیک به ایشان را در متن خود نهفته دارد.

با قبول مسؤولیت خطیر ملی و فرهنگی که هر صاحبنظری و هر اهل قلمی در این زمینه احساس می کند، باید گفت بی توجهی به این سند با اعتبار ملی و دست کم گرفتن نقش آن در ایجاد ثبات و استقرار نظم در جامعه، در واقع ارتکاب آگاهانهٔ خیانت به منافع عامهٔ جامعه و پشت پازدن به آرزو های حق طلبانه و داعیه های به خون آلودهٔ ملت است.

با ور ژرف وجود دارد که کسب مشروعیت این وثیقهٔ ملی واصلاح و تعدیل لازم آن توسط نمایندگان منتخب مردم افغانستان که در شورای عالی (لویه جرگه) دورهم می آیند، و انفاذ با ضمانت آن در کشور، تهداب شکل گیری یک نظام سالم و سعادت مند را پی ریزی می کند.

نگارنده با تمام وجود تأکید دارد بر این که: حکومت قانون باید در کشور اعمال گردد روابط ومناسبات میان اتباع کشور، روابط و مناسبات میان ملت ودولت را قانون اساسی بایستی تعیین و تشخیص نماید.

هیچ ملتی در جهان وجود ندارد که با حفظ انارشی و لجام گسنختگی و تشدید نفاق و زور گویی مراحل مختلف رشد و توسعه را پیموده باشد.

متکی به این باور مندی وبا هدف - باز هم - نقیصه های موجود در متن مسودهٔ قانون اساسی که متأسفانه هنوز هم وجود دارد وبا درک مسؤولیت ملی در جهت تکمیل هر چه بهتر قانون اساسی نکات و مواردی را خاطر نشان می کنم که امیداورم مورد توجه نمایندگان منتخب مردم در شورای عالی لویه جرگه که مسؤولیت تاریخی تصویب و مشروعیت بخشیدن به قانون اساسی را بدوش دارند قرار گیرد و از آنجا که باور دارم هنگام اساس گذاری یک عمارت موقعیت خشت اول و چگونگی کیفیت مدیریت، اساسی ترین رکن موضوع را تشکیل می دهد، دغدغه های خود را بر روی کاغذ رقم می زنم همان دغدغه هایی که ریشه در اندازهٔ قلم ناقص من دارند وتأکید ندارم که آنچه من گفتم به صورت حتمی مورد قبول همگان باشد.

مادهٔ سوم وماده هفتم، احکام متناقض دارند:

در مادهٔ سوم چنین می خوانیم: در افغانستان هیچ قانونی نمی تواند نافذ شود که مخالف دین مقدس اسلام و ارزشهای مندرج این قانون اساسی باشد. اما درمادهٔ هفتم. منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول و اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر قابل رعایت دانسته شده است، در حالی که، اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر موارد صریح مخالفت با ارزش های دین مبین اسلام را درخود دارد.

در مادهٔ دوازدهم، بانک مرکزی مستقل دانسته شده وصلاحیت نشر پول به این نهاد مستقل واگذار گردیده است.

استقلال بانک مرکزی چه معنا دارد؟ بانک مرکزی از مراجع اقتصادی پولی دولت به حساب می آید صلاحیت نشر پول بنا به پیشنهاد بانک مرکزی باید در صلاحیت پارلمان کشور قرار داده شود.

ماده بیست و بیست ودو باز هم متناقض اند در مادهٔ بیستم سرود ملی فقط به زبان پشتو تأکید شده است. سرود ملی کشور همزمان به دوزبان رسمی تهیه و ترتیب گردد بگونهٔ مثال سرود موجود می تواند به پشتو طولانی تر گردد ویا قسمتی از آن به پشتو سروده شود.

در مادهٔ پنجاو ششم: هیچ شخص نمی تواند باسوء استفاده از حقوق و آزادی های مندرج این قانون اساسی برضد استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی عمل کند، باید ارزشهای مسلم دینی نیز در این استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و وحدت ملی افزوده گردد.

در مادهٔ شصتم، بند دوم آمده است: رئیس جمهور در برابر ملت مسؤول می باشد.

این بیان مهم را چنین باید اصلاح نمود: رئیس جمهور در برابر شورای عالی نمایندگان مردم (نمایندگان هردو مجلس انتخابی و یا پارلمان وسنا مسؤول است.

درمادهٔ شصت و دوم، ضرورت داشتن تحصیلات عالی و دانش لازم برای احراز مقام زعامت، از قلم انداخته شده است.

> **درمادهٔ شصت و دوم، ضرورت داشتن تحصیلات عالی و دانش لازم برای احراز مقام زعامت، از قلم انداخته شده است.**

در ماده شصت و چهارم: در مورد صلاحیت های رئیس جمهور باید گفت که برخی از آنها به شورای عالی یا مجالس ملی و اعیان (پارلمان و سنا) منتقل گردد:

الف: تعیین خط وط اساسی سیاست کشور

ب:اتخاذ تصامیم لازم در حالت دفاع ازتمامیت ارضی و...

ج: تعیین سران نمایندگی های سیاسی افغانستان در دول خارجی و مؤسسات بین المللی

در ماده هفتادو دوم برای احراز پست وزارت فقط داشتن تابعیت افغانی اکتفا شده است باید بدان افزوده شود که وزیران تنها تابعیت افغانی داشته و نیز همسر خارجی نداشته باشند. ادامه دارد

هیأت شورای امنیت سازمان ...

می شود واین روند باعلاقمندی دنبال می گردد.

سوم: از گروه های نظامی رقیب وقوماندانان در ولایات خواسته می شود تابادولت مرکزی همکاری نمایند در غیر این صورت امنیت لازم برای انتخابات تأمین نخواهد شد. هیأت شورای امنیت طی پنج روز اقامت در افغانستان قرار است از مزار شریف وهرات باز دید داشته باشد وبا اعضای کابینه ومقامات دولتی ملاقات ومذاکره کند.

براساس یک خبر دیگر این هیأت، وارد ولایت هرات در غرب افغانستان شده و با اسماعیل خان والی آن ولایت ملاقات ومذاکره می نماید. این هیأت از اسماعیل خان خواهدخواست تااز حکومت مرکزی حمایت جدی داشته باشد.

عین درخواست را در شمال کشور از استاد عطا وجنرال دوستم خواهد داشت. بنابر اظهارات مقامات سازمان ملل، هدف اساسی سفر اعضای شورای امنیت به افغانستان را گسترش حاکمیت دولت مرکزی به ولایات وبررسی فعالیت ها برای بازسازی سیاسی واقتصادی افغانستان تشکیل می دهد.

تلاوت قرآن کریم تأثیرات عمده در روان و وجدان وسلوک ...

از جانب خدا بر آن ها سکینه نازل می شود و رحمت الهی این ها را از هر طرف در آغوش می گیرد و به چار اطراف آن ها ملائک حلقه می زنند و خداوند درملاء اعلی از طاعات و عبادات شان در حضور ملایک یاد می کند و از آن ها تمجید به عمل می آورد.

خدا را شکر گذار هستیم که ما مسلمانان از این نعمت الهی بهره مند هستیم، و در مراسم و مناسبات مختلف، به خصوص در ماه مبارک رمضان مسلمانان در هرکجای دنیا از این نعمت خداوندی بهره مند می شوند، ختم های قرآن کریم صورت می گیرد که بزرگترین لطف واحسان خداوند است.

قرآن عظیم الشأن کتاب معجز الهی است که ابعاد اعجاز آن را مفسران بیان کرده اند.

و با انکشاف تکنولوژی وپیشرفت علوم، ابعاد اعجاز علمی آن بیشتر روشن خواهد شد. اما اعجاز نفسی و روانی آن

اگر خانواده اصلاح شد، اگر فرد اصلاح شد جامعه و بشریت اصلاح می شود.

مربوط به علم و تحقیق و بررسی نیست بلکه هر انسانی به محض این که قرآن کریم را می شنود خواهی نخواهی از آن تاثیر می پذیرد، ما می بینیم در تاریخ نزول قرآن کریم چیزی که مشرکان از آن سخت می ترسیدند و همیش در برابرش مقاومت می کردند شنیدن قرآن کریم بود که به یکدیگر خود می گفتند: «لا تسمعوالهذا القرآن والغوا ما فیه» شما در مجالس قرآن شرکت نکنید زیرا خواهی نخواهی تحت تأثیر آن قرار می گیرید و زمانی که شما در مجمعی می روید که در آن، قرآن کریم خوانده می شود، آن را به هم بزنید با حرف های لهو و بیهوده بکوشید که تأثیرات قرآن کم گردد. حضرت عمر (رض) قبل از مسلمان شدن، زمانی که خبر می شود خواهرش و دامادش مسلمان شده اند، تصمیم می گیرد که با شمشیر برهنه برود و آن ها را اگر از این دین برنگردند از بین ببرد، به محض این که او با شمشیر داخل خانه می شود مشاهده می کند که آنان مصروف خواندن قرآن شریف هستند خواهرش فاطمه اوراق قرآن کریم را جمع می کند و حضرت عمر اصرار می کند که اوراق را برایم بده تا ببینم که چیست؟ خواهرش به شدت می گوید که این قرآن پاک است و تو نجس هستی تا پاک نشوی برایت نمی دهم اما حضرت عمربازهم اصرار می کند و می گوید اگر از آن برایم نمی دهید قسمتی از آن را بخوانید تا بشنوم که چیست؟

به محضی که آیات کلام الهی در آن جلسه قرائت می شود یک دم وضع حضرت عمر به هم می خورد این جاست که تقاضا می کند که چطور می توانم مسلمان شوم؟

همشیره اش می گوید تو می روی کالایت را تبدیل می کنی و غسل می کنی و بعد کتاب خدا را برایت می دهیم و می توانی به اسلام داخل شوی. حضرت عمر (رض) بعد از تبدیل لباس و غسل مستقیماً به خدمت پیامبر گرامی می رود و اسلام خود را اعلان می کند. همچنان می بینیم جن ها وقتی می آیند در جایی که پیغمبر (ص) ومسلمانان در آن جا جمع اند و قرآن را می شنوند علی الفور در سراسر وجود شان تغییر جدی به میان می آید و اعلان ایمان می کنند.

به واقعیت که تلاوت قران کریم با وجودی که اگر انسان مفاهیم و معانی آن را درست هم نفهمد خواهی نخواهی انسان را تحت تأثیر قرار می دهد.

بر همین اساس است که ما و شما در ماه مبارک رمضان قرآن کریم را ختم می کنیم و این ختم ها تأثیرات بسیار عمده و اساسی را در روان و وجدان و در سلوک ما مسلمان ها ایجاد می کند، اصلاً مشکلی که انسان در زندگی دارد این نیست که انسان تابع قوانین نیست یا انسان ها حکومت های بسیار منضبط ندارند بل مشکل انسان ها حالات روحی و روانی و نفسی آن ها است، وقتی که انسان موفق به ساختن حالات روانی و روحی خود شود بی تردید می تواند به عنوان یک عنصر بسیار درست در جامعه مطرح گردد.

انسان هایی که روان متشنج دارند فیصله ها وقضاوت های شان هیچ وقت درست نمی باشد

پیغمبر (ص) می فرماید که باشنیدن قرآن کریم وبا تلاوت قرآن کریم، خداوند نوعی سکون وسکینه را دروجود انسان ایجاد می کند.

سکون وآرامش روحی و روانی بزرگترین نعمت است که انسان از هیچ طریقی به دست آورده نمی تواند مگر از طریق لطف واحسان و رحمت خداندی؛ زیرا ما می بینیم که بسیار سرمایه دارائی

به واقعیت که تلاوت قران کریم با وجودی که اگر انسان مفاهیم و معانی آن را درست هم نفهمد خواهی نخواهی انسان را تحت تأثیر قرار می دهد.

هستند که زندگی مرفه دارند اما به انواع امراض روحی و روانی مبتلا هستند که حتی دست به انتحار می زنند. در کشورهای پیشرفته چنین احساس می شود که گویا اصلاً پرابلمی میان شان وجود ندارد زیرا فقیر ومحتاج نیستند و تمام خواهشات زندگی شان بر آورده شده است در حالی که در آن کشورها بزرگترین رقم امراض روانی دیده می شود.

اکثر این ها تابلیت های خواب آور و مواد نشه یی می خورند چون احساس راحت نمی کنند. بر این اساس چیزی که ایجاد سکون می کند، شنیدن و تلاوت قرآن کریم است.

بیشترین امراضی که در وجود انسان پیدا می شود شاید قسمتی توسط مکروب ها پیدا شده باشد اما بیشتر آن توسط امراض روحی و روانی به وجود می آید.

برای مسلمانان بهترین راه تداوی، شنیدن قرآن کریم است.

امراض جسمی را می توان علاج کرد و اما امراض روانی را اکثر دکترها علاج نمی توانند زیرا امراض روحی تحت کشف لابراتوار نمی آید که چنین انسان ها تمام زندگی خود را از دست می دهند.

اما علاجی که همه کس می تواند از آن استفاده کند قرآن شریف است آدم های فقیر، انسان های متوسط وسرمایه دار همه می توانند از آن بهره مند شوند.

انسان ها پرابلم هایی زیاد در زندگی دارند که در اثر آن جنگ ها، کشمکش ها، جنایت ها و مفاسد زیاد اخلاقی واجتماعی پیدا می شود و برای علاج آن، راه های مختلفی وجود دارد. جوامع غیر مسلمان میلیون ها پول باید مصرف کنند تا جلو چنین مصایب را بگیرند اما مسلمان ها می توانند از طریق فهم معانی قرآن کریم و از طریق استماع آیات کلام الله مجید، انسان هایی سالم در جامعهء خود بسازند که این انسان ها تابع اخلاقیات وقوانین بوده باشند مرتکب جرم وجنایت وفساد و بدبختی نشوند. زیرا اصلاً مشکل کشور مشکل افراد است اگر افراد صالح در یک کشور بود، می تواند که یک جامعه و یک کشور صالح به میان بیاید.

بدین اساس صحیح ترین وسالم ترین راه نجات بشریت تربیهء افراد است.

سیستم تربیت انسان بهترین سیستم است، اصلاً توجه اسلام پیش از این که به دولت ونظام سیاسی و نظام های اقتصادی ومسایل کلی باشد به اصلاح فرد و خانواده است. اسلام اولاً فرد وخانواده را می سازد که هستهء اساسی جامعهء انسانی هستند. اگر خانواده اصلاح شد اگر فرد صالح بود جامعه و بشریت اصلاح می شود.

وامروز متأسفانه در جوامع اسلامی می بینیم یکی از پرابلم های بزرگ انسان ها این است که روابط خانوادگی، ملی، دینی و انسانی در مابین شان به کلی از بین رفته و رابطه ها روی منافع زودگذر است یا روی قوانین استبدادی وجابرانه یی که انسان ها با هم یکجا زندگی بکنند، در غیر آن هر کدام شان با فکری و تصوری و احساسی جدا از یکدیگر هستند. اگر هزارها انسان بمیرد وکشته شود انسان هایی که ضمیر و وجدان شان با یکدیگر مرتبط نیست هیچ پروایی ندارند و به همین اساس جنایت هایی که در دنیا دیده می شود ظلم و بدبختی هایی که دراین جوامع انسانی پیدا می شود از آنجا ناشی می گردد که روابط انسان ها از لحاظ روحی و نفسی با همدیگر غیر معقول است، هر کدام شان خود را از همدیگر جدا فکر می کنند وحتی در جوامعی که به نام متمدن یاد می شود در آن جا روابط در میان یک خانواده، در میان دو برادر، در میان پسر و پدر و مادر و فرزند، قطعاً روابطی غیر انسانی است فقط روابط ضرورت و روابط منفعت است.

به محض از میان رفتن منفعت ها دیگر تمام این روابط از هم می پاشد و مانند دو انسان بیگانه در برابر هم قرار می گیرند، زیرا نفس و روح و وجدان این ها محروم از یک تزکیه والهام الهی و از یک تربیهٔ قرآنی و دینی است. و این پرابلم بزرگی است که جرایم مختلفی از آن نشأت می کند.

از همین رو است که قرآن عظیم الشأن نعمت بزرگی است برای هر مسلمان، شخص مسلمان چه امی باشد وچه غیر آن، باشنیدن قرآن کریم به روح و روان و احساس و فکر او حالتی ایجاد می شود که نسبت به وضعی که قبل از تلاوت قرآن کریم داشت تفاوت می کند.

بناءً ما باید تلاوت قرآن کریم را مختص به شب های رمضان نسازیم باید تلاوت ما به صورت دوامدار و مستمر و همیشگی بوده باشد همانطوری که ما به آکسیجن ضرورت داریم تا هر روز باید تنفس کنیم و هر روز به آب نیاز مند هستیم به همین شکل به تداوی الهی که برای ما سکون و آرامش از طریق قرآن کریم می بخشد نیاز داریم و بایستی به صورت دوامدار از این نعمت الهی بهره مند بوده باشیم.

فعلاً ما مشکلات وپرابلم هایی زیاد در وطن مان داریم و راه حل این مشکلات باز هم جز از طریق دین مان، از طریق قرآن مان، از هیچ راه دیگری ممکن نیست، اگر بحران بی اعتمادی در میان مردم ما است در میان ملیت ها و شخصیت های ما است و در میان اقوام است این بحران را از طریق قوانین غیر الهی نمی توانیم حل نماییم. جز این که باز هم رجوع کنیم به همان اساس و به همان حبل المتین بسیار مستحکم الهی که عبارت از قرآن و دین ماست به این شکل ما می توانیم در کشور مان یک نوع همبستگی بسیار قوی معنوی، اخوت و برادری، دوستی وهمکاری ایجاد کنیم که این از جملهء نیازها و ضرورتهای بسیار عمده و اساسی ما و شما است.

متأسفانه در اکثر کشورهای اسلامی و مخصوصاً در کشور خود مان یک استراتژی وپلان برای ساختار یک جامعه یی که از هر لحاظ جامعهٔ مطمئن بوده باشد جامعه یی که افراد آن به عنوان عناصری صالح و سالم به وطن و مردم خود، برای امروز و فردای خود، کارهای اساسی را بکنند نه در گذشته ها داشتیم و نه در حال کسی، به آن توجه می کند.

در حالی که در دنیا وحتی در کشورهایی که به مسایل دینی توجهی ندارند اما برای تربیت ملت های خود استراتژی دارند.

در گذشته ها هم در افغانستان سیستم تربیتی وجود نداشته است که بگوید ما افغان ها چه قسم باید تربیت شویم و از همین جا بوده که اگر علت کشمکش هایی که در بین اقوام وجود دارد، در میان طبقهء روشنفکر افغانستان وجود دارد وگاهی برخوردها و بدبختی هایی که پیدا می شود بررسی شود به این نتیجه می رسیم که در افغانستان یک استراتژی ویک پروگرامی که توسط آن افغان ها ساخته شوند، افراد تربیت شود و آن نوع استراتژی و پیش بینی هایی که بسیار هدفمند بوده باشند کمتر وجود داشته است. به این اساس مردم ما در یک بی برنامه گی رشد کرده اند. نمی فهمیدند که ما چه می کنیم و اگر یک روحیه وانگیزه یی هم که در میان این ملت وجود می داشت تنها همان احساس دینی و اعتقادی شان است که به نام دین از استقلال و آزادی و وطن خود همیش دفاع کردند.

اما یک استراتژیی که بر مبنای آن

تلاوت قرآن کریم سلوک قرار آرامش روانی به انسان می بخشد

رشد بکنیم نه در پروگرام تعلیمات ابتدایی ما بود نه در تعلیمات متوسط و عالی مان و نه در مطبوعات سمعی و بصری مان، که مردم ونسل جوان و کودکان ما را به کدام طرف می خواهیم سوق دهیم. این ها هدف شان چیست، آرمان شان در زندگی چیست، چه باید بکنند به هر حال در شرایط فعلی چیزی که بسیار ضرور است که ما برای ساختار جامعهٔ امروز مان وبرای حل پرابلم های اقتصادی مان از آن استفاده بکنیم. قرآن کریم و تعالیم دینی ماست.

در ارتباط روزه مصاحبه یی یک دکتر مصری داشت که پرسیده شده بود روزه چه فایده دارد؟ او علاوه بر تشریحاتی زیاد گفت که فعلاً بهترین علاج در کشور های پیشرفتهء مغرب زمین در پوهنتون ها و اکادمی های طبی شان روزه است که از آن به "گرسنه ساختن اسلامی" تعبیر می کنند.

بناءً ما باید مطمئن بوده باشیم دینی که ما به آن معتقد هستیم هم برای سعادت و خوشبختی ماست و هم دین علمی است یعنی بزرگترین دانشمندان هر قدر تحقیق می کنند به همان اندازه به حقیقت این دین آگاه می شوند. این دین ساده ترین دین است انسانی که بسیار زیاد ابتدایی هم بوده باشد چون این دین مفاهیم بسیار روشنی دارد ضرورت به بسیار تفکر و تعقل و تعمق علمی را ندارد و یک انسان عادی هم منفعت این دین را می داند. ومی فهمد که چگونه از خوبی های آن استفاده کند.

به هر حال، خداوند به همهٔ ما وشما توفیق عطا کند که همیش قرآن کریم را تلاوت کنیم و همیش خود را به عنوان نسل های تربیت یافتهء آن بسازیم.

بادها سمت وسو عوض کرده اند



محمد اسحاق فایز

من بدنبال لذتم
شبانگاهان در برهوتی به وسعت ایمانم
آفتاب شبینه را
قطره
قطره
می نوشم
ودرهضمی درد آلود
سکوت وستاره ها را
سلام می گویم
من بدنبال لذتم
شب از یخن ایده های قهقرای من
طلوع نموده است
وآبادی نیز از آن
سمت جنوب وباختری شهرم را
در نور دیده
وقتی به ایمان سپید این خانه می دیدم
گلوله ای به هیأت یک زمستان در چشمانم برف شد.
بارید
وبارید
وبارید
تاآنجا که هیمنه اش تالبالب سپیده ها رسید
بایک چاشنی انفجار کوک شده
که حلقومش بوی گند خون می دهد
وبدنه های جداشده آدمی.
من بدنبال لذتم
هرچند پیدایش بیمناکم در زهدان «او» مرده بود
اصرار کردم
دنیا را ببینم
وحالیا چشمانم
از حدقهٔ یک گور خونین
واز جمجمهٔ یک پندار موهوم
نگران است:
از این خاکستر داغ آتشناک
دستهای دیگری سبز خواهد شد
وچشمانی
که عقوبت تلخ تاریکی را
لمس کنند
وحشتناک.
من بدنبال لذتم
ولی بادهای موافقی نمی وزد
روزگاری آستینی سرخرنگ
از حیاط خانهٔ گلینم
از دهکده ام
آفتاب پرست های رسیده را چید
تابرایم نان و«سخارین» بدهد

وحالیا نیز
بادها سمت وسو عوض کرده اند
واز درفشی که در باد می وزد
هلال ماه وستاره می ریزد.
من بدنبال لذتم
تهورمن دردمادم زادن یک فجر خونین زخمی شد
ووقتی گند وبوی تعفن آن سوی مرزهای جنوب
دنیا را پرکرد
بخود آمدم
وآنگاه بخود نیز شک کردم
وتهوعی دوباره برمن مستولی شد
وحالیا نیز
از قضای روزگار
منتظر یک«پیزا» هستم.
من بدنبال لذتم
چه چیزی می تواند مذاق تنوع پسندم را
جلوبگیرد
آزادی برایم مفهومی است که از لای گاو
صندوق های پرازدلار بانک جهانی می آید و
از درخشش مشعل سنگی مجسمهٔ آزادی.
من بدنبال لذتم
وهرصبحگه جنازهٔ باورهای خود را
در«فرقم» دو دستانم
دفن می کنم
ودر دریای خشکیدهٔ کابل
وتمنی می کنم که اتلاتینک
از پغمان تاسروبی موج زند
تا«توره بوره» را طوفان بگیرد
که چرا
اسامه
سوار«کشتی نوح» نشد
فرقی نمی کند
میل ندارم دیگر بگویند
خاوران زادگاه خورشید است
وباختر عروج لذتناک«سکس» نیست.
من بدنبال لذتم
به چراغ قرمزی که در سمت کنار جاده روشن است
نمی بینم
بیم دارم که«آیساف»
اخطار کند:
"مستر" دستها بالا
"مسیو" تکان نخورید
وآنگاه سگهای تعلیمی در ارگ
حتی دهنم را بوی بکشد که مبادا
چاکلیت دموکراسی را من بویده باشم

کابل ٢٢سنبله١٣٨١

حکایت

شیخ سعدی

حاکمی را حکایت کنند که هیزم درویشان خریدی به حیف وتوانگران را دادی به طرح صاحبدلی براو بگذشت وگفت:

ماری تو که هرکه را بینی بزنی
یا بوم که هرکجا نشینی بکنی

•••

زورت ارپیش می رود باما
باخداوند غیب دان نرود
زورمندی مکن براهل زمین
تادعایی برآسمان نرود

حاکم از این سخن برنجید روی از نصیحت او درهم کشید وبر او التفاتی نکرد، تاشبی آتش مطبخ در انبار هیزمش افتاد وسایر املاکش بسوخت واز بستر نرمش به خاکستر گرم نشاند. اتفاقاً همان شخص در گذر بود وشنید که با یاران می گفت: ندانم این آتش از کجا در انبار هیزم افتاد. گفت: از درد دل درویشان.

حذر کن زدود درونهای ریش
که ریش درون عاقبت سرکند
به هم برمکن تاتوانی دلی
که آهی جهانی به هم برکند

لنډه کیسه

انسان پلورنه

ش.زیارمل

ښا پیری په رښتیا چې دکوه قاف پري او دښایست میره وه. جګه نه وه. نري ملا، هسکه غاړه او نور په سلګونو صفتونه داټول دهغې په وجود کې راټول شوي وو. نوځکه خو زماډیره خوښیده. دشپې به دهغې دښکلا دپلوشو په خیالونو کې ډوب وم او دځنې نازنین خال ته به مې دبیدل په څیر سمرقند او بخارا ښښل، دورځې به مې دکلې شاوخوا څار له که پلو به ئې نیمکخو کړنودمخ ځلیدونکې شمعې به ئې زماسترګي تتې کړې او که پټ مخې به تیره شوه نو په کمزوري زړه به مې تورتم غلبه وکړه.

وائي مینه پټه نه پاتې کیږي او ډیره ژر رسوائي ته وځي پلار مې خبر شو خانته ئې راوبللم او په اندیښمن حالت ئې راته وویل: "بچیه بې ځایه بې ځایه مه ودریږه. دمینې په دامونو کې ځان مه ښکیلوه. په خپله غریبۍ مه خانده. تنه چیرته او دکاکا پهلوان لور چیرته او که بیا په دې جوال کې ځان اچول غواړې نو لومړي دې جیبونه ډک کړه او بیا دبل کورته ورشه! دپلار له خبرو او دمینې له رسوائي وروسته مې په شپو شپو چرتونه ووهل دخیال او تصور په ګردابو کې لاهو شوم. نه پوهیدم څه وکړم. څنګه پیسې پیدا کړم، دچا کور ووهم، څوك ووژنم مال متاع ئې غلا کړم او یاله کومې توپك والې ډلې سره یوځاي شم لوټ تالان وکړم، ولجې او غنیمتونه واخلم. خو په پاي کې دې پایلې ته ورسیدم چې دوبۍ ته لاړشم او دخپلې ناداري مزې هلته پرې کړم، پیسې راوړم او دخپل زړګي ورانه شوې خونه اباده کړم.

هوکې! له پلار سره له سلامشوري وروسته دوبۍ ته لاړم بلې! دوبۍ ته! خوهلته پوه شوم چې په یوځاي کې هم خوړنده ډوډۍ نشته. هرکارته مې لاس وړاندې کړ، په هیڅ ډول خوارۍ غریبۍ ونه شرمیدم. خپل ځان مې اور-اوبوته واچاوه. دشپې ورځې مې کار وکړ. زیارونه او زبرونه مې وګالل ترڅو دخپلې کوژدې پیسې پوره کړم. خو ولور په نامه ددغه دروند پیټې پوره کول څه اسانه خبره نه وه. پنځه کاله مې پرله پسې خوریدونکې کارونه وکړل. یوه یوه پیسه مې ټوله کړه. لوږې تندې مې تیرې کړې خو کله چې ډکه منګول او دهیلو ډك زړه کورته ستنیدم له ډیرې خوشحالۍ نه په جامو کې نه ځایدم. لکه دیو الوتونکي په څیر مې زړه هوا کوله. تند او تیز روان وم ترڅو خپلې فقیرې جالې ته ورسیدم، پلار مې مخې ته راووغښتل، دمینې په توده غیږ کې ئې ټینګ او مخ ئې زما څوځو خله ښکل کړ، په رټ رټ ئې راته وژړل او له ژړا سره سم ئې په ریږدلو شونډو داویل نه هم زما په غوږ کې زمزمه کړه: "ستا دخیالونو فرښته، هغه دښکلا میره او ستا داوږده انتظار معشوقه بل چا یووړه. هوکې! بل چا یووړه"!

دپلار ددغو غم لړلو خبرو داوریدو سره سم زه دغمونو ناپایه سمندر ته ګوزار شوم، په ځمکه راولویدم، له خوده ووتم. په سترګو مې دتورتم پردې خپرې شوې. غوږونه مې کاڼه شول. خوکله چې له اوږده خندوروسته په هوښ راغلم ومې ولیدل چې خوږ مینه مورمې داوښکو پرځاي وینې ژاړي، مشران ماته ډاډ او تسلي راکوي دنصیب او قسمت خبرې کوي خو ماچې دناامیدۍ کوم غشي په زړه خوړلي و. زما غریبو داسې راډك شوي وچې هیڅ مې نه شو ویلاي یواځې مې خپل غاښونه چیچل او چاته مې نه کتل.

مور مې په ژړیدلې اواز وویل: پلار ظالم ئې بل چاته له لوټونو سره وتلله. هوکې! بچیه له لوټونو سره. په یوه تله کې ئې لور کینوله او په بله تله کې ئې دزرګیزو بوجې. زمونږ دومره وسه چیرته وه. زویه ته مه خپه کیږه داسې ناوي به درته راوړم چې له ښتبه ئې مخ ښائیسته وي اوله مخه ئې ښې.

زه هم دلومړي ځل لپاره دي تریخ حقیقت ته خیر شوم چې په دې وطن کې مینه په پیسو خرڅیږي. دځوانانو هیلې او امیدونه له پیسو جاریږي، دلته پت او عزت یواځې پیسې دي او بس، داپیسې وې چې له مانه ئې زما دمینې لیلا بیله کړه، زما دهیلو او امیدونو دبڼ ګلان ئې ورژول.

هوکې! داخو کلي نه بلکې دمال مینډنې دي. دلته خو دڅارویو پرځاي عزتناکې پیغلې خرڅیږي، دلته خو اوس له پیسو سره تلل کیږي، له داسې کلي نه ښې سپکول په کار دي.

سپیدي لا نه وي چاودې چې په بیړه له کلي ووتم او چې لرشانته لرې لاړم. ښه نیولې شوم مخ مې خپل کلي ته واړاوه. په لوړ اواز مې وویل: خداي په امان انسان پلورونکو! خداي په امان انسان پلورونکو! اي بدبخت کلیه! اي دمال منډنې! خداي په آمان زه لاړم او بیا به هیڅ کله رانشم.

متن کامل مسودهٔ قانون اساسی

فصل اول
دولـــت

ماده اول

افغانســتان، دولــت جمهــوری اســلامی، مستقل، واحد وغیر قابل تجزیه می باشد.

ماده دوم

د ین افغانستان، دین مقدس اسلام است.

پـیروان سـایر ادیان در اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون آزاد می باشند.

ماده سوم

در افغانســتان هیچ قانون نمی تواند مخالف دیـن مقـدس اسـلام و ارزشـهای مندرج این قانون اساسی باشد.

ماده چهارم

حاکمیـت ملـی درافغانسـتان به ملت تعلق داردکـه بـه طور مستقیم یا توسط نماینده گان خود،آنرا اعمال می کند.

ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند.

بـر هـر فـرد از افـراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می شود.

هیچ فردازافراد ملت ازتابعیت افغانی محروم نمی گردد.

امـور مـربوط به تابعیت و پناهندگی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده پنجم

تطبـیق احکـام ایـن قـانون اساسی وسایر قوانیـن، دفـاع از اسـتقلال، حاکمیـت ملـی، تمامیـت ارضی وتأمین امنیت وقابلیت دفاعی کشور از وظایف اساسی دولت می باشد.

ماده ششم

دولـت مکلـف بـه ایجاد یک جامعه مرفه ومترقـی بـر اسـاس عدالـت اجتماعـی،حفظ کرامـت انسـانی، حمایـت حقـوق بشر، تحقق دموکراسـی، تامیـن وحـدت ملـی برابری بین همـه اقـوام وقـبایل وانکشاف متوازن در همة مناطق کشور می باشد.

ماده هفتم

دولـت منشـورملل مـتحد، معـاهدات بیـن الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن الحـاق نمـوده واعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می کند.

دولـت ازهـر نـوع اعمـال تروریسـتی، زرع وقاچاق مواد مخدر جلو گیری می کند .

ماده هشتم

دولـت سیاسـت خارجی کشور را بر مبنای حفـظ اسـتقلال، مـنافع ملی، تمامیت ارضی، عـدم مداخله، حسن همجواری، احترام متقابل وتساوی حقوق تنظیم می نماید.

ماده نهم

معادن، وسایر منابع زیر زمینی ملک دولت می باشد.

حفاظت واداره املاک دولت وطرز استفاده درسـت از مـنابع طبیعـی وسـایر املاک عامه توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده دهم

دولـت، سرمایه گذاریها وتشبثات خصوصی را مبتنی برنظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق وحمایت می کند ومصونیت آن را تضمین می نماید.

ماده یازد هم

امـور مـربوط بـه تجـارت داخلـی وخارجی مطـابق بـه ایجابـات اقتصادی کشور ومصالح مردم توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده دوازد هم

دافغانسـتان بـانک، بـانک مرکـزی دولت ومستقل می باشد.

نشـر پول، طرح و تطبیق سیاست پولی کشـور مطـابق به احکام قانون از صلاحیت بانک مرکزی می باشد.

تشـکیل وطـرز فعالیـت ایـن بـانک توسط قانون تنظیم می شود.

ماده سیزدهم

دولــت بــرای انکشــاف صــنایع، رشــد تولـیدوارتقای سـطح زندگـی مردم وحمایت از فعالیـتهای پیشـه وران پروگـرامهای مؤثروضع وتطبیق می کند.

ماده چهاردهم

دولت برای انکشاف زراعت ومالداری، بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی ومعیشتی دهقانان و مـالداران واسـکان وبهـبود زندگی کوچیان در حـدود بنیه مالی دولت پروگرامهای مؤثر وضع وتطبیق می کند.

دولـت بـه مـنظور تهـیهء مسـکن و توزیع ملکیـتهای عامه برای اتباع مستحق مطابق به احکـام قانون و در حدود امکانات مـالی تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده پانزدهم

آثار باستانی ملک دولت می باشد.

دولـت مکلـف اسـت در مـورد حفـظ آثـار باستانی وبهبود محیط زیست تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده شانزدهم

ازجملــه زبانهـــای پشـــتو، دری، ازبکـــی، ترکمنـــی، بلوچـــی، پشـــه یـــی، نورســـتانی وســایرزبانهای رایــج در کشــور، پشــتو ودری زبانهای رسمی دولت می باشند.

دولـت برای تقویت وانکشاف همه زبانهای افغانسـتان پروگـرامهای موثـر وضـع وتطبـیق می کند.

نشـر مطـبوعات و رسـانه هـای گروهی به تمام زبانهای رایج در کشور آزاد می باشد.

ماده هفدهم

دولـت بـرای ارتقای معارف در همه سطوح وانکشـاف تعلـیمات دینـی و بـه منظورتنظـیم وبهـبود وضـع مسـاجد مدارس ومراکز دینی ، تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده هجدهم

مبدأ تقویمی کشوربرهجرت پیغمبر اکرم ﷺ استوار است.

مبنای کارادارات دولتی هجری شمسی می باشد.

جمعـه روز تعطـیل عمومـی اسـت. سـایر رخصتی ها توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده نوزدهم

بـیرق افغانستان مرکب است از سه قطعه با رنگهـای سـیاه، سـرخ وسـبز کـه بـه صـورت عمـودی بـه انـدازه هـای مسـاوی از چـپ به راسـت در کنار هم واقع شده وعرض هر رنگ معادل نصف طول آن است ودر وسط آن نشان ملی افغانستان قرار دارد.

نشـان ملــی افغانــستان عبارت از محـراب ومنـبر بـه رنـگ سـفـید مـی باشـد کـه در دو گوشـه آن دو بیرق ودر وسط آن در قسمت فوقانـــی، کلمـــهٔ مـــبارک "لا الـــه الاالله محمـد رسـول الله" والله اکـبر واشـعه خورشید درحـال طلـوع ودر قسـمت تحتانـی آن تاریخ ١٢٩٨هجـری شمسـی وکلمه "افغانستان" ، جا داشـته وازدو طرف به خوشه های گندم احاطه شده است.

طـرز اسـتفاده از بـیرق ونشـان ملی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده بیستم

سـرود ملـی افغانسـتان بـه زبـان پشتو می باشد.

ماده بیست ویکم

پایتخت افغانستان شهر کابل می با شد.

فصل دوم
حقوق اساسی و وجایب اتباع

ماده بیست ودوم

هـرنوع تبعـیض وامتیازبیـن اتباع افغانستان ممنوع است.

اتباع افغانستان در برابر قانون دارای حقوق ووجایب مساوی می باشند.

ماده بیست وسوم

زندگـی موهبـت الهـی وحق طبیعی انسان اسـت. هیچ شخص بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی گردد.

ماده بیست وچهارم

آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگـران ومصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد.

آزادی وکرامـت انسـان از تعـرض مصـون است.

دولـت بـه احـترام وحمایت آزادی وکرامت انسان مکلف می باشد.

ماده بیست وپنجم

برائت ذمه حالت اصلی است.

مـتهم تـا وقتی که به حکم قطعی محکمه بـا صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته می شود.

ماده بیست وششم

جرم یک عمل شخصی است .

تعقیـب، گرفـتاری یا توقیف متهم وتطبیق جزا براو به شخص دیگر سرایت نمی کند.

ماده بیست وهفتم

هـیچ عملـی جرم شمرده نمی شود مگر به حکـم قانونـی کـه قـبل از ارتکـاب آن نـافذ گردیده باشد.

هـیچ شـخص را نمـی توان تعقیب ،گرفتار ویا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون .

هـیچ شـخص را نمـی توان مجازات نمود مگـر بـر طـبق حکـم محکمـه بـا صلاحیت ومطـابق بـه احکـام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

ماده بیست وهشتم

هـیچ یـک از اتباع افغانستان به علت اتهام بـه جـرم، بـه دولـت خارجی سپرده نمی شود مگر بر اساس معاملهٔ بالمثل وپیمان های بین الدول که افغانستان به آن پیوسته باشد.

هـیچ افغـان بـه سـلب تابعیت ویا تبعید در داخل یا خارج افغانستان محکوم نمی شود.

ماده بیست و نهم

تعذیب انسان ممنوع است.

هـیچ شـخص نمـی توانـد حتـی به مقصد کشـف حقـایق از شـخص دیگر، اگرچه تحت تعقیـب، گرفتاری یا توقیف ویا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد.

تعییـن جزایـی کـه مخالف کرامت انسانی باشد ممنوع است.

ماده سی ام

اظهار، اقراروشهادتی که از متهم یا شخص دیگـری بـه وسـیله اکـراه بـه دسـت آورده شود،اعتبار ندارد.

اقـرار به جرم عبارت است از: اعتراف متهم بـا رضـایت کـامل ودر حالت صحت عقل در حضور محکمه با صلاحیت.

ماده سی ویکم

هـر شـخص مـی تواند برای دفع اتهام به مجـرد گرفـتاری ویـا اثبات حق خـود وکیل مدافع تعیین کند.

مـتهم حـق دارد بمجـرد گرفتاری از اتهام منسـوب اطـلاع یـابد ودر داخـل میعادی که قانون تعیین می کند در محکمه احضار گردد.

دولـت درقضـایای جنایـی بـرای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید.

وظـایف وصـلاحیت هـای وکـلای مدافع توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و دوم

مدیـون بـودن شـخص موجـب سـلب یـا محدود شدن آزادی مدیون نمی شود.

طـرز و وسـایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی وسوم

اتباع افغانستان حق انتخاب کردن وانتخاب شدن رادارا می باشند.

شـرایط وطـرز استفاده از ایـن حق توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی وچهارم

آزادی بیان از تعرض مصون است .

هـر افغـان حـق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر ویا وسایل دیگر، بارعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.

هـرافغان حق دارد مطابق به احکام قانون، بـه طـبع ونشر مطالب بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی بپردازد.

احکـام مـربوط به مطابع، رادیو وتلویزیون، نشـر مطـبوعات وسـایر وسـایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می شود.

ماده سی وپنجم

اتـباع افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصـد مـادی ویـا معـنوی مطـابق به احکام قانون ، جمعیتها تا سیس نمایند.

اتـباع افغانستان حق دارند مطابق به احکام قـانون احـزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط بر اینکه :

مرامـنامه واساسـنامه حزب،مـناقض احکام دیـن مقـدس اسـلام و نصـوص وارزشـهای مندرج این قانون اساسی نباشد.

تشکیلات ومنابع مالی حزب علنی باشد.

اهـداف وتشـکیلات نظامـی وشـبه نظامی نداشته باشد.

وابسـته بـه حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد.

تأسـیس وفعالیـت حـزب برمبنای قومیت، سمت، زبان ومذهب جواز ندارد.

جمعیـت وحزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می شود، بدون موجبات قانونی وحکم محکمه با صلاحیت منحل نمی شود.

ماده سی وششم

اتـباع افغانســتان حـق دارندبـرای تأمیـن مقاصـدجایز وصلح آمیز بدون حمل سلاح ، طبق قانون اجتماع و تظاهرات نمایند.

ماده سی و هفتم

آزادی ومحرمیـت مـرا سـلات ومخابـرات اشـخاص چـه به صورت مکتوب باشد وچه به وسیله تلفون، تلگراف ووسایل دیگر، از تعرض مصون است.

دولـت حـق تفتـیش مراسـلات ومخابرات اشخاص را ندارد مگر مطابق به احکام قانون.

ماده سی وهشتم

مسکن شخص از تعرض مصون است .

هـیچ شخص به شمول دولت نمی تواند بدون اجـازه سـاکن یـا قرارمحکمه با صلاحیت وبه غـیر از حـالات وطرز ی که در قانون تصریح شـد ه بـه مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید.

در مـورد جـرم مشـهود، مامور مسئول می توانـد بـدون اجـازه قبلـی محکمـه به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مامور مذکـور مکلـف اسـت بعـد از داخـل شـدن یا اجـرای تفتـیش، در خـلال مدتـی کـه قانون تعیین می کند قرار محکمه را حاصل نماید.

ماده سی ونهم

هـــرافغان حـــق دارد بـــه هـــرنقطه کشورسـفرنماید ومسـکن اختـیار کند مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است .

هـر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون بـه خـارج افغانسـتان سفرنمایدو به آن عودت کند.

دولـت از حقوق اتباع افغانستان در خارج از کشور حمایت می نماید.

ماده چهلم

ملکیت از تعرض مصون است.

هـیچ شـخص ازکسب ملکیت وتصرف در آن منع نمی شود مگر در حدود قانون .

ملکیـت هـیچ شخص بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت مصادره نمی شود.

اسـتملاک ملکیـت شـخص تنها به مقصد تأمیـن مـنافع عامـه در بـدل تعویـض قبلـی وعادلانه به موجب قانون مجاز می باشد.

تفتیش واعلان دارایی شخص تنها به حکم قانون صورت می گیرد.

ماده چهل ویکم

اشـخاص خارجی در افغانستان حق ملکیت اموال عقاری را ندارند.

اجـاره عقـار بمنظور سرمایه گذاری مطابق باحکام قانون مجاز می باشد.

فروش عقار به نمایندگی های سیاسی دول خارجـی وبـه موسسـات بیـن المللـی کـه افغانسـتان عضـو آن باشـد، مطـابق به احکام قانون مجازمی باشد.

ماده چهل ودوم

هـر افغـان مکلـف اسـت مطابق به احکام قانون به دولت مالیه ومحصول تأدیه کند.

هیچ نوع مالیه ومحصول بدون حکم قانون وضع نمی شود.

انـدازهٔ مالـیه ومحصـول وطرز تأدیه آن با رعایـت عدالـت اجتماعـی توسط قانون تعیین می گردد.

ایـن حکـم در مـورد اشـخاص وموسسات خارجی نیز تطبیق می شود.

هـر نوع مالیه، محصول و عواید تادیه شده به حساب واحد دولتی تحویل داده می شود.

ماده چهل وسوم

تعلـیم حـق تمـام اتباع افغانستان است که الـی درجـه ثـانوی به صورت رایگان از طرف دولت تامین می گردد.

دولـت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معـارف در تمـام افغانسـتان ، تأمیـن تعلیمات متوسـطه اجـباری پروگرام مؤثر وضع وتطبیق نمـاید وزمینـه تدریـس زبانهـای مادری را در مناطقی که به آنها تکلم می کنند فراهم کند.

ماده چهل وچهارم

دولـت مکلـف است به منظور ایجاد توازن وانکشـاف تعلـیم بـرای زنـان، بهـبود تعلیم کوچـیان وامحـای بـی سـوادی درکشـور، پروگرامهای مؤثر وضع وتطبیق نماید.

ماده چهل وپنجم

دولت نصاب واحد تعلیمی را برمبنای احکام دیـن مقدس اسلام و فرهنگ ملی ومطابق با اصـول علمـی وضع وتطبیق می کند ونصاب مضـامین دینـی مکاتـب را بـر مبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان تدوین می نماید.

ماده چهل وششم

تأسـیس واداره موسسـات تعلـیمات عالی ، عمومی واختصاصی وظیفه دولت است.

اتباع افغانستان می توانند به اجازه دولت به تأسـیس موسسـات تعلیمات عالـی، عمومی، اختصاصی وسواد آموزی اقدام نمایند.

دولـت می تواند تأسیس مؤسسات تعلیمات عالـی عمومـی و اختصاصـی را بـه اشـخاص خارجی نیز مطابق به احکام قانون اجازه دهد.

شرایط شمول در مؤسسـات تعـلیمات عالی دولتی وسایر امور مـربوط بـه آن توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده چهل وهفتم

دولـت بـرای پیشـرفت علـم، فرهنگ،ادب وهنر پروگرامهای مؤثر وضع می کند.

دولـت حقوق مؤلف، مخترع وکاشف را تضـمین می نماید وتحقیقات علمی را در تمـام عرصه ها تشویق وحمایت مـی کند واستفاده مؤثر از نتایج آن را مطـابق بـه احکـام قـانون تعمیم می بخشد.

ص٦

ماده چهل وهشتم

کار حق هر افغان است.

تعیین ساعات کار، رخصتی با مزد، حقوق کار وکارگر وسایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می گردد.

انتخاب شغل وحرفه، در حدود احکام قانون آزاد می باشد.

ماده چهل ونهم

تحمیل کار اجباری ممنوع است.

کار اجباری در حالت جنگ، آفات وسایر حالاتی که حیات وآسایش عامه را تهدید کند از این امر مستثنی می باشد.

تحمیل کار براطفال جواز ندارد.

ماده پنجاهم

دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید.

اداره اجراآت خود را با بیطرفی کامل ومطابق به احکام قانون عملی می سازد.

اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران وامنیت عامه حدودی ندارد.

اتباع افغانستان براساس اهلیت وبدون هیچگونه تبعیض وبه موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می شوند.

ماده پنجاه ویکم

هر شخص که از اداره بدون موجب متضرر شود مستحق جبران خساره می باشد ومی تواند برای حصول آن در محکمه دعوا اقامه کند.

به استثنای حالاتی که در قانون تصریح گردیده است دولت نمی تواند بدون حکم محکمه با صلاحیت به تحصیل حقوق خود اقدام کند.

ماده پنجاه ودوم

دولت وسایل وقایه وعلاج امراض وتسهیلات صحی را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تامین می نماید.

دولت تاسیس وتوسعه خدمات طبی ومراکز صحی خصوصی را طبق قانون تشویق وحمایت می کند.

دولت به منظور تقویت تربیت بدنی سالم وانکشاف ورزشهای ملی ومحلی تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده پنجاه وسوم

دولت به منظور تنظیم خدمات طبی ومساعدت مالی برای بازماندگان شهداء ومفقودین، معلولین ومعیوبین مطابق به احکام قانون تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده، برای کهن سالان، زنان بی سرپرست وایتام بی بضاعت مطابق به احکام قانون کمک لازم به عمل می آورد.

ماده پنجاه وچهارم

خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می دهد ومورد حمایت دولت قرار دارد.

دولت به منظورتامین سلامت جسمی وروحی خانواده بالاخص طفل ومادر، تربیت اطفال وبرای ازبین بردن رسوم مغایربا احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ می کند.

ماده پنجاه وپنجم

دفاع از وطن وجیبه تمام اتباع افغانستان است.

شرایط اجرای دورهٔ مکلفیت عسکری توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده پنجاه وششم

پیروی ازاحکام قانون اساسی، اطاعت ازقوانین و رعایت نظم وامن عامه وجیبهٔ تمام مردم افغانستان است.

بی خبری ازاحکام قانون عذر دانسته نمی شود.

ماده پنجاه و هفتم

دولت حقوق وآزادی های اتباع خارجی را در افغانستان طبق قانون تضمین می کند. این اشخاص در حدود قواعد حقوق بین المللی به رعایت قوانین دولت افغانستان مکلف می باشند.

ماده پنجاه وهشتم

دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان وحمایت از آن، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تاسیس می نماید.

هر شخص می تواند در صورت نقض حقوق اساسی خود، به این کمیسیون شکایت نماید.

کمیسیون می تواند موارد نقض حقوق اساسی افراد را به مراجع قانونی راجع سازد و در دفاع از حقوق آنها مساعدت نماید.

تشکیل وطرز فعالیت کمیسیون توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده پنجاه ونهم

هیچ شخص نمی تواند با سوء استفاده از حقوق وآزادیهای مندرج این قانون اساسی، بر ضد استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ووحدت ملی عمل کند.

فصل سوم
رئیس جمهور

ماده شصتم

رئیس جمهور دررأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته، صلاحیت های خود را در عرصه های اجرائیه، تقنینیه وقضائیه، مطابق به احکام این قانون اساسی اعمال می کند.

رئیس جمهور در برابر ملت مسئول می باشد.

رئیس جمهور دارای یک معاون می باشد.

رئیس جمهور نام معاون را همزمان باکاندید شدن خود به ملت اعلام میدارد.

معاون رئیس جمهور در حالت غیاب، استعفاء و یا وفات رئیس جمهور مطابق به احکام مندرج این قانون اساسی عمل می کند.

ماده شصت ویکم

رئیس جمهور با کسب اکثریت بیش از پنجاه فی صد آرای رای دهندگان از طریق رای گیری آزاد عمومی، سری ومستقیم انتخاب میگردد.

وظیفه رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعداز انتخابات پایان می یابد.

انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان کار رئیس جمهور برگذار میگردد.

هرگاه در دور اول هیچ یک از کاندیدان نتواند اکثریت بیش از پنجاه فی صد آرا را بدست آورد انتخابات برای دور دوم در ظرف دو هفته از تاریخ اعلام نتایج انتخابات برگذار می گردد ودر این دور تنها دو نفر از کاندیدانی که بیشترین آرا را در دور اول بدست اورده اند، شرکت می نمایند.

در دور دوم انتخابات، شخصی که اکثریت آرا را کسب کند، رئیس جمهورشناخته می شود.

هرگاه یکی از کاندیدان ریاست جمهوری قبل از دور اول یا دوم رای گیری ویا قبل از اعلام نتایج انتخابات وفات نماید، انتخابات مجدد مطابق به احکام قانون برگذار می گردد.

انتخابات ریاست جمهوری تحت نظارت کمیسیون مستقل نظارت بر انتخابات بر گزار می شود. این کمیسیون برای نظارت بر هر نوع انتخابات ومراجعه به آرای عمومی مردم در کشور مطابق به احکام قانون تشکیل می گردد.

ماده شصت ودوم

شخصی که به ریاست جمهوری کاندید می شود، باید واجد شرایط ذیل باشد:

تبعهٔ افغانستان، مسلمان ومتولد از والدین افغان بوده وتابعیت کشور دیگری را نداشته باشد.

در روز کاندید شدن سن وی از چهل سال کمتر نباشد.

از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری جنایت یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

هیچ شخص نمی تواند بیش از دو دوره به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد.

حکم مندرج این ماده در مورد معاون رئیس جمهور نیز تطبیق می گردد.

ماده شصت وسوم

رئیس جمهور قبل از تصدی وظیفه، مطابق به طرزالعمل خاص که توسط قانون تنظیم می گردد. حلف آتی را بجا می آورد:

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بزرگ جل جلاله سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را اطاعت واز آن حمایت کنم، قانون اساسی وسایر قوانین را رعایت واز تطبیق آن مواظبت نمایم. از استقلال، حاکمیت ملی وتمامیت ارضی افغانستان حراست وحقوق ومنافع مردم افغانستان را حفاظت کنم وبا استعانت از بارگاه پروردگار متعال وپشتیبانی ملت، مساعی خود را در راه سعادت وترقی مردم افغانستان بکار برم.

ماده شصت وچهارم

رئیس جمهوردارای صلاحیتها ووظایف ذیل می باشد:

مراقبت از اجرای قانون اساسی.

تعیین خطوط اساسی سیاست کشور.

قیادت اعلای قوای مسلح افغانستان.

اعلان حرب ومتارکه به تأیید شورای ملی.

اتخاذ تصمیم لازم در حالت دفاع از تمامیت ارضی وحفظ استقلال.

فرستادن قطعات قوای مسلح به خارج افغانستان به تایید شورای ملی.

دایر نمودن لویه جرگه به استثنای حالت مندرج ماده شصت ونهم این قانون اساسی.

اعلان حالت اضطرار به تایید شورای ملی وخاتمه دادن به آن.

افتتاح اجلاس شورای ملی ولویه جرگه.

قبول استعفاءی معاون ریاست جمهوری.

تعیین وزرا ولوی سارنوال به تایید ولسی جرگه و عزل وقبول استعفاء آنها.

تعیین رئیس واعضای ستره محکمه به تایید ولسی جرگه.

تعیین، تقاعد، قبول استعفاء وعزل قضات، صاحب منصبان قوای مسلح، پولیس و امنیت ملی ومامورین عالی رتبه مطابق به احکام قانون.

تعیین سران نمایندگی های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی وموسسات بین المللی.

قبول اعتماد نامه های نمایندگان سیاسی خارجی در افغانستان.

توشیح قوانین وفرامین تقنینی.

اعطای اعتبار نامه به غرض عقد معاهدات بین الدول ومیثاقهای بین المللی مطابق به احکام قانون.

تخفیف وعفو مجازات مطابق به احکام قانون.

اعطای مدالها، نشانها والقاب افتخاری مطابق به احکام قانون.

تعیین رئیس بانک مرکزی به تایید ولسی جرگه.

تأسیس کمیسیونها به منظور بهبود ادارهٔ کشورمطابق به احکام قانون.

سایر صلاحیتها و وظایف مندرج این قانون اساسی.

ماده شصت و پنجم

رئیس جمهور می تواند در موضوعات مهم ملی سیاسی، اجتماعی ویا اقتصادی به آرای عمومی مردم افغانستان مراجعه نماید.

مراجعه به آرای عمومی نباید مناقض احکام این قانون اساسی ویا مستلزم تعدیل آن باشد.

ماده شصت وششم

رئیس جمهوردراعمال صلاحیتهای مندرج این قانون اساسی، مصالح علیای مردم افغانستان را رعایت می کند.

رئیس جمهور نمی تواند بدون حکم قانون ملکیتهای دولتی را بفروشد یا اهدا کند.

رئیس جمهور نمی تواند در زمان تصدی وظیفه، از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی وحزبی استفاده نماید.

ماده شصت وهفتم

در صورت استعفاء، عزل یا وفات رئیس جمهور و یا مریضی صعب العلاج که مانع اجراء وظیفه شود، معاون رئیس جمهور صلاحیتها ووظایف رئیس جمهور را به عهده می گیرد.

رئیس جمهور استعفاء خود را شخصا به شورای ملی اعلام می نماید.

تثبیت مریضی صعب العلاج توسط هیئت طبی با صلاحیت که از طرف ستره محکمه تعیین می گردد صورت می گیرد.

درین حالات در خلال مدت سه ماه انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید طبق ماده شصت ویکم این قانون اساسی برگذار می گردد.

معاون رئیس جمهور در زمان تصدی به حیث رئیس جمهور موقت امور ذیل را انجام داده نمی تواند:

تعدیل قانون اساسی.

عزل وزرا.

مراجعه به آراء عامه.

معاون رئیس جمهور می تواند مطابق به احکام این

قانون اساسی خود را بریاست جمهوری کاندید نماید.

در صورت غیاب رئیس جمهور وظایف معاون توسط رئیس جمهور تعیین می گردد.

ماده شصت وهشتم

هرگاه معاون رئیس جمهور استعفاء و یا وفات نماید عوض وی شخص دیگری به پیشنهاد رئیس جمهور وتایید ولسی جرگه تعین می گردد.

در صورت وفات همزمان رئیس جمهور ومعاون وی بالترتیب رئیس مشرانو جرگه، رئیس ولسی جرگه و وزیر خارجه یکی بعد دیگری مطابق به حکم مندرج ماده (شصت وهفتم) این قانون اساسی وظایف رئیس جمهور را به عهده می گیرد.

ماده شصت ونهم

اتهام علیه رئیس جمهور به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت از طرف یک ثلث کل اعضای ولسی جرگه تقاضا شده می تواند. در صورتیکه این تقاضا از طرف دو ثلث کل آرای ولسی جرگه تایید گردد، ولسی جرگه در خلال مدت یک ماه لویه جرگه را دایر می نماید.

هر گاه لویه جرگه اتهام منسوب را به اکثریت دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، رئیس جمهور از وظیفه منفصل وموضوع به محکمه خاص محول می گردد. محکمه خاص متشکل ازسه نفر از اعضای ولسی جرگه، سه نفر از اعضای ستره محکمه به تعیین لویه جرگه و رئیس مشرانو جرگه می باشد. اقامهٔ دعوی توسط شخصیکه ازطرف لویه جرگه تعیین میگردد صورت می گیرد.

در این حالت احکام مندرج ماده شصت و هفتم این قانون اساسی تطبیق می گردد.

ماده هفتادم

معاش ومصارف رئیس جمهور توسط قانون تنظیم می گردد.

رئیس جمهوربعد ازختم دوره خدمت باستثنای حالت عزل برای بقیهٔ مدت حیات از حقوق مالی دوره ریاست جمهوری مطابق به احکام قانون مستفید می شود.

فصل چهارم
حکومت

ماده هفتادویکم

حکومت متشکل است از وزرا که تحت ریاست رئیس جمهور اجرای وظیفه می نماید.

وزرا توسط رئیس جمهور تعیین گردیده و جهت تایید به شورای ملی معرفی می گردد.

تعداد وزرا ووظایف شان توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده هفتادودوم

شخصی که به حیث وزیرتعیین می شود باید واجد شرایط ذیل باشد:

تبعه افغانستان باشد.

دارای تحصیل، تجربهٔ کاری وشهرت نیک باشد.

سن وی از سی وپنج سال کمتر نباشد.

ازطرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

ماده هفتادوسوم

وزرا می توانند از اعضای شورای ملی یا خارج از آن تعیین شوند.

هرگاه عضو شورای ملی به حیث وزیر تعیین شود عضویت خودرا در شورای ازدست می دهد و در عوض وی شخص دیگری مطابق به حکم قانون تعیین میگردد.

ماده هفتادو چهارم

وزرا قبل از تصدی وظیفه حلف آتی را به حضور رئیس جمهور، بجامی آورند:

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بزرگ جل جلاله سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام راحمایت، قانون اساسی وسایر قوانین افغانستان را رعایت، حقوق اتباع را حفاظت واز استقلال، تمامیت ارضی ووحدت ملی مردم افغانستان حراست کنم ودرهمه اعمال خود خداوند جل جلاله را حاضر دانسته، وظایف محوله را صادقانه انجام دهم.

ماده هفتاد وپنجم

حکومت دارای وظایف ذیل می باشد :

تعمیل احکام این قانون اساسی، سایرقوانین و فیصله های قطعی محاکم.

حفظ استقلال، دفاع ازتمامیت ارضی وصیانت منافع وحیثیت افغانستان در جامعه بین المللی.

تأمین نظم وامن عامه واز بین بردن هر نوع فساد اداری.

ترتیب بودجه، تنظیم وضع مالی دولت وحفاظت دارایی عامه.

طرح وتطبیق پراگرامهای انکشافی اجتماعی فرهنگی، اقتصادی وتکنالوژی.

ارائه گزارش به شورای ملی در ختم سال مالی در بارهٔ امور انجام شده وپروگرام های عمده سال مالی جدید.

انجام سایروظایفی که به موجب این قانون اساسی وقوانین دیگراوظایف حکومت دانسته شده است.

ماده هفتاد وششم

حکومت برای تطبیق خطوط اساسی سیاست کشور و تنظیم وظایف خود مقررات وضع وتصویب می کند. این مقررات باید مناقض نص یا روح هیچ قانون نباشد.

ماده هفتادوهفتم

وزرا وظایف خود را به حیث آمرین واحد های اداری درداخل حدودی که این قانون اساسی وسایر قوانین تعیین می کند اجرا می نمایند.

وزرا از وظایف مشخصه خود نزد رئیس جمهور وولسی جرگه مسئولیت دارند.

ماده هفتادوهشتم

هرگاه وزیر به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی ویا سایر جرایم متهم گردد قضیه با رعایت ماده (یکصدوسی وچهارم) این قانون اساسی به محکمه خاص محول می گردد.

ماده هفتادونهم

حکومت می تواند درحالت تعطیل ولسی جرگه در صورت ضرورت عاجل، به استثنای امور مربوط به بودجه وامورمالی، فرامین تقنینی را ترتیب کند.

فرامین تقنینی بعد از توشیح رئیس جمهور حکم قانون را حایز می شود. فرامین تقنینی باید در خلال ۳۰ روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورای ملی به آن تقدیم شود. ودر صورتی که از طرف شورای ملی رد شود از اعتبار ساقط می گردد.

ماده هشتادم

وزرا نمی توانند در زمان تصدی وظیفه از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی مذهبی وحزبی استفاده نمایند.

ص۷

فصل پنجم
شورای ملی

ماده هشتادویکم

شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان بحیث عالی ترین ارگان تقنینی مظهر اراده مردم آن است واز قاطبه ملت نمایندگی می کند.

هر عضو شورای در موقع اظهار رای، مصالح عمومی ومنافع علیای مردم افغانستان را مدار قضاوت قرار می دهد.

ماده هشتادودوم

شورای ملی متشکل از دو مجلس ولسی جرگه ومشرانوجرگه می باشد.

هیچ شخص نمی تواند در یک وقت عضو هر دو مجلس باشد.

ماده هشتاد وسوم

اعضای ولسی جرگه توسط مردم از طریق انتخابات آزاد،عمومی، سری ومستقیم انتخاب میگردند.

دوره کار ولسی جرگه به تاریخ اول سرطان سال پنجم، بعداز اعلان نتایج انتخابات به پایان می رسد وشورای جدید به کار آغاز می نماید.

انتخابات اعضای ولسی جرگه در خلال مدت سی الی شصت روزقبل از پایان دوره ولسی جرگه برگذار می گردد.

تعداد اعضای ولسی جرگه به تناسب نفوس هر حوزه بین (۲۲۰) الی (۲۵۰) نفر می باشد.

حوزه های انتخاباتی وسایر مسایل مربوط به آن در قانون انتخابات تعین می گردد.

در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی، نمایندگی عمومی وعادلانه را برای تمام مردم کشور تامین نماید واز هر ولایت حداقل یک وکیل زن در ولسی جرگه عضویت یابد.

ماده هشتادو چهارم

اعضای مشرانو جرگه به ترتیب ذیل انتخاب و تعیین می شوند:

ازجمله اعضای شورای هر ولایت، یک نفر به انتخاب شورای مربوط برای مدت چهار سال.

ازجمله اعضای شوراهای ولسوالیهای هرولایت، یک نفر به انتخاب شوراهای مربوط برای مدت سه سال.

یک ثلث باقی مانده از جمله شخصیت های خبیر وبا تجربه به تعین رئیس جمهور برای مدت پنج سال.

رئیس جمهور تعداد پنجاه فیصد از این اشخاص را ازبین زنان تعین می نماید.

شخصی که به حیث عضو مشرانوجرگه انتخاب می شود، عضویت خود را در شورای مربوطه از دست داده وبه عوض اوشخص دیگری مطابق به احکام قانون تعین می گردد.

ماده هشتادوپنجم

شخصی که به عضویت شورای ملی کاندید یا تعیین می شود، بایدعلاوه برتکمیل شرایط انتخاب کنندگان واجد اوصاف ذیل باشد:

تبعه افغانستان بوده یا حداقل ده سال قبل از تاریخ کاندید شدن یا تعیین، تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد.

از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت ویا حرمان ازحقوق مدنی محکوم نشده باشد.

اعضای ولسی جرگه سن بیست وپنج سالگی را درروز کاندید شدن واعضای مشرانو جرگه سن سی وپنج سالگی را در روز کاندید شدن یا تعیین تکمیل کرده باشند.

ماده هشتادوششم

وثایق انتخاباتی اعضای شورای ملی توسط کمیسیون مستقل نظارت برانتخابات مطابق به احکام قانون تدقیق می گردد.

ماده هشتادو هفتم

هر یک از دو مجلس شورای ملی در آغاز دوره کار یک نفر از اعضای خو د را برای یک دوره تقنینیه به حیث رئیس ودونفر را به حیث نایب اول ونایب دوم ودو نفر را به حیث منشی ونایب منشی برای مدت یکسال انتخاب می کند.

این اشخاص هیئت اداری ولسی جرگه و مشرانو جرگه را تشکیل می دهند.

وظایف هیئت اداری در اصول وظایف داخلی هر مجلس تعین می شود.

ماده هشتادوهشتم

هریک از دو مجلس شورای ملی برای مطالعه موضوعات مورد بحث، بر طبق اصول وظایف داخلی کمیسیون ها تشکیل می دهد.

ماده هشتادو نهم

ولسی جرگه صلاحیت دارد به پیشنهاد یک ثلث اعضا، جهت بررسی ومطالعه اعمال حکومت کمیسیون خاص تعین نماید.

ترکیب وطرز العمل این کمیسیون در اصول وظایف داخلی ولسی جرگه تنظیم می گردد.

ماده نودم

شورای ملی دارای صلاحیتهای ذیل می باشد:

تصویب، تعدیل یالغو قوانین ویافرامین تقنینی.

تصویب پروگرامهای انکشافی اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژی.

تصویب بودجه دولتی و اجازه اخذ یا اعطای قرضه.

ایجاد واحد های اداری، تعدیل و یا الغای آن.

تصدیق معاهدات ومیثاقهای بین المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن.

سایرصلاحیتهای مندرج این قانون اساسی.

ماده نودو یکم

ولسی جرگه دارای صلاحیت های اختصاصی ذیل می باشد:

اتخاذ تصمیم در مورد استیضاح ازهریک از وزرا مطابق به حکم ماده نودودوم این قانون اساسی.

اتخاذ تصمیم نهایی راجع به پروگرامهای انکشافی وبودجه دولتی در صورت اختلاف نظر بین ولسی جرگه ومشرانو جرگه.

تایید مقرریها مطابق باحکام این قانون اساسی.

ماده نود ودوم

ولسی جرگه به پیشنهاد یک دهم کل اعضا، می تواند از هریک از وزرا استیضاح به عمل آورد.

هرگاه توضیح ارائه شده قناعت بخش نباشد، ولسی جرگه موضوع رای عدم اعتماد را بررسی می کند.

رای عدم اعتماد از وزیر باید صریح، مستقیم و بر اساس دلایل موجه باشد، این رای باکثریت آراء کل اعضای ولسی جرگه صادر می گردد.

ماده نودوسوم

هریک ازکمیسیونهای هر دومجلس شورای ملی می تواند ازهریک از وزرا در موضوعات معین سؤال نماید.

شخصی که از او سوال به عمل آمده ،می تواند جواب شفاهی یا تحریری بدهد.

ماده نودوچهارم

قانون عبارت است از مصوبه هر دومجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد مگر اینکه دراین قانون اساسی طوردیگر تصریح گردیده باشد.

در صورتیکه رئیس جمهور با مصوبه شورای ملی موافقه نداشته باشد می تواند آنرا در طرف پانزده روز از تاریخ تقدیم با ذکر دلایل به ولسی جرگه مسترد نماید. با سپری شدن این مدت ویادر صورتی که ولسی جرگه آنرا مجدداً با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، مصوبه توشیح شده محسوب ونافذ می گردد.

ماده نودوپنجم

پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت یا اعضای شورای ودر ساحه تنظیم امور قضائی از طرف ستره محکمه توسط حکومت صورت گرفته می تواند.

پیشنهاد طرح قانون در مورد بودجه وامور مالی صرف از طرف حکومت صورت می گیرد.

ماده نودوششم

هرگاه پیشنهاد طرح قانون حاوی تکلیف جدید یا تنقیص در عایدات دولت باشد، به شرطی در فهرست کار داخل می شود که در متن پیشنهاد، مدرک جبران نیز پیش بینی شده باشد.

ماده نودوهفتم

پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت نخست به ولسی جرگه تقدیم می گردد.

ولسی جرگه پیشنهاد طرح قانون را به شمول بودجه وامور مالی وپیشنهاد اخذ ویا اعطای قرضه را بعد از بحث به صورت یک کل تصویب یا رد می کند.

ولسی جرگه نمی تواند طرح پیشنهاد شده را بیس از یک ماه به تأخیر اندازد.

ولسی جرگه طرح قانون پیشنهاد شده را بعد از تصویب به مشرانو جرگه می سپارد.

مشرانو جرگه در طرف پانزده روز در مورد آن تصمیم اتخاذ می کند.

شورای ملی به اتخاذ تصمیم در مورد طرح قوانین معاهدات وپروگرامهای انکشافی دولت که به اساس پیشنهاد حکومت ایجاب رسیدگی عاجل را نماید اولویت میدهد.

هرگاه پیشنهاد طرح قانون از طرف ده نفر از اعضای یکی از دو مجلس صورت گیرد بعد از تایید یک پنجم اعضای مجلسی که پیشنهاد به آن ارائه شده است در فهرست کار آن مجلس داخل می گردد.

ماده نودوهشتم

بودجه دولت وپروگرام انکشافی حکومت ازطریق مشرانو جرگه توام بانظریه مشورتی آن به ولسی جرگه تقدیم می شود.

تصمیم ولسی جرگه بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می شود.

هر گاه نظر به عواملی تصویب بودجه قبل از آغاز سال مالی صورت نگیرد، تا تصویب بودجه جدید بودجه سال گذشته تطبیق می گردد.

حکومت در خلال ربع چهارم سال مالی بودجه سال اینده را با حساب اجمالی بودجه سال جاری به شورای ملی تقدیم می نماید.

حساب قطعی بودجه سال مالی قبل، در خلال مدت شش ماه سال اینده مطابق به احکام قانون به شورای ملی تقدیم می گردد.

ولسی جرگه نمی تواند تصویب بودجه را بیش از یکماه و اجازه اخذ ویا اعطای قرضه را که شامل بودجه نباشد، بیش از پانزده روز به تاخیراندازد.

هرگاه ولسی جرگه دربین مدت راجع به پیشنهاد اخذ ویا اعطای قرضه تصمیم اتخاذ نکند، پیشنهاد تصویب شده محسوب می گردد.

ماده نودونهم

در صورتی که در اجلاس شورای ملی، بودجه سالانه یا پروگرام انکشافی یا موضوع مربوط به امنیت عامه، تمامیت ارضی واستقلال کشور مطرح باشد مدت اجلاس شورای قبل از تصویب آن خاتمه یافته نمی تواند.

ماده صدم

هرگاه مصوبهٔ یک مجلس از طرف مجلس دیگر رد شود برای حل اختلاف هیئت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هردو مجلس تشکیل می گردد.

فیصله هیئت بعداز توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می شود. در صورتیکه، هیئت مختلط نتواند اختلاف نظر را رفع کند، مصوبه رد شده به حساب می رود.

هر گاه تصویب از طرف ولسی جرگه به عمل آمده باشد، ولسی جرگه می تواند در جلسه بعدی آنرا با اکثریت آرای اعضا تصویب کند. این تصویب بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می شود.

هرگاه اختلاف دومجلس درمورد طرح قوانین مالی باشد، درصورتیکه هیئت مختلط به حل آن موفق نشود، ولسی جرگه می تواند طرح مذکور را با اکثریت آرای اعضا تصویب نماید. این طرح بدون ارائه به مشرانوجرگه بعد ازتوشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می شود.

ماده یکصدویکم

هیچ عضو شورای ملی به علت رای یا نظریه یی که در هنگام اجرای وظیفه ابراز می دارد، مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد.

ماده یکصدودوهم

هرگاه عضو شورای ملی به جرمی متهم شود،مامور مسئول از موضوع به مجلسی که متهم عضو آن است، اطلاع می دهد، ومتهم تحت تعقیب عدلی قرار گرفته می تواند.

در مورد جرم مشهود مامور مسئول می تواند متهم را بدون اجازه مجلسی که او عضو آن می باشد تحت تعقیب عدلی قرار دهد وگرفتار نماید.

در هردو حالت هرگاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاب کند، مامور مسئول مکلف است موضوع را بلا فاصله به اطلاع مجلس مربوط برساند، وتصویب آنرا حاصل نماید.

اگراتهام در هنگام تعطیل شورا صورت بگیرد اجازه گرفتاری یا توقیف از هیئت اداری مجلس مربوط حاصل می گردد وموضوع به نخستین جلسه مجلس مذکور جهت اخذ تصمیم ارائه می شود.

ماده یکصدوسوم

وزرا می توانند در جلسات هریک از دو مجلس شورای ملی اشتراک ورزند.

هر مجلس شورای ملی می تواند حضور وزرا را در جلسه خود مطالبه کند.

ماده یکصدوچهارم

هردومجلس شورای ملی در وقت واحد به صورت جداگانه جلسه می کنند.

جلسات هر دو مجلس در موارد ذیل می تواند بطور مشترک دایر شود:

۱. در موقعی که دوره تقنینیه یا اجلاس سالانه از طرف رئیس جمهور افتتاح می گردد.

۲. در صورتیکه رئیس جمهور ضروری تشخیص دهد.

رئیس ولسی جرگه از جلسات مشترک شورای ملی ریاست می نماید.

ماده یکصدوپنجم

جلسات شورای ملی علنی می باشد مگر اینکه رئیس مجلس یا حد اقل ده نفر از اعضای شورای ملی سری بودن آنرا در خواست نمایند ومجلس این درخواست را بپذیرد.

هیچ شخصی می تواند عنفا به مقر شورا ی ملی داخل شود.

ماده یکصدو ششم

نصاب هریک از دو مجلس شورای ملی هنگام رای گیری با حضور اکثریت اعضا تکمیل می گردد وتصامیم آن با اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می شود، مگر در مواردی که این قانون اساسی طور دیگری تصریح نموده باشد.

ماده یکصدو هفتم

شورای ملی درهرسال دواجلاس عادی دایرمی کند.

مدت کار هر دو اجلاس شورای در هر سال نه ماه می باشد ،در صورت ایجاب، شورای می تواند این مدت را تمدید کند.

جلسات فوق العاده شورای در ایام تعطیل به امر رئیس جمهور دایر شده می تواند.

ماده یکصدوهشتم

در حالات وفات، استعفاء وعزل عضوشورای ملی ویا معلولیت یا معیوبیتی که بطور دایم مانع اجرای وظیفه گردد، تعیین نماینده جدید برای مدت باقی مانده دورهٔ تقنینیه، مطابق به احکام قانون صورت میگرد.

امور مربوط به حضور وغیاب اعضای شورا ی ملی دراصول وظایف داخلی تنظیم می گردد.

ماده یکصدونهم

پیشنهاد تعدیل قانون انتخابات در یک سال اخیر دوره تقنینیه در فهرست کار شورای ملی داخل شده نمی تواند.

فصل ششم
لویه جرگه

ماده یکصدودهم

لویه جرگه عالی ترین مظهر اراده مردم افغانستان می باشد.

لویه جرگه متشکل است از:

۱. اعضای شوری ملی.

۲. رؤسای شورا های ولایات وولسوالیها.

وزرا، رئیس واعضای ستره محکمه می توانند در جلسات لویه جرگه بدون حق رأی اشتراک ورزند.

ماده یکصدو یازدهم

لویه جرگه در حالات ذیل دایر می گردد:

۱. اتخاذ تصمیم درمورد مسایل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی ومصالح علیای کشور.

۲. تعدیل احکام این قانون اساسی.

۳. محاکمه رئیس جمهور مطابق به حکم مندرج ماده شصت ونهم این قانون اساسی.

ماده یکصدودوازدهم

لویه جرگه در اولین جلسه، از میان اعضا یک نفر را به حیث رئیس ویک نفر را بحیث معاون ودو نفر را بحیث منشی ونایب منشی انتخاب می کند.

ماده یکصدو سیزدهم

نصاب لویه جرگه هنگام رای دهی با حضور اکثریت اعضا تکمیل می گردد.

تصامیم لویه جرگه، جز در مواردی که در این قانون اساسی صریحا ذکر گردیده، با اکثریت آرای کل اعضا اتخاذ می گردد.

ماده یکصد وچهاردهم

مباحثات لویه جرگه علنی می باشد مگر اینکه یک ربع اعضا سری بودن آنرا در خواست نمایند ولویه جرگه این درخواست را بپذیرد.

ماده یکصدو پانزدهم

در هنگام دایر بودن لویه جرگه احکام مندرج مواد یکصدویکم ویکصدودوم این قانون اساسی در مورد اعضای آن تطبیق می گردد.

فصل هفتم
قضاء

ماده یکصدوشانزدهم

قوه قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد.

قوه قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه محاکم استیناف ومحاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آنها توسط قانون تنظیم می گردد.

ستره محکمه به حیث عالیترین ارگان قضائی در رأس قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد.

ماده یکصدوهفدهم

ستره محکمه مرکب است ازنه عضوکه ازطرف رئیس جمهوربا تایید ولسی جرگه وبارعایت احکام مندرج فقرهٔ اخرمادهٔ پنجاهم وماده یکصدوهجدهم این قانون اساسی برای مدت ده سال تعیین می شوند.

تعیین اعضا برای بار دوم جواز ندارد.

رئیس جمهور یکی ازاعضا را به حیث رئیس ستره محکمه تعیین می کند.

اعضای ستره محکمه به استثنای حالت مندرج ماده یکصدوبیست وهفتم این قانون اساسی، تا ختم دوره خدمت از وظایف شان عزل نمی شوند.

ماده یکصدوهجدهم

عضو ستره محکمه باید واجد شرایط ذیل باشد:

۱. سن رئیس واعضا درحین تعیین ازچهل سال کمتر نباشد.

۲. تبعه افغانستان باشد.

۳. در علوم حقوقی ویا فقهی تحصیلات عالی ودر نظام قضائی افغانستان تخصص و تجربه کافی داشته باشد.

۴. دارای حسن سیرت وشهرت نیک باشد.

۵. از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت ویاحرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

۶. درحال تصدی وظیفه در هیچ حزب سیاسی عضویت نداشته باشد.

ص۸

ماده یکصدونزدهم

اعضای ستره محکمه قبل از اشغال وظیفه ، حلف آتی را درحضور رئیس جمهور بجا می آورند:

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بزرگ ﷻ سوگند یاد می کنم که حق وعدالت را برطبق احکام دین مقدس اسلام نصوص این قانون اساسی وسایر قوانین افغانستان تأمین نموده، وظیفه قضاء را باکمال امانت صداقت وبی طرفی اجرانمایم.

ماده یکصدو بیستم

صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی ای است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی به شمول دولت به حیث مدعی یا مدعی علیه درپیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه شود.

ماده یکصد وبیست ویکم

ستره محکمه مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول ومیثاق های بین المللی را با قانون اساسی، صرف بر اساس تقاضای حکومت ویا محاکم بررسی وقرار لازم را درمورد صادرمی کند.

ستره محکمه صلاحیت دارد قانون اساسی، قوانین و فرامین تقنینی را تفسیر نماید.

ماده یکصد وبیست ودوم

هیچ قانون نمی تواند در هیچ حالت، قضیه یا ساحه یی را از دایره صلاحیت قوه قضائیه به نحوی که دراین فصل تحدید شده ، خارج بسازدوبه مقام دیگر تفویض کند.

این حکم مانع تشکیل محاکم خاص مندرج مواد شصت ونهم، هفتادوهشتم و یکصدوبیست وهفتم این قانون اساسی و محاکم عسکری نمی گردد.

تشکیل وصلاحیت این نوع محاکم توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصدو بیست وسوم

بارعایت احکام این قانون اساسی قواعد مربوط به تشکیل، صلاحیت وجریان محاکم وامور مربوط به قضات توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصدوبیست وچهارم

درمورد مأمورین وسایر کارکنان اداری قوه قضائیه احکام قوانین مربوط به مأمورین وسایر کارکنان اداری دولت نافذ می باشد ولی تقرر، انفکاک، ترفیع تقاعد، مجازات ومکافات شان توسط ستره محکمه مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.

ماده یکصدو بیست و پنجم

بودجه قوه قضائیه به مشوره حکومت از طرف ستره محکمه ترتیب گردیده و به حیث جزء بودجه دولت، توسط حکومت به شورای ملی تقدیم می شود .

تطبیق بودجه قوه قضائیه از صلاحیت ستره محکمه می باشد.

ماده یکصدوبیست وششم

اعضای ستره محکمه بعد از ختم دوره خدمت برای بقیه مدت حیات ازحقوق مالی دوره خدمت مستفیدمی شوند مشروط بر اینکه به مشاغل دولتی وسیاسی اشتغال نورزند.

ماده یکصدوبیست وهفتم

هرگاه بیش از یک ثلث اعضای ولسی جرگه محاکمه رئیس یا عضو ستره محکمه را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نماید وولسی جرگه این تقاضا را با اکثریت دوثلث کل اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه عزل وموضوع به محکمه خاص محول می گردد.

تشکیل محکمه وطرزالعمل محاکمه توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصدوبیست وهشتم

درمحاکم افغانستان، محاکمه بصورت علنی دایر می گردد وهر شخص حق دارد بارعایت احکام قانون دران حضور یابد.

محکمه می تواند در حالاتی که در قانون تصریح گردیده ویا سری بودن محاکمه ضروری تشخیص گردد، جلسات سری دایر کند ولی اعلام حکم باید به هر حال علنی باشد.

ماده یکصدوبیست ونهم

محکمه مکلف است اسباب حکمی را که صادر می نماید، در فیصله ذکر کند.

تمام فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است مگردر حالت حکم به مرگ شخص که مشروط به منظوری رئیس جمهور می باشد.

ماده یکصدوسی ام

محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی وسایر قوانین را تطبیق می کنند.

هر گاه برای قضیه یی از قضایای مورد رسیدگی در قانون اساسی وسایرقوانین، حکمی موجود نباشد، محاکم به پیروی ازاحکام فقه حنفی ودرداخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل وفصل می نمایند که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید.

ماده یکصدوسی ویکم

محاکم برای اهل تشیع، در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می نمایند.

در سایر دعاوی نیز اگر دراین قانون اساسی وقوانین دیگر حکمی موجود نباشد وطرفین دعوا ازاهل تشیع باشند، محاکم قضیه را مطابق به احکام این مذهب حل وفصل می نمایند.

ماده یکصدو سی ودوم

قضات به پیشنهاد ستره محکمه ومنظوری رئیس جمهور تعیین می گردند.

تقرر، تبدل، ترفیع، مؤاخذه وپیشنهاد تقاعد قضات مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می باشد.

ستره محکمه بمنظور تنظیم بهتر امور اجرایی وقضایی وتامین اصلاحات لازم، آمریت عمومی اداری قوه قضائیه را تأسیس می نماید.

ماده یکصدوسی وسوم

هرگاه قاضی به ارتکاب جنایت متهم شود، ستره محکمه مطابق به احکام قانون به حالت قاضی رسیدگی نموده، پس از استماع دفاع او، در صورتیکه ستره محکمه اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم ویا منظوری آن ازطرف رئیس جمهور، قاضی متهم از وظیفه معزول ومطابق به احکام قانون مجازات می شود.

ماده یکصدوسی و چهارم

کشف جرایم، توسط پولیس و تحقیق جرایم واقامه دعوا علیه متهم در محکمه، از طرف سار سارنوالی مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.

سارنوالی جزء قوه اجرائیه و در اجراآت خود مستقل می باشد.

تشکیل، صلاحیت وطرزفعالیت سارن سارنوالی توسط قانون تنظیم می گردد.

کشف وتحقیق جرایم وظیفوی منسوبین قوای مسلح، پولیس و موظفین امنیت ملی توسط قانون خاص تنظیم می گردد.

ماده یکصدوسی وپنجم

اگر طرف دعوا زبانی را که محاکمه توسط آن صورت می گیرد نداند ، حق اطلاع به مواد واسناد قضیه و صحبت در محکمه به زبان مادری توسط ترجمان برایش تأمین می گردد.

فصل هشتم
اداره

ماده یکصدوسی و ششم

اداره جمهوری اسلامی افغانستان برا ساس واحد های اداره مرکزی وادارات محلی طبق قانون تنظیم می گردد.

اداره مرکزی به یک عده واحد های اداری منقسم می گردد که در راس هرکدام یک نفروزیر قرار دارد.

واحد اداره محلی ولایت است. تعداد، ساحه اجزاوتشکیلات ولایات وادارات مربوط، بر اساس تعداد نفوس، وضع اجتماعی واقتصادی وموقعیت جغرافیایی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصدو سی وهفتم

حکومت با حفظ اصل مرکزیت به منظور تسریع وبهبود امور اقتصادی ، اجتماعی وفرهنگی وسهم گیری هرچه بیشتر مردم درانکشاف حیات ملی ، صلاحیتهای لازم را مطابق به احکام قانون ، به اداره محلی تفویض می نماید.

ماده یکصدوسی هشتم

در هر ولایت یک شورای ولایتی تشکیل می شود.

اعضای شورای ولایتی طبق قانون به تناسب نفوس، باانتخابات آزاد، عمومی، سری ومستقیم از طرف ساکنین ولایت برای مدت چهار سال انتخاب می گردند.

شورای ولایتی یک نفرازاعضای خود را به حیث رئیس انتخاب می نماید.

ماده یکصدوسی ونهم

شورای ولایتی در تأمین اهداف انکشافی دولت وبهبود امور ولایت به نحوی که در قوانین تصریح می گردد، سهم گرفته، درمسایل مربوط به ولایت مشوره می دهد.

شورای ولایتی وظایف خودرا باهمکاری اداره ولایت اجرا می نماید.

ماده یکصدوچهلم

برای تنظیم امور وتأمین اشتراک فعال مردم در اداره محلی، در ولسوالی ها وقریه ها مطابق به احکام قانون، شورا ها تشکیل می گردد.

اعضای این شوراها باانتخابات آزاد، عمومی سری و مستقیم از طرف ساکنین محل برای مدت سه سال انتخاب می شوند.

سهم گیری کوچیان در شورا های محلی مطابق به احکام قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصدوچهل ویکم

برای اداره امورشهری، شاروالی تشکیل می شود.

شاروال واعضای مجالس شاروالی ازطریق انتخابات آزاد، عمومی، سری ومستقیم انتخاب می شوند.

امور مربوط به شاروالیها توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصدوچهل دوم

دولت به مقصد تعمیل احکام وتامین ارزشهای مندرج این قانون اساسی ادارات لازم را تشکیل می نماید.

فصل نهم
حالت اضطرار

ماده یکصدوچهل وسوم

هرگاه به علت جنگ، خطر جنگ، اغتشاش وخیم آفات طبیعی ویا حالت مماثلی که حفظ استقلال وحیات ملی از مجرایی که در قانون اساسی تعیین شده، تا ممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور با تایید شورای ملی در تمام یا بعضی از ساحات کشور اعلان می شود.

هرگاه حالت اضطرار بیش از دو ماه دوام نماید برای تمدید آن موافقت شورای ملی شرط است.

ماده یکصدوچهل وچهارم

در حالت اضطرار رئیس جمهور می تواند به مشوره رؤسای شورای ملی و ستره محکمه، بعضی از صلاحیت های شورای ملی را به حکومت انتقال دهد.

ماده یکصدوچهل وپنجم

در حالت اضطرار، رئیس جمهور می تواند بعد از تأیید روسای شورای ملی و ستره محکمه، تنفیذ احکام ذیل را معطل بسازد و یا برآن قیودی وضع نماید:

۱. فقره دوم ماده بیست و هفتم.
۲. ماده سی وششم .
۳. فقره دوم ماده سی وهفتم.
۴. فقره دوم ماده سی وهشتم.

ماده یکصدوچهل وششم

درحالت اضطرار قانون اساسی تعدیل نمی شود.

ماده یکصدوچهل وهفتم

هر گاه دوره ریاست جمهوری ویا دوره تقنینیه شورای ملی در حالت اضطرار ختم شود، اجرای انتخابات جدید ملتوی گذاشته شده ومدت خدمت رئیس جمهور و اعضای شورای ملی تا چهار ماه تمدید می شود.

هرگاه حالت اضطراربیش ازچهارماه دوام نماید لویه جرگه ازطرف رئیس جمهوردعوت می شود.

بعد از ختم حا لت اضطرار، در خلال مدت دو ماه انتخا با ت برگزار می گردد.

ماده یکصدوچهل وهشتم

در ختم حالت اضطرار اقداماتی که بر اساس مواد یکصدوچهل چهار ویکصدوچهل پنج این قانون اساسی به عمل امده ، بلا فاصله از اعتبار ساقط می گردد.

فصل دهم
تعدیل

ماده یکصدوچهل ونهم

اصل پیروی ازاحکام دین مقدس اسلام ونظام جمهوری تعدیل نمی شود.

تعدیل حقوق اساسی اتباع صرف بمنظور بهبود حقوق آنان مجاز می باشد.

تعدیل دیگر محتویات این قانون اساسی، نظر به تجارب ومقتضیات عصربارعایت احکام مندرج مواد شصت وهفتم ویکصدوچهل وششم این قانون اساسی با پیشنهاد رئیس جمهور یا اکثریت شورای ملی صورت می گیرد.

ماده یکصدوپنجاهم

به منظوراجرای پیشنهاد تعدیل، هیئتی از بین اعضای حکومت، شورای ملی و ستره محکمه به فرمان رئیس جمهور تشکیل گردیده وطرح تعدیل را تهیه می کند.

برای تصویب تعدیل، لویه جرگه براساس فرمان رئیس جمهور ومطابق به احکام فصل لویه جرگه دایر می گردد.

هرگاه لویه جرگه با اکثریت دوثلث کل اعضا طرح تعدیل را تصویب کند، بعد از توشیح رئیس جمهور نا فذ می گردد.

فصل یازدهم
احکام متفرقه

ماده یکصدو پنجاه ویکم

رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور، وزراء، رئیس واعضای ستره محکمه در مدت تصدی وظیفه نمی توانند هیچ معامله انتفاعی را با دولت واشخاص انجام دهند.

معاملاتی که به منظور تأمین نیازمندیهای شخصی انجام یابد،از این امرمستثنی می باشد.

ماده یکصدوپنجاه ودوم

رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور، وزراء، رؤسا واعضای شورای ملی وستره محکمه وقضات نمی توانند درمدت تصدی وظیفه به مشاغل دیگری اشتغال ورزند.

ماده یکصدوپنجاه وسوم

قضات، سارنوالان، صاحب منصبان قوای مسلح، پولیس ومنسوبین امنیت ملی درمدت تصدی وظیفه نمی توانند در احزاب سیاسی عضویت داشته باشند.

ماده یکصدوپنجاه وچهارم

دارایی رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور، وزرا واعضای ستره محکمه، قبل و بعد از دوره خدمت توسط ارگانی که درقانون تعیین می گردد، ثبت رسیدگی ونشر می شود.

ماده یکصدوپنجاه پنجم

برای معاون رئیس جمهور، وزراء، رؤسا واعضای شورای ملی و ستره محکمه وقضات ، مطابق به احکام قانون معاش مناسب تعیین می گردد.

فصل دوازدهم
احکام انتقالی

ماده یکصدوپنجاه وششم

لقب بابای ملت وامتیازاتی که توسط لویه جرگه اضطراری سال ۱۳۸۱ هـ ش به اعلیحضرت محمد ظاهرشاه ، پادشاه سابق افغانستان اعطا شده است با رعایت احکام این قانون اساسی مادام الحیات برای ایشان محفوظ می باشد.

ماده یکصدو پنجاه وهفتم

مدت بعداز انفاذ این قانون اساسی تا تاریخ افتتاح شورای ملی دوره انتقال شمرده می شود.

دولت انتقالی اسلامی افغانستان در دورهٔ انتقال، وظایف ذیل را انجام میدهد:

۱.اصدارفرامین تقنینی مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی، شوراهای محلی، در مدت شش ماه.

۲.اصدار فرامین در مورد تشکیلات وصلاحیت محاکم وآغاز کار روی قانون تشکیلات اساسی درخلال مدت کمتر از یکسال.

۳.تشکیل کمیسیون مستقل نظارت بر انتخابات.

۴.انجام اصلاحات لازم به منظور تنظیم بهتر امور اجرایی وقضایی.

۵.اتخاذ تدابیر لازم جهت اماده ساختن زمینه برای تطبیق احکام این قانون اساسی.

ماده یکصدوپنجاه وهشتم

اولین رئیس جمهور منتخب سی روز بعداز علام نتایج انتخابات مطابق به احکام این قانون اساسی به کار اغاز می کند.

انتخابات شورای ملی در مدت کمتر از یکسال بعد از انتخاب رئیس جمهور دایر می شود. صلاحیت های شورای ملی مندرج این قانون اساسی الی زمان تأسیس آن به حکومت تفویض و ستره محکمهٔ مؤقت بفرمان رئیس جمهور تشکیل می گردد.

ماده یکصدوپنجاونهم

شورای ملی وظایف وصلاحیت های خود را به مجرد تأسیس مطابق به احکام این قانون اساسی اعمال می کند.

بعداز دایر شدن اولین جلسه شورای ملی در خلال مدت سی روز حکومت و ستره محکمه مطابق به احکام این قانون اساسی تشکیل می گردد.

رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان تا زمانیکه رئیس جمهور منتخب به کار آغازکند اجرای وظیفه می نماید.

ارگانهای اجرایی وقضایی دولت با رعایت حکم فقره چهارم ماده یکصدوپنجا وهفتم این قانون اساسی، الی تشکیل حکومت وستره محکمه به وظایف خود ادامه می دهند.

فرامین تقنینی که از آغاز دوره موقت به بعد نافذ گردیده است به اولین جلسهٔ شورای ملی ارجاع می گردد.

این فرامین تا زمانیکه از طرف شورای ملی لغو نگردیده باشد نافذ می باشد.

ماده یکصدوشصتم

این قانون اساسی از تاریخ تصویب لویه جرگه نافذ وازطرف رئیس جمهور دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح و اعلام می گردد. و با نفاذ آن قوانین و فرامین تقنینی مغایر احکام این قانون اساسی ملغی میباشد.

د اساسي قانون د مسودې بشپړ متن

لومړی فصل
دولت

لومړۍ ماده

افغانستان، خپلواك، واحد، اونه بېلېدونكی اسلامي جمهوري دولت دی.

دويمه ماده

د افغانستان دين، د اسلام سپېڅلی دين دی.

د نورو اديانو پيروان د خپلو ديني مراسمو په ترسره كولو كې، دقانون د حكمونو په حدودو كې آزاد دي.

درېيمه ماده

په افغانستان كې هيڅ قانون نشي كولای چې د اسلام د سپېڅلي دين او په دې اساسي قانون كې د راغلو ارزښتونو، مخالف وي.

څلورمه ماده

په افغانستان كې ملي حاكميت په ملت پورې اړه لري چې يې په مستقيم ډول خپله يايې د خپلو استازو له لارې عملي كوي.

دِ افغانستان ملت له هغو ټولو افرادو څخه چې د افغانستان تابعيت ولري، عبارت دی.

د افغان كلمه د افغانستان د ملت پر هر فرد اطلاق كېږي.

د ملت هيڅ يو فرد له افغاني تابعيت څخه نه محرومېږي.

په تابعيت او پناه وركولو پورې اړوندې چارې د قانون له لیارې تنظيمېږي.

پنځمه ماده

ددې اساسي قانون او نورو قوانينو د حكمونو تطبيق، له استقلال، ملي واكمنۍ او ځمكنۍ بشپړتيا څخه دفاع د هېواد د امنيت او د دفاعي قابليت تامين، د دولت له اساسي وظيفو څخه دي.

شپږمه ماده

دولت د ټولنيز عدالت، د انساني كرامت په ساتلو، د بشري حقوقو په ملاتړ، د اولسواكۍ په تحقق، د ملي وحدت په تامين، د ټولو قومونو او قبايلو ترمنځ په برابرۍ او د هېواد په ټولو برخو كې د متوازنې پراختيا پر بنسټ د يوې هوسا، او پرمختللې ټولنې په جوړولو مكلف دی.

اوومه ماده

دولت د ملګروملتو د منشور، د بين الدول د معاهدو د نړيوالو ميثاقونو چې افغانستان دهغو سره تړاو لري، او د بشري حقوقو د نړيوالې اعلاميې رعايت كوي.

دولت د هر راز ترورستي اعمالو، دمخدره موادو د كرلو او قاچاق مخنيوی كوي.

اتمه ماده

دولت د هېواد خارجي سياست دخپلواكۍ، ملي ګټو ځمكنۍ بشپړتيا په ساتلو، مداخله نه كولو، ښه ګاونډيتوب، دوه اړخيز درناوي او دحقوقو د برابرۍ پربنسټ تنظيموي.

نهمه ماده

كانونه، او نورې ترځمكې لاندې زېرمې د دولت ملكيت دی.

د دولت دملكيتونوساتنه او اداره او له طبيعي زېرمو او نورو عامه ملكيتونو څخه د سمې استفادې ډول د قانون له لیارې تنظيمېږي.

لسمه ماده

دولت، خصوصي پانګې اچونې او خصوصي تشبثات د بازار د اقتصاد د نظام پربنسټ د قانون له حكمونو سره سم، هڅوي، ملاتړ يې كوي او مصونيت يې تضمينوي.

يوولسمه ماده

په كورنۍ او بهرنۍ سوداګرۍ پورې ترلې چارې د هېواد له اقتصادي غوښتنو او د خلكو له ګټو سره سمې د قانون له لیارې تنظيمېږي.

دولسمه ماده

دافغانستان بانك، د دولت مركزي بانك او مستقل دی.

د پيسو نشرول، د هېواد د پولي سياست طرح او تطبيق، دقانون له حكمونو سره سم د مركزي بانك صلاحيت دي.

ددې بانك تشكيل اودكارډول د قانون له لیارې تنظيمېږي.

ديارلسمه ماده

دولت د صنايعو د پراختيا، د توليد د ودې او دخلكو د ژوند د سطحې د لوړتيا او د كسبګرو د كار د ملاتړ لپاره اغېزمن پروګرامونه وضع او تطبيقوي.

څوارلسمه ماده

دولت د كرنې او مالدارۍ د پراختيا، دبزګرانو او مالدارانو د اقتصادي، ټولنيزو او د ژوند د شرايطو د ښه كولو او د كوچيانو د ميشتولو او د ودې د ژوند دسمون لپاره د دولت د مالي توان په حدودوكې اغېزمن پروګرامونه وضع او تطبيقوي.

دولت مستحقو اتباعو ته د استوګنځای د برابرولو په منظور او دعامه ملكيتونو د وېش لپاره د قانون له حكمونو سره سم او د مالي امكاناتو په حدودو كې لازم تدبيرونه نيسي.

پنځلسمه ماده

لرغوني آثار د دولت ملكيت دی.

دولت مكلف دی چې د لرغونو آثارو د ساتنې او د ژوند د چاپېريال د ښه والي لپاره لازم تدبيرونه ونيسي.

شپاړسمه ماده

د پښتو، دري، اوزبكي، تركمني، بلوڅي، پشه يي، نورستاني او په هېواد كې د نورو مروجو ژبو له جملې څخه پښتو او دري د دولت رسمي ژبې دي.

دولت د افغانستان د ټولو ژبو د پياوړتيا او پراختيا لپاره اغېزمن پروګرامونه وضع او تطبيقوي.

د مطبوعاتو اود راډيو تلويزيون خپرونې د هېواد په ټولو مروجو ژبو، آزادې دي.

اوه لسمه ماده

دولت په بېلابېلو سطحو كې د معارف د لوړولو او د ديني زده كړو د پرمختيا او دجوماتونو، مدرسو او ديني مركزونو د وضعې د ښه والي او تنظيم لپاره لازم تدبيرونه نيسي.

اتلسمه ماده

د هېواد د كليزې مبدا د پيغمبراكرم ﷺ پر هجرت ولاړ دی.

د دولتي ادارو د كار بنسټ هجري لمريز كال دی.

جمعه د عمومي رخصتۍ ورځ ده، نورې رخصتۍ د قانون په واسطه تنظيمېږي.

نولسمه ماده

د افغانستان بيرغ له درېو، تور، سور او زرغون رنګ لرونكو ټوټو څخه جوړ دی، درې واړه ټوټې په مساوي ډول له كيڼ نه ښي لور ته په عمودي توګه سره پرتې او د هر رنګ سور د هغه د اوږدو نيمايي دی چې په منځ كې يې د افغانستان ملي نښان ځای پرځای شوی دی.

د افغانستان د دولت ملي نښان له سپين رنګي محراب او منبر څخه جوړ دی، چې په دوو څنډو كې يې دوه بيرغونه او په منځ كې يې په برنۍ برخه كې د "لااله الاالله محمد رسول الله" مباركه كلمه او الله اكبر او د راختونكې لمر وړانګې او په لاندنۍ برخه كې يې د ۱۲۹۸ هـ ل تاريخ او د "افغانستان" كلمه، راغلې چې له دوو خوا وو څخه د غنمو وږي پرې راګرځول شوی دی. له بيرغ او ملي نښان څخه د استفادې څرنګوالی د قانون له لیارې تنظيمېږي.

شلمه ماده

د افغانستان ملي سرود په پښتو ژبه دی.

يوويشتمه ماده

د افغانستان پايتخت دكابل ښار دی.

دويم فصل
د اتباعو اساسي حقوق او وجايب

دوه ويشتمه ماده

دافغانستان د اتباعو ترمنځ هر راز تبعيض او امتياز منع دی.

د افغانستان اتباع دقانون په وړاندې مساوي حقوق او وجايب لري.

در ويشتمه ماده

ژوند د خدای ﷻ لورېينه او د انسان طبيعي حق دی، هېڅوك له قانوني مجوزه پرته له دې حقه بې برخې كېدای نشي.

څلېريشتمه ماده

آزادي د انسان طبيعي حق دی، دا حق د نورو له آزادۍ او له عامه مصالحو پرته، چې د قانون له لیارې تنظيمېږي، حدود نه لري.

د انسان آزادي او كرامت له تېري خوندي دي.

دولت د انسان د آزادۍ او كرامت په درناوي اوساتنه مكلف دی.

پنځه ويشتمه ماده

د ذمې برائت اصلي حالت دی.

متهم ترڅو چې د باصلاحيته محكمې په قطعي حكم محكوم عليه ونه ګرځي، بې ګناه ګڼل كېږي.

شپږ ويشتمه ماده

جرم، يو شخصي عمل دی.

د متهم تعقيبول، نيول، توقيفول او پر هغه باندې د جزا تطبيق بل هيچا ته سرايت نه كوي.

اووه ويشتمه ماده

هيڅ يو عمل جرم نه ګڼل كېږي خو دهغه قانون له مخې چې د جرم تر ارتكاب دمخه نافذ شوی وي.

هېڅوك د قانون له حكمونو پرته تعقيبېدای، نيول كېدای توقيفېدای نه شي.

هېچاته سزا نشي وركول كېدای مګر د با صلاحيته محكمې په حكم او د هغه قانون له احكامو سره سم چې د اتهام وړ عمل تر ارتكابه مخكې نافذ شوی وي.

اته ويشتمه ماده

د افغانستان هيڅ يو تبعه په جرم باندې د متهم كېدو له امله، بهرني دولت ته نه سپارل كېږي، مګرد ورته معاملې او د هغو نړيوالو تړونونو له مخې چې افغانستان ورسره تړاو لري.

هېڅ افغان د تابعيت په سلبېدو او په افغانستان كې دننه يا بهر په شړل كېدو نه محكومېږي.

نهه ويشتمه ماده

د انسان تعذيب منع دی.

هېڅوك نه شي كولای چې له بل شخص څخه حتی د حقايقو د ترلاسه كولو لپاره كه څه هم تر تعقيب، نيونې يا توقيف لاندې وي اويا په جزا محكوم وي، د هغه د تعذيب لپاره اقدام وكړي يا يې د تعذيب امر وركړي.

د داسې جزا ټاكل چې د انساني كرامت مخالفه وي، منع دي.

دېرشمه ماده

هغه څرګندونې، اقرار يا شهادت چې له متهم يا بل شخص څخه په زور ترلاسه شي، اعتبار نه لري.

په جرم اقرار، د متهم هغه اعتراف ته وايي چې په بشپړه خوښه او د عقلي روغتيا په حالت كې يې د باصلاحيته محكمې په وړاندې كړی وي.

يودېرشمه ماده

هر څوك كولای شي چې له نيول كېدو سره سم له ځانه د اتهام دلرې كولو او يا د حق د ثابتولو لپاره د مدافع وكيل وټاكي.

متهم له نيولو سره سم حق لري چې له منسوب اتهامه خان خبر كړي او د هغې مودې دننه چې قانون ټاكلې محكمې ته حاضر كړی شي.

دولت په جنايي پېښو كې د بېوزلې متهم لپاره مدافع وكيل ټاكي.

د مدافع وكيلانو دندې او واكونه د قانون په واسطه تنظيمېږي.

دوددېرشمه ماده

پور د پوروړي د آزادۍ د سلبېدو يا محدودېدو سبب نشي كېدلای.

د پور د بېرته اخيستلو لارې چارې او وسايل د قانون په وسيله تنظيمېږي.

درې دېرشمه ماده

د افغانستان اتباع د انتخابولو او د انتخابېدو حق لري.

له دې حق څخه د ګټې اخيستو شرايط او لارې د قانون په وسيله تنظيمېږي.

څلوردېرشمه ماده

د بيان آزادي له تېري څخه خوندي ده.

هر افغان حق لري چې خپل فكر د وينا، ليكنې، انځور او يا په نورو وسيلو له لارې په دې اساسي قانون كې د راغلو حكمونو په رعايت، څرګند كړي.

هر افغان حق لري د قانون له حكمونو سره سم مطالب، بې له دې چې هغه مخكې له مخكې دولتي مقامونو ته وښيي، خپاره او نشر كړي.

د مطبعو، راډيو تلويزيون، مطبوعاتو او نورو ډله ييزو رسنيو پورې مربوط حكمونه د قانون له لیارې تنظيمېږي.

پنځه دېرشمه ماده

د افغانستان اتباع حق لري چې د خپلو مادي او يا معنوي غوښتنو د تامين لپاره، د قانون له حكمونو سره سم ټولنې جوړې كړي.

د افغانستان اتباع حق لري د قانون له حكمونو سره سم، سياسي ګوندونه جوړ كړي، په دې شرط چې

۱ د ګوند تګلاره او كړنلاره د اسلام د سپېڅلي دين د احكامو او په دې اساسي قانون كې د راغلو نصوصو او ارزښتونو مخالف نه وي.

۲ د ګوند تشكيلات او مالي سرچينې څرګندې وي.

۳ نظامي او شبه نظامي تشكيلات او هدفونه ونه لري.

۴ له بهرنيو سياسي ګوندونو يا نورو بهرنيو منابعو سره تړلی نه وي.

د قوم، سيمې، ژبې او مذهب پربنسټ د ګوند جوړول او فعاليت كول، جواز نه لري.

هغه جمعيت او ګوند چې د قانون له حكمونو سره سم جوړېږي دقانوني موجباتو او باصلاحيتې محكمې له حكمه پرته نه منحل كېږي.

شپږ دېرشمه ماده

د افغانستان اتباع حق لري چې د خپلو روا او سوله ييزو غوښتنود تامين لپاره، له قانون سره سم، بې له وسلې غونډې او مظاهرې وكړي.

اووه دېرشمه ماده

د اشخاصود مخابرې او ليكونو آزادي او محرميت كه په ليكلي ډول وي يا د تلفون او تلګراف يا نورو وسيلو له لارې، له تېري څخه خوندي دي.

دولت د اشخاصو د مخابرو او ليكونو د پلټنې حق نه لري مګر د قانون له حكمونو سره سم.

اته دېرشمه ماده

د شخص استوګنځی له تېري څخه خوندي دی.

هېڅوك د دولت په ګډون نشي كولای د استوګن له اجازې يا د واكمنې محكمې له پرېكړې پرته او بې له هغو حالاتو او لارو چې په قانون كې ښودل شوي، د چاكور ته ورننوزي يا يې وپلټي.

د څرګند جرم په مورد كې مسوول مامور كولای شي د محكمې له مخكينۍ اجازې پرته د شخص كور ته ورننوزي يا هغه وپلټي. نوموړی مامور مكلف دی كور ته له ننوتو يا پلټنې وروسته، په هغه موده كې چې قانون يې ټاكي د محكمې پرېكړه ترلاسه كړي.

نهه دېرشمه ماده

هر افغان حق لري د هېواد هر ګوټ ته سفر وكړي او استوګن شي خو له هغو سيمو پرته چې قانون منع كړې وي.

هرافغان حق لري د قانون له حكمونوسره سم له افغانستان څخه بهر سفروكړي او بېرته راستون شي.

دولت له هېواد څخه بهر د افغانستان د اتباعو د حقوقو، ساتنه كوي.

څلوېښتمه ماده

ملكيت له تېري څخه خوندي دی.

هېڅوك دملكيت د ترلاسه كولواو په هغه كې له تصرف كولوڅخه نه منع كېږي مګرد قانون په حدودوكې.

د هېچا ملكيت د قانون له حكم او د باصلاحيته محكمې له پرېكړې څخه پرته نه مصادره كېږي.

د شخص د ملكيت استملاك يوازې دعامه ګټو د تامين په مقصد د مخكينۍ او عادلانه بدل په وركولو، د قانون له مخې، مجاز دی.

د شخص دشتمنۍ پلټنه او اعلان يوازې د قانون په حكم كېدای شي.

يوڅلوېښتمه ماده

بهرني اشخاص په افغانستان كې د عقاري مالونو د ملكيت حق نه لري.

دعقار اجاره د پانګې اچونې په منظور د قانون له حكمونو سره سم جوازلري.

د بهرنيو ملكونو په سياسي نمايندګيو باندې او په هغو بين المللي موسسو باندې چې افغانستان يكې غړيتوب لري، عقاري مالونو پلورل دقانون له حكمونو سره سم جواز لري.

دوه څلوېښتمه ماده

هر افغان مكلف دی د قانون له حكمونو سره سم دولت ته ماليه او محصول وركړي.

هيڅ راز ماليه او محصول، د قانون له حكمه پرته نه وضع كېږي.

د ماليې او محصول اندازه او د وركړې ډول يې د ټولنيز عدالت په رعايت سره د قانون په وسيله ښوول كېږي.

دا حكم د بهرنيو كسانو او موسسو په برخه كې هم تطبيقېږي.

هر ډول ټاديه شوې ماليه، محصول او عايدات، دولتي واحد حساب ته تحويلېږي.

درېڅلوېښتمه ماده

زده كړه د افغانستان دټولو اتباعو حق دی چې ترثانوي دورې وړيا د دولت له خوا تامينېږي.

دولت مكلف دی چې په ټول افغانستان كې د متوازن معارف د عامولو او د منځنيو اجباري زده كړو د تامين لپاره اغېزمن پروګرام وضع اوتطبيق كړي او د مورنيوژبو د تدريس لپاره په هغوسيمو كې چې پرې خبرې كېږي لاره هواره كړي.

څلورڅلوېښتمه ماده

دولت مكلف دی د ښځو د زده كړو د توازن او پراختيا په منظور، دكوچيانو دزده كړو د ښه والي اوپه هېواد كې د بې سوادۍ د له منځه وړلو لپاره اغېزمن پروګرامونه وضع او تطبيق كړي.

پنځه څلوېښتمه ماده

دولت د اسلام د سپېڅلي دين د حكمونو پر بنسټ د ملي فرهنګ او له علمي اصولو سره سم، واحد تعليمي نصاب جوړ او تطبيقوي او د ښوونځيو د ديني مضمونونو نصاب په افغانستان كې د شتو اسلامي مذهبونو پر بنسټ تدوينوي.

شپږ څلوېښتمه ماده

د لوړو، عمومي او اختصاصي زده كړو د موسسو جوړول او اداره كول، د دولت دنده ده.

د افغانستان اتباع كولای شي د دولت په اجازه د لوړو، عمومي، اختصاصي او دسواد د زده كړو د موسسو په جوړولو لاس پورې كړي.

۱۰ مخ

دولت کولائ شي بهرنيو کسانو ته هم د قانون له حکمونو سره سم د لوړو او عمومي زده کړو د موسسو دجوړولو اجازه ورکړي.

د لوړو زده کړو په دولتي موسسو کې دشاملېدو شرطونه او له هغو سره نوري مربوطې چارې، د قانون له لیارې تنظیمېږي.

اووه څلوېښتمه ماده

دولت د علم، فرهنګ، ادب او هنر د پرمختګ لپاره اغېزمن پروګرامونه جوړوي.

دولت د مولف، مخترع او کاشف حقوق تضمینوي او په ټولو برخو کې علمي څېړنې هڅوي او ملاتړ يې کوي او دهغو له نتیجو څخه اغېزمنه ګټه اخیستنه د قانون له حکمونو سره سم عاموي.

اته څلوېښتمه ماده

کار د هر افغان حق دی.

د کار د ساعتونو ټاکل، او با معاشه رخصتي، دکار او کارګر حقوق او له هغو سره نورې مربوطې چارې د قانون په وسیله تنظیمېږي.

د قانون دحکمونو په حدودو کې د کار او کسب انتخاب آزاد دی.

نهه څلوېښتمه ماده

د جبري کار تحمیل منع دی.

جبري کار دجګړې، آفتونو او نورو داسې حالاتو په وخت کې چې د عامو خلکو ژوند او هوساینه تهدید کړي، له دې امر څخه مستثنی دی.

پرماشومانو د کار تحمیل جواز نه لري.

پنځوسمه ماده

دولت مکلف دی چې د یوې سالمې اداري او د هېواد په اداري سیستم کې د سمون د رامنځ ته کېدو لپاره، لازم تدبیرونه ونیسي.

اداره خپل اجراآت په بشپړه بې طرفي او د قانون له حکمونو سره سم عملي کوي.

د افغانستان اتباع حق لري د قانون دحکمونو په حدودو کې د دولتي ادارو څخه اطلاعات ترلاسه کړي. دا حق د نورو حقوقو او عامه امنیت ته له زیان رسولو پرته، حدود نه لري.

د افغانستان اتباع د اهلیت له مخې او له هر ډول توپیر پرته د قانون له حکمونو سره سم د دولت په خدمت منل کېږي.

یو پنځوسمه ماده

هرڅوک چې له اداري څخه بې موجبه زیان ومومي، د تاوان اخیستلو مستحق دی او کولای شي د تاوان دترلاسه کولو لپاره په محکمه کې دعوا اقامه کړي.

له هغو حالاتو پرته چې قانون ټاکلي، دولت نشي کولای د باصلاحیته محکمې له حکمه پرته د خپلو حقوقو د ترلاسه کولو لپاره اقدام وکړي.

دوه پنځوسمه ماده

دولت د افغانستان دټولو اتباعو لپاره د روغتیا د ساتنې او دعلاج وسیلې او روغتیایي اسانتیاوې، د قانون له حکمونو سره سم تامینوي.

دولت له قانون سره سم دخصوصي طبي خدمتونو او روغتیایي مرکزونو جوړول او پراختیا هڅوي او ملاتړ يې کوي.

دولت د سالمې بدني روزنې د پیاوړتیا او دملي او سیمه ییزو ورزشونو د پراختیا لپاره لازم تدبیرونه نیسي.

درې پنځوسمه ماده

دولت د شهیدانو او مفقودینو د پاتې کسانو، له معلولینو او معیوبینو سره دمالي مرستو او روغتیایي خدمتونو د تنظیم لپاره د قانون له حکمونو سره سم لازم تدبیرونه نیسي.

دولت د متقاعدینو حقوق تضمینوي او له زړو کسانو، بې سرپرسته ښځو او بې وسه یتیمانو سره د قانون له حکمونو سره سم لازمې مرستې کوي.

څلور پنځوسمه ماده

کورنۍ د ټولنې اساسي برخه جوړوي او د دولت تر ملاتړ لاندې ده.

دولت د کورنۍ او په ځانګړې توګه د مور او ماشوم د جسمي او روحي روغتیا د تامین او دماشومانو د روزنې او د اسلام د سپېڅلي دین له احکامو سره د مغایرو رسومو د له منځه وړو لپاره لازم تدبیرونه نیسي.

پنځه پنځوسمه ماده

له هېواد څخه دفاع د افغانستان د ټولو اتباعو وجیبه ده.

د عسکري مکلفیت د دورې د تېرولو شرطونه د قانون له لیارې تنظیمېږي.

شپږ پنځوسمه ماده

د اساسي قانون د حکمونو پیروي، د قوانینو اطاعت او دعامه نظم او امنیت ساتل د افغانستان د ټولو خلکو وجیبه ده.

د قانون له حکمونو څخه بې خبري عذر نه ګڼل کېږي.

اوه پنځوسمه ماده

دولت په افغانستان کې د خارجي اتباعو حقوق او آزادۍ له قانون سره سم تضمینوي. دا کسان د بین المللي حقوقو د قواعدو په حدودو کې د افغانستان د دولت د قوانینو په رعایت مکلف دي.

اته پنځوسمه ماده

دولت په افغانستان کې د بشر د حقوقو د رعایت د څارنې او ملاتړ لپاره، د افغانستان د بشر د حقوقو خپلواک کمیسیون جوړوي.

هرڅوک کولای شي دخپلو اساسي حقوقو د نقض په صورت کې دې کمیسیون ته شکایت وکړي.

کمیسیون کولای شي د افرادو د اساسي حقوقو د نقض موارد قانوني مربوطو ځانګو ته راجع کړي او دهغوی له حقوقو څخه په دفاع کې مرسته وکړي.

دکمیسیون جوړښت او د کار دول يې د قانون له لیارې تنظیمېږي.

نهه پنځوسمه ماده

هیڅوک نشي کولای په دې اساسي قانون کې له راغلو آزادیو او حقوقو څخه په ناوړه استفاده د هېواد د خپلواکۍ، ځمکنۍ بشپړتیا، ملي واکمنۍ او ملي وحدت پرضد عمل وکړي.

دریم فصل

جمهور رئیس

شپېتمه ماده

جمهور رئیس د افغانستان د اسلامي جمهوریت د دولت په سر کې ځای لري چې خپل واکونه په اجرائیه، مقننه او قضائیه برخو کې د دې اساسي قانون له حکمونو سره سم عملي کوي.

جمهور رئیس دملت په وړاندې مسوول دی.

جمهور رئیس دوه مرستیالان لري.

جمهور رئیس د خپل مرستیالانو د نوم د ځان له کاندیدولو سره یوځای ملت ته اعلاموي.

د جمهور رئیس مرستیال د جمهور رئیس د غیاب، استعفاء او یا مړینې په حالاتو کې د دې اساسي قانون له مندرجو حکمونو سره سم کار کوي.

یوشپېتمه ماده

جمهور رئیس د رای ورکوونکو د آزادو، عمومي، پټو او مستقیمو رایو ورکولو له لارې په سلو کې ترپنځوسو د زیاتو رایو په ترلاسه کولو انتخابېږي.

د جمهور رئیس وظیفه تر انتخاباتو وروسته د پنځم کال د غبرګولي په لومړۍ نېټه پای ته رسېږي.

دنوي جمهور رئیس انتخابېدل له دېرشو نه تر شپېتو ورځو دننه کې د جمهور رئیس د کار ترپای ته رسېدو دمخه سرته رسېږي.

که چېرې په لومړي پړاو کې له کاندیدانو څخه یو هم ونه کړای شي چې په سلو کې تر پنځوسو زیاتې رایې ترلاسه کړي، انتخابات د دوهم ځل لپاره د انتخاباتو د نتایجو د نېټې تر اعلان وروسته د دوو اوونیو په اوږدو کې ترسره کېږي. دا ځل یوازې هغه دوه تنه کاندیدان په انتخاباتو کې برخه اخلي چې په لومړي پړاو کې يې تر ټولو زیاتې رایې ترلاسه کړې وي.

د انتخاباتو په دویم پړاو کې هغه څوک چې د رایو اکثریت ترلاسه کړي، جمهور رئیس ګڼل کېږي.

که چېرې د جمهوري ریاست یو کاندید د رای ګیرې د لومړي یا دویم پړاو یا هم د انتخاباتو دنتایجو له اعلان څخه وړاندې مړ شي، نوي انتخابات د قانون له حکمونو سره سم ترسره کېږي.

د جمهوري ریاست لپاره انتخابات، د انتخاباتو د څارنې د خپلواک کمیسیون ترڅارنې لاندې ترسره کېږي. دا کمیسیون په هېواد کې پر هر راز انتخاباتو او ټولپوښتنې د څارنې لپاره د قانون له حکمونو سره سم، جوړېږي.

دوه شپېتمه ماده

څوک چې جمهوري ریاست ته کاندیدېږي، باید دلاندېنیو شرطونو لرونکي وي:

۱ د افغانستان تبعه، مسلمان، له افغان مور او پلار څخه زېږېدلی وي او د بل هېواد تابعیت ونه لري.

۲ د کاندیدېدو په ورځ يې عمر ترڅلوېښتو کلونو لږ نه وي.

۳ دمحکمې له خوا په بشري ضد جرمونو، دجنایت په ارتکاب او یا له مدني حقوقو څخه په محرومۍ محکوم شوی نه وي.

هیڅ شخص نشي کولای له دوو دورو زیات د جمهور رئیس په حیث وټاکل شي.

په دې ماده کې راغلی حکم د جمهور رئیس د مرستیال په برخه کې هم تطبیقېږي.

درې شپېتمه ماده

جمهور رئیس د کار تر پیل دمخه، د ځانګړې کړنلارې سره سم د قانون له لیارې تنظیمېږي دا لاندې لوړه یادوي:

بسم الله الرحمن الرحيم

"د لوی خدای ﷻ په نامه لوړه کوم چې د اسلام د سپېڅلي دین د حکمونو پیروي او ساتنه وکړم، د اساسي قانون او نورو قوانینو رعایت او د تطبیق څارنه وکړم، د افغانستان د خپلواکۍ، ملي واکمنۍ، ځمکنۍ بشپړتیا ساتنه او دافغانستان د خلکو حقوق او ګټې خوندي کړم، او د لوی خدای ﷻ له دربار څخه د مرستې په غوښتلو او د ملت په ملاتړ د افغانستان د خلکو د پرمختګ او هوساینې په لاره کې خپلې هڅې ترسره کړم."

څلور شپېتمه ماده

جمهور رئیس لاندې واکونه او وظیفې لري:

۱ د اساسي قانون د اجرا څارل.

۲ د هېواد د سیاست د اساسي کرښو ټاکل

۳ د افغانستان د وسله والو ځواکونو سرمشرتوب

۴ د ملي شورې په تایید دجګړې او سولې اعلانول.

۵ د ځمکنۍ بشپړتیا او د خپلواکۍ د ساتنې د دفاع په حالت کې د اړین تصمیم نیول.

۶ د ملي شورې په تایید له افغانستان څخه بهر ته د وسله والو ځواکونو د ټولګیو لېږل

۷ د دې اساسي قانون په (نهه شپېتمه) ماده کې له راغلي حالت پرته، د لویې جرګې راغوښتل.

۸ د ملي شورې په تایید د اضطراري حالت اعلان او دهغه پای ته رسول

۹ د ملي شورې او لویې جرګې دغونډو پرانستل

۱۰ د جمهوري ریاست د مرستیال د استعفی منل

۱۱ د ولسي جرګې په تایید د وزیرانو او لوی څارنوال ټاکل او د هغوی عزلول او داستعفی منل

۱۲ د ملي شورې په تایید د سترې محکمې د رئیس او غړیو ټاکل

۱۳ د قانون له حکمونو سره سم د قاضیانو، وسله والو ځواکونو د منصبدارانو د پولیسو او د ملي امنیت او د لوړ رتبه مامورینو ټاکل، تقاعد ورکول، د استعفی منل او عزلول

۱۴ په بهرنیو هېوادونو او نړیوالو موسسو کې د افغانستان د سیاسي نمایندګیو د مشرانو ټاکل

۱۵ په افغانستان کې د بهرنیو سیاسي نمایندګانو د باورلیکونو منل

۱۶ د قوانینو او تقنیني فرمانونو توشیح کول

۱۷ د قانون له حکمونو سره سم د دولتونو ترمنځ د معاهداتو او بین المللي میثاقونو د تړون لپاره د باورلیکونو ورکول

۱۸ د قانون له حکمونو سره سم د جزاګانو تخفیف او بخښل

۱۹ د قانون له حکمونو سره سم د مډالونو، نښانونو او افتخاري لقبونو ورکول

۲۰ د ولسي جرګې په تایید د مرکزي بانک د رئیس ټاکل

۲۱ د هېواد د اداري د سمون لپاره د قانون له مخې د کمیسیونونو جوړول

۲۲ په دې اساسي قانون کې نور راغلي واکونه او دندې

پنځه شپېتمه ماده

جمهور رئیس کولای شي په مهمو ملي، سیاسي، ټولنیزو او یا اقتصادي چارو کې د افغانستان د خلکو ټولپوښتنې ته مراجعه وکړي.

ټولپوښتنه باید د دې اساسي قانون د حکمونو مخالف او د تعدیل مستلزم نه وي.

شپږ شپېتمه ماده

جمهور رئیس په دې اساسي قانون کې د راغلو واکونو د عملي کولو په برخه کې د افغانستان د خلکو لوړې مصلحتونه په پام کې نیسي.

جمهور رئیس نشي کولای چې د قانون له حکمه پرته دولتي ملکیتونه او شتمنۍ وپلوري او یا يې وبخښي.

جمهور رئیس نشي کولای د خپل کار په دوران کې له خپل مقام څخه په ژبنیو، سیمه ییزو، قومي، مذهبي او ګوندي ملحوظاتو ګټه واخلي.

اوه شپېتمه ماده

د جمهور رئیس د استعفی، عزل، مړینې او یا په صعب العلاجه ناروغۍ د اخته کېدلو په صورت کې چې د دندې د اجرا مخه نیسي، د جمهور رئیس مرستیال د جمهور رئیس واکونه او دندې په غاړه اخلي.

جمهور رئیس خپله استعفی په خپله ملي شورې ته اعلاموي.

د صعب العلاجه ناروغۍ ثبوت د هغه طبي هیئت له خوا کېږي چې ستره محکمه يې ټاکي.

په داسې حالاتو کې د نوي جمهور رئیس د ټاکلو لپاره په دری میاشتو کې دننه د دې اساسي قانون د یوشپېتمې مادې له حکم سره سم انتخابات کېږي.

د جمهور رئیس مرستیال د لنډ مهاله جمهور رئیس په توګه، د وظیفې د ترسره کولو په موده کې لاندې چارې نشي سرته رسولای:

۱ د اساسي قانون تعدیل

۲ د وزیرانو عزل

۳ ټولپوښتنه

د جمهور رئیس مرستیالان د قانون له حکمونو سره سم کولای شي ځان جمهوري ریاست ته کاندید کړي.

د جمهور رئیس په غیاب کې د مرستیال دندې د جمهور رئیس په واسطه ټاکل کېږي.

اته شپېتمه ماده

که چېرې د جمهور رئیس مرستیال استعفی وکړي او یا مړ شي، د هغه پرځای بل شخص د جمهور رئیس په وړاندیز او د ولسي جرګې په تایید ټاکل کېږي.

د جمهور رئیس او د هغه د مرستیال د یوځایي مړینې په صورت کې په ترتیب سره د مشرانو جرګې رئیس، د ولسي جرګې رئیس او د بهرنیو چارو وزیر یو په بل پسې د دې اساسي قانون د (اوه شپېتمې) مادې له حکم سره سم د جمهور رئیس وظیفې په غاړه اخلي.

نهه شپېتمه ماده

په بشري ضد جرمونو، ملي خیانت یا دجنایت په ارتکاب باندې د جمهور رئیس اتهام د ولسي جرګې د ټولو غړیو له دریو څخه د یوې برخې له خوا غوښتل کېدای شي. که چېرې داغوښتنه د ولسي جرګې د ټولو رایولو دریو څخه د دووبرخو د رایو له خوا تایید شي، ولسي جرګه د یوې میاشتې په دننه کې لویه جرګه دایروي.

که لویه جرګه منسوب شوی اتهام د ټولو غړیو له دریو څخه د دوو برخو د رایو په اکثریت تصویب کړي، جمهور رئیس له دندې څخه ګوښه او موضوع ځانګړې محکمې ته سپارل کېږي. ځانګړې محکمه د ولسي جرګې له دریو غړیو، د سترې محکمې له دریو غړیو چې لویه جرګه يې ټاکي او د مشرانو جرګې له رئیس څخه جوړېږي. دعوې د هغه شخص له خوا چې د لویه جرګې له خوا ټاکل کېږي اقامه کېږي.

په دې حالت کې د دې اساسي قانون په (اوه شپېتمه) ماده کې راغلي حکمونه تطبیقېږي.

اویا یمه ماده

د جمهور رئیس تنخوا او لګښتونه د قانون له لیارې تنظیمېږي.

جمهور رئیس دخدمت د دورې ترپای ته رسېدو وروسته، د عزل له حالته پرته د خپل ژوند ترپایه پورې د جمهوري ریاست د دورې له مالي حقوقو څخه د قانون له حکمونو سره سم، ګټه اخلي.

څلورم فصل

حکومت

یواویایمه ماده

حکومت له وزیرانو څخه جوړ دی چې د جمهور رئیس تر ریاست لاندې کار کوي.

وزیران د جمهور رئیس له خوا ټاکل کېږي او د تایید لپاره ملي شورې ته ورپېژندل کېږي.

د وزیرانو شمېر او دندې د قانون له لیارې تنظیمېږي.

دو اویایمه ماده

څوک چې د وزیر په توګه ټاکل کېږي باید لاندې شرطونه ولري:

۱ د افغانستان تبعه وي.

۲ تحصیل، کاري تجربه او ښه شهرت ولري.

۳ عمر يې تر پنځه دېرش کلونو لږ نه وي.

۴ د محکمې له خوا د بشري ضد جرمونو او جنایت په ارتکاب محکوم شوی وي او یا له مدني حقوقو څخه په محروم شوی نه وي. دری اویایمه:

وزیران کېدای شي د ملي شورې له غړیو او یا له هغې د باندې وټاکل شي.

که چېرې د ملي شورې غړی د وزیر په توګه وټاکل شي، په شورې کې خپل غړیتوب له لاسه ورکوي او د هغه پرځای بل شخص د قانون له حکم سره سم ټاکل کېږي.

څلور اویایمه ماده

وزیران د وظیفې له پیله مخکې د جمهور رئیس په وړاندې، لاندېنۍ لوړه کوي:

بسم الله الرحمن الرحيم

"د لوی خدای ﷻ په نامه لوړه کوم چې د اسلام د سپېڅلي دین د حکمونو څخه ساتنه او د اساسي قانون او د افغانستان د نورو قوانینو رعایت، د اتباعو دحقوقو حفاظت، د افغانستان د خپلواکۍ، ځمکنۍ بشپړتیا او د خلکو ملي وحدت ساتنه وکړم او په خپلو ټولو اعمالو کې خدای ﷻ حاضر وګڼم او خپلې راسپارل شوې وظیفې په ریښتنولۍ سره سرته ورسوم."

پنځه اویا یمه ماده

حکومت لاندېنۍ وظیفې لري:

۱ د دې اساسي قانون، نورو قوانینو او د محکمو د قطعي پرېکړو عملي کول

۲ د خپلواکۍ ساتل، له ځمکنۍ بشپړتیا څخه دفاع او په نړیواله ټولنه کې د افغانستان د حیثیت او ګټو ساتل

۳ د عامه نظم او امن ټینګول او د هر راز اداري فساد له منځه وړل

۴ د بودجې ترتیبول، د دولت د مالي وضعې تنظیمول او د عامه شتمنۍ ساتل

۵ د ټولنیزو، فرهنګي، اقتصادي او تکنالوژۍ د پرمختیایي پروګرامونو طرح او تطبیقول

۶ ملي شورې ته د مالي کال په پای کې د سرته رسېدلو چارو او د نوي مالي کال د مهمو پروګرامونو په باب ګذارش ورکول

۷ د هغو نورو وظیفو ترسره کول چې د دې اساسي قانون او نورو قوانینو له مخې د حکومت له وظایفو څخه ګڼل شوې دي.

شپږ اویایمه ماده

حکومت د هېواد د سیاست د اساسي کرښو د تطبیق او د خپلو وظیفو د تنظیمولو لپاره مقررات وضع او تصویبوي. د مقرراتو باید د هیڅ قانون له متن یا روح سره متناقض نه وي.

اوه اویایمه ماده

وزیران خپلې دندې د اداري واحدونو د آمرینو په توګه په هغو حدودو کې چې دا اساسي قانون او نور قوانین يې ټاکي، سرته رسوي.

وزیران د خپلو ټاکلو دندو څخه د جمهور رئیس او ولسي جرګې په وړاندې مسوولیت لري.

۱۱ مخ

اته اویایمه ماده

که چیري وزیر په بشري ضد جرمونو، ملي خیانت او یا په نورو جرمونو متهم شي، موضوع ددې اساسي قانون د یوسلوځلورو یرشمې مادې له مخې ځانګړي محکمې ته سپارل کیږي

نهه اویایمه ماده

حکومت کولای شي د ولسي جرګې د تعطیل په حالت کي له بودجې او مالي چارو پرته، د بېړني اړتیا پر اساس تقنیني فرمانونه ترتیب کړي

تقنیني فرمانونه د جمهور رئیس تر توشیح وروسته د قانون حکم پیدا کوي تقنیني فرمانونه باید د ملي شورى د لومړۍ غونډې ترجوړېدو وروسته د دېرشو ورځو په اوږدو کې هغې ته وړاندې شي اوکه د ملي شورى له خوا رد شي، خپل باور له لاسه ورکوي

اتیایمه ماده

وزیران نشي کولای د خپل کار په دوران کې له خپل مقام څخه په ژبنیو، سیمه ییزو، قومي، مذهبي او ګوندي ملحوظاتو ګټه واخلي

پنځم فصل

ملي شورى

یواتیایمه ماده

د افغانستان د اسلامي جمهوري دولت ملي شورى، د ستر تقنیني اورګان په توګه دخلکو د ارادې بیکارندویه ده او د ټول ملت نمایندګي کوي

د شورى هر غړی د رایې د ځرګندونې په وخت کې، د افغانستان د خلکو عمومي مصلحتونه او ستري ګټي د خپل قضاوت محور ټاکي

دو اتیا یمه ماده

ملي شورى له دوو مجلسونو ولسي جرګې او مشرانو جرګې څخه جوړه ده

هېڅوک نشي کولای په یوه وخت کې د دواړو مجلسونو غړی وي

دري اتیایمه ماده

د ولسي جرګي غړي د خلکو د آزادو، عمومي، پټو او مستقیمو انتخاباتو له لارې انتخابیږي

د ولسي جرګي د کار دوره د پنځه کال د ځنګاښ په لومړي پښته پای ته رسیږي او نوې شورى په کار پیل کوي

د ولسي جرګي د غړیو انتخابات له دیرشو ورځو څخه تر شپېتو ورځو پورې د ولسي جرګې د دورې تر پای ته رسېدو څخه د مخه ترسره کیږي

د ولسي جرګي د غړیو شمیر د هر حوزې د نفوسو د شمیر په تناسب د (۲۲۰) او (۲۵۰) کسانو ترمنځ دی

انتخاباتي حوزې، او ورسره نور مربوط مسایل د انتخاباتو په قانون کې ټاکل کیږي

د انتخاباتو په قانون کې باید داسې تدبیرونه ونیول شي چي انتخاباتي نظام د افغانستان د ټولو خلکو لپاره عمومي او عادلانه استازیتوب تامین کړي او له هر ولایت څخه لږ ترلږه یوه ښځینه وکیله په اولسي جرګه کې غړیتوب ترلاسه کړي

څلور اتیایمه ماده

د مشرانو جرګې غړي په لاندې ډول انتخاب او ټاکل کیږي

۱ د هرې ولایتي جرګې له غړو څخه یو تن د مربوطې جرګې په انتخاب، د څلورو کلونو لپاره

۲ د هر ولایت د ولسوالیو د جرګو له غړو څخه یو تن، د مربوطو جرګو په انتخاب، د دریو کلونو لپاره

۳ پاتې دریمه برخه غړي د هیواد له خبیرو او تجربه لرونکو کسانو څخه د پنځو کلونو لپاره د جمهور رئیس له خوا ټاکل کیږي

جمهور رئیس له دې اشخاصو څخه په سلو کې پنځوس ښځي ټاکي

هغه شخص چي د مشرانو جرګې د غړي په توګه انتخابیږي په مربوطه جرګه کې خپل غړیتوب له لاسه ورکوي او د ده پرځای د قانون له حکمونو سره سم بل شخص ټاکل کیږي

پنځه اتیایمه ماده

هغه څوک چي د ملي شورى غړیتوب ته کاندید یا ټاکل کیږي، د ټاکونکو پر شرطونو سربېره، دا لاندې صفتونه هم باید ولري

۱ د افغانستان تبعه وي یا لږ تر لږه د کاندیدېدو یا تعیین ترنېټې لس کاله پخوا یې د افغانستان د دولت تابعیت ترلاسه کړی وي

۲ د محکمې له خوا د بشري ضد جرمونو، دجنایت په ارتکاب محکوم نه وي او یا له مدني حقوقو څخه محروم شوی نه وي

۳ د ولسي جرګې غړیو د عمر پنځه ویشت کاله د کاندیدېدو په ورځ او د مشرانو جرګې غړیو د عمر پنځه دېرش کاله د کاندیدېدو یا ټاکنې په ورځ بشپړ کړي وي

شپږ اتیایمه ماده

د ملي شورى د غړو د انتخاباتي وثیقې، د انتخاباتو د څارنې دخپلواک کمیسیون له خوا د قانون له حکمونو سره سم تر ځېړنې لاندې نیول کیږي

اوه اتیایمه ماده

د ملي شورى له دواړو جرګو څخه هره یوه د کار د دورې په پیل کې له خپلو غړیو څخه یو تن د یوې تقنیني دورې لپاره د رئیس، دوه تنه د لومړي نایب او دویم نایب او دوه تنه د منشي او د منشي د نایب په توګه، د یوکال لپاره انتخابوي

دا اشخاص د ولسي جرګې او مشرانو جرګې اداري هیئت جوړوي

د اداري هیئت وظیفې د هرې جرګې د داخلي وظایفو په اصولو کې ټاکلې کیږي

اته اتیایمه ماده

د ملي شورى له دواړو جرګو څخه هره یوه د بحث وړ موضوعاتو د کتنې لپاره د داخلي وظایفو د اصولو له مخې کمیسیونونه جوړوي

نهه اتیایمه ماده

ولسي جرګه واک لري دغړیو د دریمي برخې په وړاندیز، دحکومت د اعمالو د څېړنې او کتنې لپاره، یو ځانګړی کمیسیون وټاکي

ددې کمیسیون جوړښت او کړنلاره د ولسي جرګې د داخلي وظایفو په اصولو کې تنظیمیږي

نوي یمه ماده

ملي شورى دا لاندې واکونه لري

۱ د قوانینو او تقنیني فرمانونو تصویب، تعدیل یا لغوه کول

۲ د ټولنیزو، فرهنګي، اقتصادي او تکنالوژۍ پرمختیایي پروګرامونو تصویبول

۳ د دولتي بودجې تصویبول او د پورونو اخیستو یا ورکولو اجازه

۴ د اداري واحدونو منځته راوړل، تعدیل او یا لغوه کول

۵ د دولتونو ترمنځ د معاهداتو او بین المللي میثاقونو تصدیق او یا له هغو څخه د افغانستان بېلول

۶ په دې اساسي قانون کې نور مندرج واکونه

یو نوي یمه ماده

ولسي جرګه لاندې ځانګړي واکونه لري

۱ له هر یوه وزیر څخه استیضاح په برخه کې ددې اساسي قانون د دوه نوي یمې مادې د حکم سره سم تصمیم نیول

۲ د پرمختیایي پروګرامونو او دولتي بودجې په هکله د ولسي جرګې او مشرانو جرګې ترمنځ د نظر د اختلاف په صورت کې نهایي تصمیم نیول

۳ ددې اساسي قانون له حکمونو سره سم د مقرریو تاییدول

دوه نوي یمه ماده

ولسي جرګه د خپلو غړو د لسمې برخې په وړاندیز کولای شي، له هر یوه وزیر څخه استیضاح وکړي

که وړاندې شوې توضیح دقناعت وړ نه وي، ولسي جرګه دعدم اعتماد د رایې موضوع څېړي

له وزیر څخه د عدم اعتماد رایه باید صریحه، مستقیمه او پر پخو دلایلو ولاړه وي، دغه رایه د ولسي جرګې د ټولو غړو د رایو په اکثریت صادریږي

دري نوي یمه ماده

د ملي شورى د دواړو جرګو هر یو کمیسیون کولای شي له هر یوه وزیر څخه په ټاکلو موضوعاتو کې پوښتنې وکړي

هغه څوک چي پوښتنه ترې شوې کولای شي شفاهي یا لیکلی ځواب ورکړي

څلور نوي یمه ماده

قانون هغه مصوبه ده چي د ملي شورى د دواړو جرګو له خوا تصویب او د جمهور رئیس له خوا توشیح شوې وي مګر دا چي په دې اساسي قانون کې بل ډول ځرګند شوې وي

که جمهور رئیس د ملي شورى له مصوبې سره موافقه ونه لري کولای شي چي د وړاندې کېدو تر نېټې وروسته یې په پنځلسو ورځو کې د دلایلو له ښوولو سره ملي شورى ته مسترده کړي، ددې وخت په تېرېدو او یا دا چي اولسي جرګه یو ځل بیا هغه د ټولو غړیو له دریو برخو څخه په دوو برخو رایو تصویب کړي، مصوبه توشیح شوې ګڼله کیږي او نافذ یږي

پنځه نوي یمه ماده

د قانون د طرحې پیشنهاد د حکومت یا د جرګې دغړیو او دقضایي چارو د تنظیم په برخه کې د ستري محکمې له خوا د حکومت له لیارې وړاندې کېدای شي

د بودجې او مالي چارو په برخه کې د قانون د طرحې پیشنهاد یوازې دحکومت له خوا کیږي

شپږ نوي یمه ماده

که د قانون د طرحې پیشنهاد پر دولت د نوي تکلیف یا دعایداتو د لږولو په هکله وي، په دې شرط د کار په لست کې نیول کیږي چي د پیشنهاد په متن کې د جبیره کولو مدرک هم ښوول شوی وي

اوه نوي یمه ماده

د قانون د طرحې پیشنهاد د حکومت له خوا لومړی ولسي جرګې ته وړاندې کیږي

ولسي جرګه دبودجې او مالي چارو په شمول دقانون دطرحې پیشنهاد، او دپور اخیستو او یا ورکولو پیشنهاد له بحث څخه وروسته دیو کل په توګه تصویب یا ردوي

ولسي جرګه نشي کولای وړاندې شوې طرحه تر یوې میاشتې زیات وځنډوي

ولسي جرګه د پیشنهاد شوي قانون طرح تر تصویب وروسته مشرانو جرګې ته سپارې

مشرانو جرګه د پنځلس ورځو په اوږدو کې د هغه په هکله تصمیم نیسي

ملي شورى د دولت د هغو قوانینو، معاهدو او پرمختیایي پروګرامونو په باره کې تصمیم نیولو ته لومړیتوب ورکوي کوم چي د حکومت د پیشنهاد په نسبت د عاجل غور کولو ایجاب کوي

که د قانون د طرحې پیشنهاد له دواړو جرګو څخه د لسو غړیو له خوا وشي، پیشنهاد د لومړني جرګې د یو پنځمې غړیو تر تایید وروسته ددې جرګې د کار په لست کې نیول کیږي

اته نوي یمه ماده

د دولت بودجه او دحکومت پرمختیایي پروګرام د مشرانو جرګې له خوا ددې جرګې د مشورتي نظریې سره یوځای ولسي جرګې ته سپارل کیږي

د ولسي جرګې تصمیم د جمهور رئیس تر توشیح وروسته، مشرانو جرګې ته تر وړاندې کېدو پرته، نافذ ګڼل کیږي

که چیري د ځینو عواملو له مخې د مالي کال تر پیل مخکې بودجه تصویب نشي، د نوې بودجې تر تصویب پورې، د تېر کال بودجه تطبیقیږي

حکومت د مالي کال د څلورمې ربعې په اوږدو کې د راتلونکي کال بودجه د روان کال د بودجې له اجمالي حساب سره ملي شورى ته وړاندې کوي د تېر مالي کال د بودجې قطعي حساب د راتلونکي کال د شپږو میاشتو په اوږدو کې د قانون له حکمونو سره سم ملي شورى ته وړاندې کیږي

ولسي جرګه نشي کولای له بودجې تصویب د یوې میاشتې څخه زیات او د پور د اخیستلو او ورکولو اجازه کوم چي په بودجې کې شامل نه وي، تر پنځلس ورځو زیات وځنډوي

که چیري ولسي جرګه په دغه موده کې د پور د اخیستو او ورکولو د پیشنهاد په هکله تصمیم ونه نیسي پیشنهاد تصویب شوی ګڼل کیږي

نهه نوي یمه ماده

که چیري د ملي شورى په اجلاس کې کلنۍ بودجه یا پرمختیایي پروګرام یا د عامه امنیت، د هیواد د خپلواکۍ او ځمکنۍ بشپړتیا سره مربوطه موضوع تر غور لاندې وي، د شورى د اجلاس موده د هغه تر تصویب مخکې پای ته نشي رسېدلای

سلمه ماده

که چیري د یوې جرګې مصوبه د بلې جرګې له خوا رد شي، د اختلاف د له منځه وړلو لپاره د دواړو جرګو د غړو له خوا په برابر شمېر ګډ هیئت ټاکل کیږي

د هیئت پرېکړه د جمهور رئیس تر توشیح وروسته نافذه ګڼل کیږي که ګډ هیئت ونه کړای شي د نظر اختلاف له منځه یوسي، تصویب رد شوی ګڼل کیږي

که چیري تصویب د ولسي جرګې له خوا شوی وي، ولسي جرګه کولای شي په خپله وروستي غونډه کې هغه د خپلو غړو د رایو په اکثریت تصویب کړي دا تصویب بې له دې چي مشرانو جرګې ته وړاندې شي، د جمهور رئیس تر توشیح وروسته نافذ ګڼل کیږي

که چیري د دواړو جرګو ترمنځ اختلاف د مالي قوانینو د طرحې په باب وي او ګډ هیئت یې په حل بریالي نشي، ولسي جرګه کولای شي نوموړی طرح د غړیو د رایو په اکثریت تصویب کړي دا طرح بې له دې چي مشرانو جرګې ته وړاندې شي د جمهور رئیس تر توشیح وروسته نافذه ګڼل کیږي

یو سلو یوومه ماده

د ملي شورى هیڅ غړی د هغې رایې یا نظریې له امله چي د وظیفې د اجرا په وخت کې یې څرګندوي، ترعدلي تعقیب لاندې نه نیول کیږي

یوسلو دویمه ماده

که چیري د ملي شورى کوم غړی په یوه جرم متهم شي، مسئول مامور له موضوع څخه هغې جرګې ته چي متهم یې غړی دی، خبر ورکوي او متهم تر عدلي تعقیب لاندې راتلای شي

د مشهود جرم په مورد کې، مسئول مامور کولای شي متهم د هغې جرګې له اجازې پرته چي ده یې غړی دی تر عدلي تعقیب لاندې راولي او ویې نیسي

په دواړو حالاتو کې که چیري عدلي تعقیب د قانون له مخې د توقیف ایجاب وکړي، مسئول مامور مکلف دی چي له موضوع څخه بې له ځنډه نوموړې جرګې ته خبر ورکړي او د هغه تصویب ترلاسه کړي

که اتهام د شورى د رخصتي په وخت کې رامنځ ته شي، د نیولو او توقیف اجازه د مربوطې جرګې له اداري هیئت څخه ترلاسه کیږي او موضوع د نوموړې جرګې لومړنۍ غونډې ته د تصمیم نیولو لپاره وړاندې کیږي

یوسلو دریمه ماده

وزیران کولای شي د ملي شورى له دوو جرګو څخه په هره یوه کې ګډون وکړي

د ملي شورى هره جرګه کولای شي خپلې غونډې ته د وزیرانو د حاضرېدو غوښتنه وکړي

یو سلو څلورمه ماده

د ملي شورى دواړې جرګې په عین وخت کې، بېل بېل مجلسونه کوي

د دواړو جرګو ګډې غونډې په لاندې حالاتو کې جوړېدلای شي

په هغه وخت کې چي تقنینیه دوره یا کلنۍ غونډه د جمهور رئیس له خوا پرانیستل کیږي

په هغه حالاتو کې چي جمهور رئیس یې ضروري تشخیص کړي

د ولسي جرګې رئیس د ملي شورى د ګډو غونډو مشري کوي

یوسلو پنځمه ماده

د ملي شورى غونډې علني دي، مګر دا چي د مجلس رئیس یا لږ ترلږه د ملي شورى لس تنه غړي یې د سري توب پیشنهاد وکړي او جرګه دا پیشنهاد ومني

هېڅوک نشي کولای چي په زور د ملي شورى ودانۍ ته ننوزي

یو سلوشپږمه ماده

د ملي شورى د هر مجلس نصاب د رایې اخیستلو په وخت کې د غړو د اکثریت په حضور سره بشپړیږي او تصمیمونه یې د حاضرو غړو د رایو په اکثریت نیول کیږي، مګر په هغو موارد و کې چي په دې اساسي قانون بل ډول تصریح کړی وي

یوسلو اوومه ماده

ملي شورى په هر کال کې دوې عادي غونډې دایروي

د ملي شورى د دواړو جرګو د غونډو د کار موده په هر کال کې نه میاشتې ده د اړتیا په وخت کې شورى کولای شي دا موده اوږده کړي

د رخصتیو په ورځو کې د ملي شورى فوق العاده غونډې د جمهور رئیس په امر دایرېدای شي

یوسلواتمه ماده

د ملي شورى د غړي د مړینې، استعفى او عزل یا د داسې دایمي معلولیدو او معیوبیدو په صورت کې چي په دایمي توګه د وظیفې د اجراء څخه شي، د پاتې تقنینیه دورې لپاره د نوي استازي تعیین د قانون له حکمونو سره سم ترسره کیږي

د ملي شورى د غړیو د حاضرېدو یا نه راتلو سره مربوطې چارې د داخلي وظایفو په اصولو کې تنظیمیږي

یوسلونهمه ماده

د تقنینیه دورې په وروستني یوکال کې د انتخاباتو دقانون د بدلېدو پیشنهاد د ملي شورى د کار په لست کې نشي نیول کېدلای

شپږم فصل

لویه جرګه

یوسلو لسمه ماده

لویه جرګه د افغانستان د خلکو د ارادې تر ټولو ستر مظهر دی

لویه جرګه

د ملي شورى له غړیو،

دولایتونو او ولسوالیو د جرګو له رئیسانو جوړیږي

وزیران، د سترې محکمې رئیس او غړي کولای شي د لویې جرګې په غونډو کې بې له دې چي د رایې ورکولو حق ولري، ګډون وکړي

یو سلو یوولسمه ماده

لویه جرګه په لاندینیو حالاتو کې دایریږي

د هیواد د خپلواکۍ، ملي حاکمیت، ځمکنۍ بشپړتیا او په سترو مصلحتونو پورې د مربوطو چارو په باب تصمیم نیول

ددې اساسي قانون د حکمونو تعدیل

ددې اساسي قانون د (نهه شپېتمې) مادې له مخې د جمهور رئیس محاکمه کول

یوسلو دولسمه ماده

لویه جرګه په لومړۍ غونډه کې، د غړیو له منځه یو تن د رئیس، یو تن د مرستیال او دوه تنه د منشي او دمنشي د نایب په توګه ټاکي

یو سلودیارلسمه ماده

د لویې جرګې نصاب د رایې اخیستو په وخت کې د غړیو په اکثریت سره بشپړیږي

د لویې جرګې تصمیمونه، له هغو مواردو پرته چي په دې اساسي قانون کې صریحا ذکر شوي، د ټولو غړیو د رایو په اکثریت نیول کیږي

یوسلوڅورلسمه ماده

د لویې جرګې بحثونه علني دي، مګر دا چي د غړیو څلورمه برخه یې د سریت غوښتنه وکړي او لویه جرګه دا غوښتنه ومني

یوسلو پنځلسمه ماده

د لویې جرګې د جریان په وخت کې د دې اساسي قانون (د یوسلویومې او یوسلودویمې) مادو مندرج احکام دهغې د غړیو په باب تطبیقیږي

اووم فصل

قضاء

یوسلو شپاړسمه ماده

قضائیه قوه د افغانستان د اسلامي جمهوري دولت خپلواک رکن دی

قضائیه قوه له یوې سترې محکمې، د استیناف له محکمو او ابتدائیه محکمو څخه جوړه ده چي تشکیلات او واکونه یې د قانون له لیارې تنظیمیږي

ستره محکمه د سترقضایي اورګان په توګه د افغانستان د اسلامي جمهوریت د قضایي قوې په سرکې ده

۱۲ مخ

یو سلو اوه لسمه ماده

ستره محکمه نهه تنه غړي لري چې د جمهور رئیس له خوا د ولسي جرګې په تایید اودي اساسي قانون د (پنځوسمې) مادې د دروستی فقرې او د (یوسلو اتلسمې) مادې دحکمونو په رعایت د لسوکلونو لپاره ټاکل کېږي

د غړیو ټاکل د ړومړ ځل لپاره جواز نه لري.

جمهور رئیس د ستري محکمې یو غړي د ستري محکمې د رئیس په توګه ټاکي

د ستري محکمې غړي ددې اساسي قانون په (یوسلو اوه ویشتمې) مادې کې له راغلي حالت پرته، د خدمت د دورې تر پای پورې له خپلو وظیفو څخه نه عزلېږي

یوسلواتلسمه ماده

د ستري محکمې غړي باید لاندیني شرایط ولري:

د ټاکلو په وخت کې د رئیس او غړو عمر ترڅلوېښتو کلو لږ نه وي.

د افغانستان تبعه وي.

په حقوقي یا فقهي علومو کې لوړې زده کړې او دافغانستان په قضایي نظام کې تخصص او کافي تجربه ولري

د ښه سیرت او نېک شهرت لرونکی وي

د محکمې له خوا د بشري ضد جرمونو او دجنایت په ارتکاب محکوم نه وي او یا له مدني حقوقو محروم شوی نه وي

د وظیفي د تصدی په وخت کې په هیڅ سیاسي ګوند کې غړیتوب ونه لري

یو سلو نولسمه ماده

د ستري محکمې غړي د وظیفي ترپیل مخکې، د جمهور رئیس په وړاندې دا لوړه کوي

بسم الله الرحمن الرحیم

"د لوی خدای ﷻ په نامه لوړه کوم چې د اسلام د سپیڅلي دین له احکامو، په دې اساسي قانون او نورو قوانینو کې له راغلو نصوصو سره سم حق او عدالت تامین او دقضاء وظیفه په بشپړ امانت، صداقت او بې طرفی اجراء کړم!"

یوسلوشلمه ماده

د قضايي قوې صلاحیت د ټولو هغو دعوو غور ته شاملېږي. چې د دولت په شمول د حقیقي یا حکمي اشخاصو له خوا د مدعي یا مدعي علیه په حیث د قانون له حکمونو سره سم د محکمې په وړاندې اقامه شي

یوسلو یو ویشتمه ماده

ستره محکمه یوازې د حکومت اویا د محکمو د غوښتنې پر اساس له اساسي قانون سره د قوانینو، تقنیني فرمانونو بین الدول معاهدو او بین المللی میثاقونو مطابقت څېړي او په باره کې ور قرار صادروي.

ستره محکمه د اساسي قانون، د قوانینو او د تقنیني فرمانونو د تفسیر واک لري.

یوسلو دوه ویشتمه ماده

هیڅ قانون نشي کولای په هیڅ حال کې، کومه قضیه یا ساحه څرنګه چې په دې فصل کې مشخص شوي د قضایي قوې له صلاحیت څخه وباسي او بل مقام ته یې وسپاري.

دا حکم د هغوخاصو محکمو چې ددې اساسي قانون په (نهمه شپېتمي - اته اویایمي او یوسلواوه ویشتمي) مادو کې راغلي او د نظامي محکمو د تشکیل مخه نه نیسي

د دې ډول محکمو تشکیل او صلاحیت د قانون له لیارې تنظیمېږي

یوسلو در ویشتمه ماده

ددې اساسي قانون دحکمونو په رعایت د محکمو په تشکیل، صلاحیت او اجراآتو پورې مربوطه قواعد او په قاضیانو پورې مربوطې چارې د قانون له لیارې تنظیمېږي

یوسلو څلیرویشتمه ماده

د قضایي قوې د مامورینو او نورو اداري کارکوونکو په برخه کې. د دولت د مامورینو او نورو اداري کارکوونکو د مربوطو قوانینو حکمونه نافذ دي خو تقرر، انفکاک، ترفیع، تقاعد. مجازات او مکافات یې د ستري محکمې له خوا له قانون سره سم تر سره کېږي

یوسلو پنځه ویشتمه ماده

د قضایي قوې بودجه دحکومت په مشوره د ستري محکمې له خوا ترتیبېږي اود دولت د بودجې د یوې برخې په توګه دحکومت له خوا ملي شورې ته وړاندې کېږي.

د قضایي قوې د بودجې تطبیق د ستري محکمې خپل صلاحیت دی

یوسلو شپږ ویشتمه ماده

د ستري محکمې غړي، د خدمت د دورې ترسرته رسېدو وروسته، د پاتې ژوند په اوږدو کې د خدمت د دورې له مالي حقوقو څخه برخمن کېږي، په دې شرط چې په دولتي اوسیاسي چارو بوخت نشي

یو سلو اوه ویشتمه ماده

که چېرې د ولسي جرګې تر درېیمې برخې زیات غړي، د ستري محکمې د رئیس یا غړو محاکمه د وظیفوي جرم یا د جنایت د ارتکاب د اتهام په اساس وغواړي او ولسي جرګه دا غوښتنه د ټولو غړیو له درېیو برخو څخه د دوو برخو په اکثریت تصویب کړي. متهم له دندې څخه عزل او موضوع خاصې محکمې ته سپارل کېږي.

د محکمې تشکیل او د محاکمې طرزالعمل د قانون په وسیله تنظیمېږي

یو سلو اته ویشتمه ماده

د افغانستان په محکمو کې محاکمه په علني ډول دایرېږي او هرڅوک حق لري د قانون له حکمونو سره سم په هغې کې ګډون وکړي

محکمه کولای شي په داسې حالاتو کې چې په قانون کې څرګند شوي یا د محاکمې سري توب ضروري وګڼل شي. سري غونډې دایرې کړي خو د حکم اعلان باید علني وي

یو سلو نهه ویشتمه ماده

محکمه مکلفه ده د خپل صادر کړي حکم اسباب په فیصله کې ذکر کړي

د محکمو د ټولو قطعي فیصلو عملي کول واجب دي خو د یوشخص د وژلو د حکم په حالت کې د جمهور رئیس منظوري شرط ده

یوسلو دېرشمه ماده

محکمې تر غور لاندې قضایاووکې ددې اساسي قانون او نورو قوانینو حکمونه تطبیقوي

که چېرې د غور لاندې قضایاوو له جملې څخه د کومې قضیې لپاره په اساسي قانون او نورو قوانینو کې حکم موجود نه وي، محکمه د حنفي فقهي د احکامو له مخې او په هغو حدودو کې دننه چې دې اساسي قانون ټاکلي. قضیه په داسې ډول حل او فصل کوي چې عدالت په ډېره ښه توګه تامین کړي

یو سلو یو دېرشمه ماده

محکمې د اهل تشیع لپاره په شخصیه احوالو پورې مربوطو قضایاووکې د تشیع د مذهب حکمونه د قانون له احکامو سره سم تطبیقوي

په نورو دعوو کې هم که په دې اساسي قانون یا نورو قوانینو کې حکم موجود نه وي او ددعوا دواړې خواوې له اهل تشیع وي. محکمې قضیه ددې مذهب له حکمونو سره سم حل او فصل کوي

یو سلو دوه دېرشمه ماده

قاضیان د ستري محکمې په پیشنهاد او د جمهور رئیس په منظوري ټاکل کېږي

د قاضیانو مقرري، تبدیلي، ترفیع، مواخذه او د تقاعد پیشنهاد د قانون له حکمونو سره سم د ستري محکمې صلاحیت دی

ستره محکمه د اجرایي اوقضایي چارو د ښه تنظیم او د لازمو اصلاحاتو د تامین لپاره، د قضائیه قوې، عمومي اداري آمریت تاسیسوي

یو سلو دري دېرشمه ماده

که چېرې قاضي د جنایت په ارتکاب متهم شي ستره محکمه د قانون له حکمونو سره سم د قاضي پرحالت غور کوي. که چېرې ستره محکمه دده د دفاع تر اورېدو وروسته اتهام وارد وبولي جمهور رئیس ته یې د عزل پیشنهاد کوي او د جمهور رئیس له خوا تر منل کېدو وروسته متهم قاضي د جمهور رئیس په منظوري له دندې څخه عزل او د قانون له حکمونو سره سم جزا ورکوله کېږي

یوسلوڅلور دېرشمه ماده

د جرمونو کشف د پولیس په وسیله او دجرمونو تحقیق او په محکمه کې پرمتهم باندې د دعوا اقامه د څارنوالي له خوا. د قانون له احکامو سره سم کېږي

څارنوالي د اجرائیه قوې برخه ده او په خپلو اجراآتو کې استقلال لري.

د څارنوالي تشکیل، صلاحیت او د اجراآتو څرنګوالی د قانون له لیارې تنظیمېږي

د وسله والو ځواکونو، پولیسو او د ملي امنیت کارکوونکو د وظیفوي جرمونو کشف او تحقیق د خاص قانون له لیارې تنظیمېږي

یو سلوپنځه دېرشمه ماده

که د دعوی لوری په هغه ژبه چې محاکمه پرې کېږي ونه پوهېږي، د قضیې پر موادو او اسنادو باندې د اطلاع او په محکمه کې په خپله مورنۍ ژبه د خبرو کولو حق د ترجمان پواسطه ورته تامینېږي

اتم فصل

اداره

یو سلوشپږ دېرشمه ماده

د افغانستان د اسلامي جمهوریت اداره د مرکزي اداري او محلي اداراتو د واحدونو پر اساس له قانون سره سم تنظیمېږي

مرکزي اداره پرځینو اداري واحدونو وېشل کېږي چې د هرې یوې په سرکې یو وزیر وي

د محلي اداري واحد ولایت دی. د ولایتونو او مربوطه ادارو شمېر. ساحه. برخې او تشکیلات د نفوسو د شمېر. ټولنیزې او اقتصادي وضعې او جغرافیایي موقعیت پر اساس د قانون له لیارې تنظیمېږي

یوسلو اووه دېرشمه ماده

حکومت د مرکزیت د اصل په ساتلو سره د اقتصادي. ټولنیزو او فرهنګي چارو د ګړندي کولو. ښه والي او د ملي ژوند په پرمختګ کې د خلکو د لازیاتي ونډې اخیستلو په منظور. لازم صلاحیتونه د قانون له حکمونو سره سم محلي اداري ته سپاري

یوسلو اته دېرشمه ماده

په هر ولایت کې یوه ولایتي جرګه جوړېږي.

د ولایتي جرګې غړي له نفوسو سره سم د نفوسو په تناسب. د آزادو، عمومي، پټو او مستقیمو ټاکنو له مخې د ولایت د اوسېدونکو له خوا د څلورو کلونو لپاره ټاکل کېږي.

ولایتي جرګه له خپلو غړیو څخه یو تن د رئیس په توګه ټاکي

یوسلونهه دېرشمه ماده

ولایتي جرګه د دولت د پرمختیایي اهدافو اود ولایت د چارو د ښه کېدو په تامینولو کې لکه څنګه چې په قوانینو کې څرګنده شوې. برخه اخلي او په ولایت پورې د مربوطو چارو په باب مشوره ورکوي.

ولایتي جرګه خپلې دندې د ولایت د اداري په مرسته، سرته رسوي

یوسلو څلوېښتمه ماده

د محلي اداري د چارو د سمون او په هغې کې د خلکو د فعالي ونډې اخیستو د تامین په مقصد، په ولسوالیو او کلیو کې د قانون له حکمونو سره سم جرګې جوړېږي

ددې جرګو غړي د آزادو، عمومي، پټو او مستقیمو ټاکنو له مخې د سیمې د اوسېدونکو له خوا د درېو کلونو لپاره ټاکل کېږي

په محلي جرګو کې د کوچیانو ګډون د قانون له حکمونو سره سم تنظیمېږي

یوسلو یوڅلوېښتمه ماده

د ښاري چارو د اداري لپاره ښاروالي تشکیلېږي.

ښاروال او د ښاري مجلسونو غړي د آزادو، عمومي، پټو او مستقیمو انتخاباتو له لارې انتخابېږي

په ښاروالیو پورې مربوطې چارې د قانون له لیارې تنظیمېږي

یوسلو دوڅلوېښتمه ماده

دولت ددې اساسي قانون د حکمونو د تعمیل او د مندرجو ارزښتونودتامین لپاره لازمې اداري جوړوي

نهم فصل

اضطراري حالت

یوسلو دري څلوېښتمه ماده

که دجګړې، دجګړې د خطر، وخیم اغتشاش او طبیعي آفاتو او یا ورته حالت له امله د خپلواکۍ او ملي ژوند ساتنه له هغه بهیر څخه چې په اساسي قانون کې ټاکل شوی، ناشوني وګرځي د جمهور رئیس له خوا د ملي شورې په تایید د هېواد په ټولو او یا ځینې برخو کې اضطراري حالت اعلانېږي

که اضطراري حالت تر دوو میاشتو زیات دوام ومومي د هغه د اوږدولو لپاره د ملي شورې موافقه شرط ده

یو سلوڅلورڅلوېښتمه ماده

په اضطراري حالت کې جمهور رئیس کولای شي د ملي شورې او د ستري محکمې له رئیسانو سره په مشوره د ملي شورې ځینې صلاحیتونه حکومت ته انتقال کړي

یوسلو پنځه څلوېښتمه ماده

په اضطراري حالت کې جمهور رئیس کولای شي چې د ملي شورې، د ستري محکمې د رئیسانو تر تایید وروسته د اساسي قانون لاندیني حکمونه وځنډوي او یا قیود پرې ولګوي:

د اووه ویشتمې مادې دویمه فقره

شپږ دېرشمه ماده.

د اووه دېرشمې مادې دویمه فقره

د اته دېرشمې مادې دویمه فقره

یو سلو شپږ څلوېښتمه ماده

د اضطرار په حالت کې اساسي قانون نه تعدیلېږي

یوسلو اوه څلوېښتمه ماده

که چېرې د جمهوري ریاست دوره او یا دملي شورې تقنیني دوره د اضطرار په حالت کې پای ته ورسېږي، د نویو انتخاباتو تر سره کېدل ځنډېږي او د جمهور رئیس او ملي شورې د غړیو د خدمت موده تر (څلورو) میاشتو پورې، تمدیدېږي.

که اضطراري حالت ترڅلورو میاشتو زیات اوږد شي، لویه جرګه د جمهور رئیس له خوا راغوښتله کېږي. د اضطراري حالت تر پای ته رسېدو وروسته، د دوو میاشتو په دننه کې انتخابات ترسره کېږي

یوسلو اته څلوېښتمه ماده

د اضطراري حالت په پای ته رسېدو سره هغه اقدامات چې ددې اساسي قانون د (یوسلوڅلورڅلوېښتمې او یوسلو پنځه څلوېښتمې) مادو له مخې شوي. بې له ځنډه له اعتباره لوېږي

لسم فصل

تعدیل

یوسلو نهه څلوېښتمه ماده

د اسلام د سپیڅلي دین له حکمونو څخه د پیروی اصل او جمهوري نظام نه تعدیلېږي

د اتباعو د اساسي حقوقو تعدیلول یوازې د هغوی د حقوقو د ښېګڼې په منظور جواز لري

ددې اساسي قانون د نورو موادو تعدیل د وخت د غوښتنواو تجربوله مخې. ددې اساسي قانون د (اوه شپېتمې او یوسلوشپږڅلوېښتمې) مادو په رعایت سره، د جمهور رئیس یا د ملي شورې د اکثریت په پیشنهاد کېږي

یو سلوپنځوسمه ماده

د تعدیل د پیشنهاد لپاره د جمهور رئیس په فرمان دحکومت، ملي شورې، او د ستري محکمې د غړیو له منځه، یو هیئت جوړېږي او د تعدیل طرح تیاروي

د تعدیل د تصویب لپاره لویه جرګه، د جمهور رئیس په فرمان او دلویې جرګې د فصل له حکمونو سره سم راغوښتل کېږي

که لویه جرګه د ټولو غړیو له درېیو برخو څخه د دوو برخو په اکثریت د تعدیل طرح تصویب کړي، د جمهور رئیس تر توشیح وروسته نافذېږي

یوولسم فصل

متفرقه حکمونه

یوسلو یو پنځوسمه ماده

جمهور رئیس، د جمهور رئیس مرستیال. وزیران او د ستري محکمې رئیس او غړي د خپلې وظیفي په وخت کې نشي کولای له دولت او اشخاصو سره هیڅ ډول انتفاعي معامله ترسره کړي هغه معاملې چې د شخصي اړتیاوو د تامین په منظور ترسره کېږي. له دې حکم څخه مستثنی دي.

یوسلو دوه پنځوسمه ماده

جمهور رئیس، د جمهور رئیس مرستیال، وزیران، د ملي شورې او د ستري محکمې رئیسان او غړي او قاضیان نشي کولای د وظیفي د تصدی په موده کې په نورو مشاغلو لاس پورې کړي

یوسلو درېپنځوسمه ماده

قاضیان، څارنوالان، د وسله والو ځواکونو د پولیسو منصبداران او دملي امنیت کارکونکي نشي کولی د دندې د تصدی په موده کې په سیاسي ګوندونو کې غړیتوب ولري.

یوسلو څلورپنځوسمه ماده

د جمهور رئیس، د جمهور رئیس د مرستیال، وزیرانو او د ستري محکمې د غړو شتمني، دخدمت تر دورې وړاندې او وروسته، د هغه اورګان په وسیله چې قانون یې ټاکي ثبت، څېړل او څېړېږي

یو سلو پنځه پنځوسمه ماده

د جمهور رئیس مرستیال، وزیرانو، د ملي شورې او دستري محکمې رئیسانو او غړیو ته د قانون له حکمونو سره سم. مناسب معاش ټاکل کېږي

دولسم فصل

انتقالي حکمونه

یوسلو شپږ پنځوسمه ماده

د ملت د بابا لقب او هغه امتیازونه چې د ۱۳۸۱ هـ ل کال د اضطراري لویې جرګې له خوا د افغانستان پخواني پاچا اعلیحضرت محمد ظاهرشاه ته ورکړل شوي دي، ددې اساسي قانون له حکمونو په رعایت سره سم د ژوند تر پایه د دوی لپاره محفوظ دي

یوسلو اوه پنځوسمه ماده

ددې اساسي قانون له نافذېدو څخه د ملي شورې د افتتاح تر نېټې پورې موده د انتقال دوره ګڼل کېږي

د افغانستان انتقالي اسلامي دولت د انتقال په دوره کې لاندیني وظیفې سرته رسوي

د شپږمیاشتو په دننه کې د جمهوري ریاست، ملي شورې او محلي جرګو دانتخاباتو په اړه د تقنیني فرمانونو صادرول

له یو کال څخه په کمه موده کې د محکمو دصلاحیتونو او تشکیلاتو او د اساسي تشکیلاتو پر قانون باندې د کار پیل په اړه د فرمانونو صادرول

د انتخاباتو دخپلواک کمیسیون جوړول

د اجرایي اوقضایي چارو د غوره تنظیم په منظور د لازمو اصلاحاتو سرته رسول

ددې اساسي قانون د حکمونو د تطبیق په برخه کې د زمینې د برابرولو لپاره لازم تدبیرونه نیول

یوسلو اته پنځوسمه ماده

لومړنی منتخب جمهور رئیس د انتخاباتو د نتایجو تر اعلان د یرش ورځې وروسته په کار پیل کوي

د ملي شورې انتخابات د جمهور رئیس له انتخاب څخه وروسته د یو کال څخه په کمه موده کې دایرېږي. دملي شورې واکونه د هغه د تاسیس تر مودې پورې ددې اساسي قانون له مخې حکومت ته سپارل کېږي او موقته ستره محکمه د جمهور رئیس په فرمان جوړېږي

یوسلو نهه پنځوسمه ماده

ملي شورې خپل وظایف او واکونه ددې اساسي قانون د حکمونو له مخې د تاسیس سره سم عملي کوي

د ملي شورې له لومړنۍ غونډې وروسته د دېرشو ورځو په موده کې حکومت او ستره محکمه ددې اساسي قانون له حکمونو سره سم تشکیلېږي

د افغانستان د انتقالي اسلامي دولت رئیس تر هغه وخته پورې چې منتخب جمهور رئیس په کار پیل کړي ته وي وظیفه سرته رسوي

ددې اساسي قانون د یوسلو اووه پنځوسمې مادې د څلورمې فقرې د حکم په رعایت، د دولت اجرایي او قضایي ارګانونه د حکومت او ستري محکمې ترتشکیل پورې خپلو وظایفو ته ادامه ورکوي

هغه تقنیني فرمانونه چې د موقتي دورې له پیل څخه وروسته نافذ شوي دي د ملي شورې لومړنۍ غونډې ته راجع کېږي

دا فرامین تر هغه وخته پورې چې د ملي شورې له خوا لغوه شوي نه وي نافذ ګڼل کېږي

یوسلوشپېتمه ماده

دا اساسي قانون د لویې جرګې له تصویب څخه وروسته نافذ او د افغانستان د انتقالي اسلامي دولت د رئیس لخوا توشیح او اعلامېږي

او په نفاذ سره یې ددې اساسي قانون له حکمونو مغایر قوانین او تقنیني فرمانونه لغوه کېږي

بعـد شـاه ادامـه دادنـد وضع ما نامعلوم اسـت در ایـن موقـع والاحضـرت بلقیس از اطاق خارج شدند.پادشاه گفتند ... هنوز داود و کمیته برای ما تکلیفی روشن نکرده است دراین خانـهء محقر که بیشتر از پنج اطاق نـدارد مـا ۲۲ نفـر هسـتیم که زندگانی می کنـیم ۵ پسـر دو دخـتر و نوه های ما بدون مسـتخدم. در طـول چهـل سـال ما زندگی لوکس نکردیم ولی باآین حقارت و ذلت نیز عـادت نداریـم. خیلـی متأثر شدند... به نفع ملـت خـود اسـتعفا دادیـم تـا از خونریـزی جلوگیری شـود. اعلامـیه یـی را کـه لابد دیدید صادر کردیم. بخاطر بقای کشور ما از همـه چیـز صرف نظر نمودیم همه چیز مارا گرفتند حتی به مقبرهء پدرم دستبرد زده اند. اطمینان دارم که برادرم شاهنشاه از وضع ما مـتأثراند. آمـدن شـما هـم امشب در اینجا همیـن را مـی رسـاند ولـی مطمئـن باشید هـیچکس از ایـن ملاقات ها مطلع نخواهد شد.

اعلیحضـرت شاهنشـاه به ما و فامیل ما خیلـی عنایـت دارند. گاهگاه از حال ما می پرسـند بـاید بـرادرم را از حال ما مستحضر سازید و حتما به عرض شان برسانید که من نمـی خواهم وجودم تیرگی بین دو کشور را بوجـود آورد. خاطـر بادرایـت شاهنشـاه باید کـاملا آسوده باشد. مشکلات شاهنشاه زیاد اسـت. پشـتونستان و بلوچستان و ادعا های مـبالغه آمـیر و تعصـبات داود و تحـریکات کمیـته مشـکلات برادر ما را زیاد کرده ولی مـا اطمینـان داریـم کـه شاهنشـاه به همه مشـکلات فایق می آیند. پس از تحسین و تکـریم بسـیار از تدابـیر شاهنشاه و سیاست خارجـی و ... ایـران گفتند داود داماد خود را سـفیر کبیر ایران کرده او بزودی می رود ما نامـه یـی بوسیلهء او برای داود ارسال کرده ایم، خرج ما بسیار سنگین است. ما فقط می توانیم تا دو ماه دیگر مصارف خود ...

معلـوم نیسـت داود تاکـی بیرحمـی می کـند. **مـی دانم که برادرم شاهنشاه ایـران بفکـر مـا هستند ولی اگر به تنهایی بخواهند معیشت ما را بدهند سنگین است. انتظار ما این ست که سـه کشور دوست ایران، عربستان سـعودی و کویت باهم برای مخارج ما همکاری نمایند** تـا ملت افغان تکلیف پادشـاه خود را معلوم نماید ما چهل سال به ملـت افغـان خدمـت کردیم... خیلی منقلب بودنـد و مطالـب زیـادی آهسـته گفتند که شنیده نشد. خداوند فامیل ما را نجات داد باز هـم مـا شکر به خداوند می گزاریم. از خبر دیشب رادیو در مورد توطئه به جان خاندان بـزرگ سلطنت خیلی متأسف شدیم نگرانی ما شدید است از قول ما به شاهنشاه عرض نمایـید دنـیای بسـیار بدی است بسیار باید مراقبـت نمود به هرکس نمی توان اطمینان کـرد داود هـر روز بدون رخصت به اندرون مـی آمـد با ما و ملکه در خلوت به صحبت مـی نشسـت بـا بچه ها بازی و شوخی می کـرد. به اسرار زندگانی ما وقوف داشت می دانست که من دیناری در خارج ندارم به این صـورت مـا را گذاشـته خانـهء مـا را با توپ خـراب کرده داماد مرا در زندان شکنجه می دهد. همین دیروز شنیدم "میوندوال" که سه سال قبل نخست وزیر ما بود و خیلی خدمت کـرد در زنـدان از شـرف خـود بـا کـراوات خودکشـی نمـود. مـن بخاطر ملت نجیب و بیگناه خود استعفا دادم خدا آنها را حفظ کند. امـیدوارم تا دیر نشده داود همه چیز را برباد ندهـد و با کشور دوست و برادرش که حافظ سـلامت و آسایش ناحیه است دشمنی نکند.



تاریخ معاصر افغانستان

در یاد داشت های وزیر دربار شاه ایران



محمد ظاهر شاه در تبعید ۴

ترتیب و توضیح از وحید مژده

داود وطـن پرسـت است ولی بی اراده تحت تأثـیر عناصر دیگر است. راه غلط می رود و فکـر مـی کـند به نفع مملکت است. شفیق نخسـت وزیـر مـارا در زنـدان بـرای چـه نگهداشته؟ شفیق به ما خدمت کرد و دوست ایـران بـود. خیلـی دیگـر حرف دارم که می دانم وقت شما تنگ است.

بـه عـرض بـرادر تـاجدار مـا شاهنشـاه برسانید احترام و محبت شان در قلب ماست. متشکرم که در روز های سخت بیاد ما بودید متأسفانه در آن روز ها نتوانستم شما را ببینم توجـه شاهنشـاه هرگـز هرگـز از خاطر ما و فامـیل مـان فراموش نمی شود. خداوند فامـیل سـلطنت پهلـوی را از گـزند محفـوظ بـدارد و ملت ایران و افغان را که هردو برادرند و از یک خون و نژادند پایدار و آسوده بدارد.

پـس از یـک سـاعت و چهـل و پنج دقـیقه اجـازهء مرخصـی خواستم دستور فـرمودند قهـوه بنوشـید. نـوهء شـاه که دخـتر والاحضـرت بلقـیس باشـد سینی قهـوه را آورد. عـرض کـردم پادشـاه ننوشـند که بی خوابی می آورد فرمودند ما هیچ شب تا به صبح نمی خوابیم.

بسـیار بـه اینجانـب اظهـار مرحمت نمودنـد و نمـرهء تلفـن خـود شـان را مرحمت کرده گفتند صبح یا شب ها می توانـم تلفن کنم از برادرم حال همیشه بـه مـا خـبر بدهـید و از حال ما هم به عرض اعلیحضرت شاهنشاه برسانید.

مراتـب احـترام ... مـا و خـانواده را بـه عـرض مبارکشـان و خدمـت علیاحضـرت شـهبانو برسـانید شاهنشـاه ایـران شاهنشاه ناحـیه هسـتند. حفـظ ناحیه به تدبیر ایشان اسـت. ما زیاد مطالعه داریم ایران هیچ وقت شاهنشـاهی بـه بزرگـی و دانـش و تدبـیر بـرادرمان شاهنشـاه آریامهـر نداشـته است خوشحالیم که می شنویم و می فهمیم ملت ایـران ایـن را فهمـیده و با اعتقاد و علاقهء قلبی رهبر خود را می پرستد...

فـرزندم بـاز هـم شـما را تـا دم درب راهنمائی خواهد نمود.

بـاز هـم بسیار محبت نموده اینجانب را مرخص نمودند.

والاحضـرت بلقـیس و والاحضـرت ... که تـازه رسـیدند مدتـی در بـاغ کـه تـاریک بود ایسـتاده بـا اینجانـب صـحبت کـردند و برای صحت و سلامت پادشاه پدر شان نگران بودند و از آیندهء خود و فرزندان و معیشت شان.

با عرض احترام علی نقی سعید انصاری

شاه سابق از توان اقتصادی ایران بی خبر بود

در ایـن گزارش که سفیر سعی نموده با دقت انتقال دهد آنچه که بسیار عجیب می نماید این است که پادشاه مخلوع افغانستان در مـورد قدرت اقتصادی ایران به حدی بی اطلاع بوده است که پرداخت مصارف خود و خانواده اش را که ماهانه ده هزار دلار بود از توان ایران بیرون می دانسته و تقاضا داشته اسـت تا سه کشور ایران ، عربستان سعودی و کویت به صورت مشترک در پرداخت این مبلغ سهم بگیرند!

آیا شاه افغانستان نمی دانست که درآمد ایـران در آن سال از مرز بیست میلیارد دلار گذشـته اسـت؟ شاهی که به صورت مطلق العـنان بـر سـرچنین گنجـی نشسـته بـود مصارف هر پادشاه مخلوع در هرگوشه یی از جهان را می پرداخت. سیمون پادشاه مخلوع بلغاریـا، پادشـاه مخلـوع یونـان که علم در خاطـرات خـود از وی به مفتخوار ترین مرد جهـان نـام مـی برد، پادشاه سابق آلبانی و دولـتمردان تکیه زده بر اریکهء قدرت و کم درآمـدی چـون ملک حسین و ذولفقار علی بوتـو و بسـیاری دیگـر همـه از ایـن خوان نعمت سهمی داشتند.

مسألهٔ دیگری که عجیب می نماید این اسـت کـه شاه سابق(احتمالاً در اثر تبلیغات کسـانی چـون اعـتمادی یـا زلمـی محمود غازی) باور کرده بود که میوندوال خودکشی کـرده اسـت. درحالـی که صاحب نظران به ایـن بـاورند کـه میوندوال زیر شکنجه جان سپرد و بعد برای پوشاندن این جنایت جسد اورا بـه وسـیلهء نکتایی و کمربند حلق آویز کردند تا وانمود سازند که او خودکشی کرده اسـت. بعضی ها حتی از یک افسر پلیس به نـام "عبدالصـمد ازهـر" بـه عـنوان قـاتل میوندوال نیز نام برده اند.

شاه ایران همهٔ مخارج را به عهده می گیرد

شاهنشـاه بـه تاریخ یکشنبه۵۲/۷/۱۵ ایـن نامه را به دقت مطالعه نمود. علم می نویسد:... فرمودند، فوری سفیر عربستان و کویـت را بخواه و با آنها مطلب را در میان بگـذار. عرض کردم جسارت می کنم، ولی ارزش نـدارد. ماهـی ده هـزار دلار را خود شاهنشـاه مرحمـت فرمایـند. قدری تأمل. فـرمودند، شاید خودش راضی نباشد که از ما تنها بگیرد. عرض کردم ما که محرمانه مـی دهـیم. شـاید اگـر بخواهـد منزلی یا قصـری بخـرد احتـیاج به کمک عربستان سعودی و کویت باشد. تازه من عرض می کـنم اعلیحضـرت همایونـی آن را هـم مرحمـت فرمایید. فرمودند پس بنویس که مـا ایـن ده هـزار دلار را بـرای مخـارج ماهیانهء شما ... می دهیم، اگر بیشتر لازم اسـت و مـی خواهید منزلی بخرید(اگر در ایـن موقـع مصـلحت در خرید منزل برای شـما باشـد) آن وقت شاید کمک کویت و عربسـتان لازم بشود. آیا می خواهید ما با آنهـا تمـاس بگـیریم یـا خـود شما تماس خواهید گرفت؟...

برخورد مرزی ایران و افغانستان

پنجشنبه ۵۲/۸/۳

"... رئـیس سـتاد وارد شـد و گزارش به شاهنشـاه عـرض کـرد. شاهنشـاه بـه دقت خواندند، فرمودند، فوری به علم بده بخواند. حاضرین تعجب کردند. من که خواندم دیدم کـه خـبر زد و خـورد بیـن ژاندارمـری ما و افغانهـا مـی باشد که یک افسر افغانی و دو سـرباز در نزدیکی دوست محمد کشته شده اند. قضیه چنان که من سابقه داشتم از این قـرار بـود کـه در کـنار پـریان چند مـیلهء سرحدی خراب شده و افغانها می خواهند به ایـن طـرف رود خانـه بیایندو زمین هایی را تصـرف کنندکه البته شدیدا جواب آنها داده می شود با آن که مکرر به آنها گفته اند باید از طریق گفتگو باشد، قبول نکرده و باز هم ایـن طـرف آمـده اسـت، او را زده انـد. بعد معلـوم شد فوری افغانها عکس العمل شدید نشـان داده قـوای نظامـی آورده و فـوری افغانهـای مـرز را مسـلح ساخته اند. به من فرمودند، فوری شما هم آن جا اسلحه توزیع کنید. عرض کردم هر اقدامی لازم باشد می کنم...".

در توضـیح باید گفت خط مرزی در این سـاحه که به وسیله کلنل مکماهون درسال ۱۹۰۵ تثبیت گردیده دارای ۹۵ پلر "علامت سرحدی" می باشد. درسال ۱۹۰۵ به بعد در ساحهء تیمروز درجهت ترمیم پلرهای مذکور اقدام مهمی صورت نگرفت.

در اثـر تغییر مسیر رود هیرمـند به طرف خـاک افغانستان،پلر های سرحدی ۵۱ الی ۵۶ کـه در ایـن ناحـیه حـدود ایران و افغانستان را معیـن مـی کرد از بین رفته و بخشی از زمین های مزروعی مرز نشینان افغان به طرف ایران رفـت. مشـخص نـبودن خط سرحدی در این مـنطقه چندیـن بـار موجـب درگـیری هـای سـرحدی گردیده است. در یک گزارش وزارت داخلهء افغانستان به نقل از گزارشات مسئولان سرحدی خویش خبرداد که مقامات ایرانی یک تـبعه افغانـی بـه نام عبدالعزیز راکه زمین های وی بیـن پلـرهای ۵۴ و ۵۵ قـرار دارد نسـبت نـبودن علایم سرحدی از کشت وزرع ممانعت مـی کـنند وخود را شریک زمین های وی می دانـند. درهمیـن حـال به علت تغییر مسیر رود هیرمـند در سرحد باایران، بخشی از زمین های اتـباع افغانـی درآن سـوی دریـا مـانده ومـورد اسـتفادهء تجـاوزی ایرانی ها می باشد. درنامهء دیگـری از حـریق یـک جنگل متعلق به اتباع افغانی از طرف چوپانهای ایرانی به علت نبودن پلرهای شماره ۵۱ تا ۵۶ خبر داده شد.

موضـوعی کـه علـم در یادداشـت خویش به آن پرداخته، مربوط به مشکل مرزی همین ناحیه بوده که تا کنون نیز رفع نگردیده است.

هرچند وقوع برخورد های مرزی در این مـنطقه چـندان تازگـی نداشت و زیاد جدی تلقـی نمی شد(معمولا با مذاکره و تفاهم در مـرز مـیان مـرز بانـان دوکشور فیصله می یافـت) امـا در آن مقطع خاص زمانی ایران آن را بسـیار جـدی تلقی کرد و اقداماتی را روی دست گرفت.

آمادگی برای ایجاد ناآرامی درهرات

جمعه ۵۲/۸/۴

سـحر از خواب برخاستم. فوری به شهر رفته رئیس ستاد، رئیس ژاندارمری و تیمسار نصیری رئیس ساواک را خواستم. تصمیمات در مورد آمادگی یک گردان برای احتیاط در مشهد و همچنان مسلح ساختن تمام عشایر مـرز گرفتیم. شاهنشـاه ساعت ۸:۳۰ برای سلام تشریف آوردند. جریان را عرض کردم تصویب فرمودند.

شنبه ۵۲/۸/۵

نقشـه هـای مـربوط بـه آمادگـی برای اغتشاش راه انداختن در افغانستان به عرض رسـاندم کـه از طـریق هـرات شروع کنیم. عـرض کـردم اجازه فرمایید ارتشبد نصیری رئـیس سـاواک را برای شناختن مردمی که باید پول بدهیم به مشهد و به مرز بفرستیم. فرمودند، فوری.انجاء دهید.

تقدیم اعتماد نامهء سفیر افغانستان

شنبه ۵۲/۹/۳

"... امـروز شـرفیابی سـه سـفیر بـود از مغولستان، بلغارستان و افغانستان، که البته مهم از لحـاظ مـا افغانسـتان است. سفیر افغانستان محمد غازی داماد داود می باشد(علم نام سفیر را درسـت نمـی دانسـت. نـام درست او زلمی محمـود غـازی بود). نطق او کوتاه بود ولی نه زیـاد خشـک بود و نه زیاد تملق آمیز... محمد غازی از دیپلومات های زرنگ افغانستان است و همیـن شـخص بـود کـه به کمـک نـور محمد(نوراحمد) اعتمادی صدرا عظم اسبق ... و سـفیر فعلـی آنهـا در رم، از پادشاه استعفا (نامه گرفـت)... و او را زیـر پـرچم جمهوری کشانید. همـان وقـت کـه ما نجنبیدیم! محمد غازی با دختـر داود رابطـهء شـکر ابی دارد(روابط شان زیاد خوب نیست) ولی بهر صورت داماد اوست. خیلـی تمیز و مرتـب در پیشگاه شاهانه عمل کرد".

پول باید مخفیانه پرداخت شود

یکشنبه ۵۲/۹/۴

(صـبح شرفیاب شدم. کار های جاری را عـرض کـردم من جمله پولی که باید برای پادشـاه افغانسـتان برسانیم(ماهیانه ده هزار دلار) از بودجـهء سـری دولـت باید بگیریم. فـرمودند بلـی! ولی دولت نباید بداند. اصولا هـیچ کـس غیر از تو و انصاری سفیر ما در رم نباید بداند).

رازی که بعد از انقلاب ایران افشا گردید

چنیـن به نظر می رسد که در این مورد بـه دسـتور شاه برای پنهان کاری به خوبی عمـل شده بود زیرا شاه ایران نمی خواست داود احسـاس کـند کـه ایـران بـا کمک به خـاندان سـلطنتی سـابق افغانسـتان، قصـد استفاده از آنان را در آینده بر ضد او دارد. در عیـن حـال شاه ایران کاملا به این باور بود که رژیم داود دوام چندانی نخواهد داشت و بـه طور حتم چپگرایان در اردوی افغانستان در آیـندهء نـه چـندان دور داود را سرنگون خواهـند کـرد. به این منظور او می خواست خانوادهء سلطنتی افغانستان را تحت حمایت خـود داشته باشد و در صورت لزوم از وجود آنان استفاده کند.

راز کمـک شـاه ایـران بـه شـاه سـابق افغانسـتان بـرای اولین بار پس از سرنگونی رژیـم شاه در ایران افشا گردید. اسنادی که از وزارت دربار ایران پس از پیروزی انقلاب بدست آمد نشان می داد که شاه ایران دوبار و هربار مبلغ ده هزار دلار به شاه افغانستان کمـک کـرده است. اما چنانچه بعدا خواهیم دید میزان این کمک ها بسیار بیشتر از این بود است.

دقرآن کریم دتلاوت فضیلت

موحد احمدی

قرآن کریم دالله تعالي هغه مقدس کتاب دي چي دبشر دهدایت او سعادت دتامین په غرض دجبرئیل علیه السلام په واسطه پرحضرت محمد(صلي الله علیه وسلم) د درویشتو کلونو په موده کي په تدریجي صورت سره نازل شوي او مونږ ته په متواتر ډول رانقل شوي، دقرآن کریم په لوستلو سره دمسلمان زړه خوشحاله کیږي روح ئي پري تازه او تغذیه کیږي او دثوابونو وړ او لایق ګرځي. هغه په ډیر نیك بخت وي چي شپه او ورځ قرآن کریم ولولي په هغه کي تدبر او تفکر وکړي له معني سره ئي زده کړي او دهغه په مطالبو ځان پوه کړي داځومره لوي تجارت دي چي الله تعالي دیوه توري دلوستلو په بدل کښي انسان ته لس نیکي ورکوي نو که څوك په یوه میاشت کښي یوځل قرآن کریم ختم کړي نو د"۳۲۳۶۷۰۰" نیکیو مستحق ګرځي او داځکه چه دقرآن کریم ټول توري"۳۲۳۶۷۰۰" دي.

دپاك الله(ج) ډیر عظیم لطف او احسان دي چي دمومن مسلمان نصیب ئي ګرځولي. زه دا نه وایم چه"آلم" یوتوري دي بلکه دا دري توري دي.

دابوهریره"رضي الله تعالي عنه" روایت دي چي رسول الله"صلي الله علیه وسلم" فرمائلي: دځمکي او آسمانونو له پیدا کیدو څخه زرکاله دمخه دغه الله تعالي د"طه او یسین" سورتونه ولوستل کله چي پرښتو قرآن کریم واوریدونو وي ویل چي ډیره خوشحالي او خوښي ده دهغه امت لپاره چي داقرآن کریم په دوي نازلیږي او ډیره خوښي او خوشحالي دهغه چاله پاره ده چي دغه قرآن کریم حفظ کوي او ډیره خوښي او خوشحالي دهغو ژبو دپاره ده چه ددي قرآن کریم قرائت او تلاوت کوي.

رسول الله"صلي الله علیه وسلم" فرمائلي دي چي په تاسي کي له ټولو نه ښه هغه څوك دي چي قرآن کریم زده کړي او بیائي نوروته هم وښئي.

نوهرمسلمان ته ښائي چه لومړي پخپله قرآن کریم زده او بیائي نوروته وښي او په دي توګه په جامعه کي دښه توب مقام پیدا کړي. په هغه کور کښي چي دقرآن کریم تلاوت نه کیږي دهدیري مثال لري نو په کوم کور کي چه قرآن کریم نه لوستل کیږي که څه هم په ظاهر کي کورښکاري او ژوند په کښي کیږي خو په حقیقت کي هغه دهدیري او وګړي ئي دمړو مثال لري.

دحضرت معاذ"رضي الله تعالي عنه" څخه روایت دي چه وائي رسول الله"صلي الله علیه وسلم" فرمائیلي: چاچه قرآن کریم ولوست او دهغه دحکمونو سره ئي سم عمل وکړ دقیامت په ورځ به ئي مور او پلار ته داسي تاج ورپه سرکړلي شي چه رڼا به ئي دلمر له رڼا څخه زیاته وي نو چه دمور او پلار دپاره دومره امتیاز شته دده به چه عمل پري کوي څومره ثوابونه او اجرونه وي.

یوه ورځ دالله رسول"صلي الله علیه وسلم" خپلو اصحابوته وویل چه تاسو کي څوك داخوښوي چه هره ورځ دي سهار وختي دبطحا او یادعقیق بازار ته چي دمدیني منوري د دوو وادي ګانو مشهور بازارونه وو ولاړشي او دوه بوګان لرونکي اوښان واخلي او په رانیولو کښي څه ګناه هم نه وي کړي یعني په غصب ظلم او غلائي لاسته نه وي راوستي نو اصحابو کرامو عرض وکړ چي داخو زمونږ دټولو خوښیږي نو حضرت محمد"صلي الله علیه وسلم" وفرمائیل چه آیا یوله تاسي څخه سهار وختي مسجد ته نه ځي چه بل چاته دغه دوه آیتونه وښئ او تعلیم ورته ورکړي او یائي پخپله ولولي نو دقرآن کریم دا دوه آیتونه له دوو اوښانو څخه غوره او بهتره دي او څومره چي دآیتونو شمیر زیاتیږي په هماغه اندازه له زیاتو اوښانو څخه ښه او غوره دي.

قرآن کریم الله تعالي دبشر دهدایت له پاره رالیږلي او دا داسي یوجامع کامل کتاب دیٔ چي دانسان دژوندانه ټول کره وړه په کي داسي بیان شوي چي دنیوي سعادت او اخروي ښېګڼې په کي خوندي ساتلي شوي. نو هرانسان کولاي چي دخپل ژوند تګلار ددي مقدس کتاب په رڼا کي داسي تنظیم کړي چي انساني کرامت او شرافت ئي په کي خوندي وي. نن سباچي دروژي مبارکه میاشت او قرآن کریم هم پدي مبارکه میاشت کي نازل شوي په ټولو مسلمانانو لازمه ده چه قرآن کریم تلاوت او له دي نیك فرصت څخه لویه ګټه پورته کړي او دخیر او ثواب په کارونو کي له یوبل نه مخکي شي

امریکا باید جواب ...

وی افزود: بر علیه طالبان نیز مبارزه کرده ام و بر ضد القاعده نیز فعال بوده ام و اکنون در کنار دولت قرار دارم و از آن حمایت می کنم پس دلیلی وجود ندارد که آمریکایی ها بیایند وخانهء مرا بمباران کنند و اعضای خانوادهء مرا به قتل برسانند.

مولوی ربانی همچنین گفت که این کار یک جنایت جنگی بوده خلاف موازین وشعارهای بین المللی صورت گرفته است. در این حادثه زنان و کودکان نیز کشته شده اند که آمریکا باید جواب آن را بدهد. ومن می دانم که آن ها قصداً به کشتار اعضای خانوادهٔ من پرداخته اند، زیرا چون در انتخابات آینده کسی از طرفداران آن ها در کنر ونورستان حمایت نمی کند.

مولوی ربانی نیز علاوه کرد، من جریان موضوع را به کمیسیون حقوق بشر، دفتر سازمان ملل متحد در کابل و شخص آقای کرزی طی اعتراضیهء تقدیم خواهم کرد و از آن ها جداً مطالبه خواهم کرد که به موضوع رسیدگی کنند.

این بار اول نیست که آمریکاییان افراد ملکی را هدف قرار می دهند. بار اول محفل یک عروسی را در دهراود ولایت ارزگان بمباران کردند که طی آن اضافه از ۳۶ تن از اهالی قریهٔ مذکور به شهادت رسیدند و بار دوم در پکتیا چنین عملی را مرتکب شدند که منجر به کشته شدن چند تن گردید.

مقامات ایالات متحده آمریکا در افغانستان تا اکنون عکس العملی در برابر این حادثه و اعتراضات مولوی غلام ربانی ابراز نداشته اند.

مسوده قانون اساسی اعلام...

بلکه آخرین متن آن درلویه جرگه به تصویب خواهد رسید. سپس پرسشهای خبرنگاران مطرح شد. پوهاند عبدالسلام عظیمی در پاسخ به این پرسش خبرنگار تلویزیون الجزیره گفت: مسودهٔ قانون اساسی رعایت حقوق بشر و احکام دین اسلام هردو را لازم شمرده است درحالی که دربرخی از موارد میان این دو تناقض وجوددارد، گفت: دین اسلام در جامعهٔ افغانستان اصل است هر چیزی که با آن مخالف باشد اعتباری ندارد. کسی دیگر پرسید که شما که افراد دولتی هستید این امر با استقلالیت کار تدوین قانون اساسی منافات ندارد؟ اشرف رسولی یکی از اعضای کمیسیون پاسخ داد : ماهم برای مردم کار می کنیم و دولت هم . یکی دیگر از اعضای کمیسیون در برابر این سوال که چرا در ساختار نظام صدراعظم وجود ندارد نظام ریاستی را به حال جامعهٔ افغانستان سودمند خواند. یک خبرنگار دیگر پرسید : آیا اصطلاح جمهوری اسلامی که در این مسوده آمده است با جمهوری اسلامی ایران مشابهت ندارد؟ پوهاند عظیمی پاسخ داد: این خواست مردم افغانستان است ما این نام را به خواست مردم آورده ایم.

اعضای کمیسیون که در برابر خبرنگاران قرار گرفته بودند بسیار شادمان به نظر نمی آمدند به ویژه پوهاند شهرانی رئیس کمیسیون برخلاف عادت سیمای بسیار عبوس وگرفته می نمود، حالتی که سزاوار به در آمدن از انجام یک کار بزرگ و موفقیت امیز نیست. شاید این امر ناشی از نارضایی مکتوم ازآنچه بر سر آنان رفته است باشد. چون گفته می شود پس از آن که کمیسیون تدقیق کارش را در ماه اسد به انجام رسانید و مسوده را جهت اعلام به رئیس دولت سپرد از آن زمان تا امروز به رغم خواستهٔ اعضای کمیسیون رئیس دولت گاهی با اعضای کابینه وگاهی با اعضای شورای امنیت دولت بسیار از مسائل اساسی آن را چنان که خود خواسته اند تغییرداده اند قرار افواهات شاعی آخرین نمایش این جراحی در شب ۵ عقرب صورت پذیرفته است که جناب رئیس دولت در قصر ریاست جمهوری در جمع اعضای شورای امنیت دولت و اعضای کمیسیون قانون اساسی حاضر می شود و بر خلاف همه شیوه های دموکراتیک می گوید من نظامی ریاستی می خواهم که صدارت و صدراعظم نداشته باشد.

قانون اساسی و برخی...

نمایندگان خودشان است و نظریات و خواسته های آنان، وسیعاً در آن گنجانیده شده است، آن گاه به قانون احترام می گذارند".

اما مردم عادی در مورد قانون اساسی چگونه می اندیشند؟

نقش اسلام در قانون اساسی

مواردی بسیار حساس وجود دارد که در قانون اساسی افغانستان باید مراعات گردد. مهمترین مسأله برای مردم افغانستان، اسلام است و این که قانون اساسی برمبنای اصول اسلامی، استوار باشد.

اکثر دانشجویان دانشگاه کابل، در واکنش به پرسشی گفتند که جانبدار دموکراسی نوع غربی نیستند.

یکی از دانشجویان می گوید:

"قانون اساسی باید تمام اساسات دین اسلام را در بر داشته باشد. نوع نظام باید دموکراتیک بوده ولی از دموکراسی نوع غربی متفاوت باشد".

یک دوشیزه دانشجو می گوید:

"قوانین اسلامی جوانب مختلف زندگی مانند اجتماع و زندگی فردی و حقوق بشر را در خود دارد. اسلام تمام ضروریات انسان ها را در نظر داشته و احکامی را برای آن وضع نموده است".

این نظریه توسط برخی دیگر از خانم ها نیز ابراز گردید وعده یی زیاد در جهت رعایت احکام اسلامی در قانون اساسی، پافشاری داشتند.

آینده وزنان

برای بسیاری ها مشکل است که راهی میانه را میان نظریات محافظه کاران و نوگرایان، پیدا کنند. فاطمه گیلانی می گوید که قانون اساسی آینده به هیچ وجه در برابر اسلام "رار گرفته نمی تواند او هرگز نقشی را برای زنان قایل نیست که مخالف با اسلام باشد.

او می افزاید:

"اما بعضاً برخی ها مرتکب اشتباهات می گردند، مخصوصاً هنگامی که عنعنات ما قبل اسلام را با احکام اسلامی در می آمیزند".

افغانستان هم اکنون در مرحلهء عبور از راهی بسیار دشوار قرار دارد. هنوز مدت زیادی از پایان یافتن نظام طالبان، سپری نمی گردد، نظامی که کشور را به قهقرا کشانید. در احوالی که قانونگذاران و شورای بزرگ آینده، کوشش دارد که به یک بارگی از مرحلهء طالبانیزم عبور کنند، آرایش یک بارهء چهرهء جامعه با اسباب دموکراسی، مشکل به نظر می رسد.

انتخابات لویه جرگه...

کرسی دیگر ۲۴ آن توسط مهاجران ۹، کرسی توسط کوچی ها ، ۶ کرسی توسط بیجاشدگان داخلی و ۳ کرسی توسط سکها و هندوها مکمل می گردد.

بر اساس گزارش دارالانشای کمیسیون قانون اساسی اخیراً انتخابات زنان در ولایت پکتیا، کندز ، بغلان و بلخ برگزار گردید.

در ولایت پکتیا ۵۴ زن در انتخابات شرکت نموده که ۲ تن به حیث نمایندهٔ لویه جرگه انتخاب شدند. در انتخابات ولایت کندز ۱۷۵ زن اشتراک داشتند . از میان ۸ تن کاندیدا ۲ نماینده برای لویه جرگهٔ قانون اساسی انتخاب گردید.

در انتخابات ولایت بغلان ۲۱۶ زن اشتراک کرده بود که از جمله ۷ تن کاندیدا ۲ تن آنها بحیث نماینده انتخاب شدند. در ولایت بلخ ۱۹۹ زن در انتخابات خاص زنان اشتراک نمودند که در نتیجه ۲ تن از میان ۱۰ کاندیدا انتخاب شدند. بر اساس یک گزارش دیگر به تاریخ ۱۰ عقرب بیش از ۲۰۰ نفر به شمول ۸۰ زن در دور اول انتخابات هندو ها و سکها اشتراک نمودند. ۱۳ کاندیدا به شمول یک زن برای ۱۲کرسی ثبت نام نمودند. که ۱۲ نماینده توسط رای سری انتخاب شدند.

دور اول انتخابات برای سکها و هندوها در ولایات کندهار وغزنی تکمیل شده و در ولایات خوست وننگرهار طی چند هفتهٔ آینده تکمیل خواهد شد.

دور نهایی انتخابات سکها و هندو ها که طی آن سه نماینده لویه جرگه قانون اساسی انتخاب خواهد شده به تاریخ ۲۴ عقرب بر گزار می گردد.

انواع عقوبت زنا

سیدناصر تقدسی

شخص زناکننده، یامحصن می باشد که حد آن رجم است ویاغیر محصن که حد آن شلاق، پیش بینی شده است.

حدزانی غیر محصن

فقهای اسلامی همه اتفاق دارند براین که حد زناکنندهٔ غیرمحصن وبی همسر، زن باشد ویامرد صد شلاق است، چنان که خداوند در سورهٔ نور می فرماید:(الزانیه والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائه جلده)

"هریکی از زن ومرد زناکار را صد شلاق بزنید."

هرچند علمای مسلمان در خصوص شلاق زدن زن ومرد زناکننده متفق القول هستند، اما در مورد این که آیا علاوه برصد شلاق، شخص زناکار، از وطن فرار وتبعید شود ویاخیر؟ اختلاف نظر دارند:

الف:- امام شافعی واحمد، گذشته از صد شلاق برتبعید شخص زناکننده نیز نظر می دهند، به شرطی که بازن زناکاری که تبعید می شود، یک نفر محرم شرعی وجود داشته باشد.

ب:- امام مالک واوزاعی، تنهابه تبعید مرد معتقد هستند ومی گویند چون زن عورت است وتبعید وی منجر به فسادی دیگر خواهد شد، بناءً نباید تبعید گردد.

ج:- امام ابوحنیفه می گوید: تنها صد شلاق به عنوان حد زناکافی است وموضوع تبعید، به مصلحت ولزوم دید فرمان روای مسلمان مربوط می شود، ودر حد زنا محسوب نمی گردد.

حد زانی محصن

علمای مسلمان، به جز از خوارج، همه باورمنداند که حد زنای محصن سنگسار است، بدلیلی که:

از ابوهریره روایت است که گفت: (أتی رجل رسول الله"صلی الله علیه وسلم" وهو فی المسجد فناداه، فقال: یارسول الله! إنی زنیت، فأعرض عنه. ردد علیه أربع مرات. فلما شهد علی نفسه أربع شهادات. دعاه النبی"صلی الله علیه وسلم" فقال: أبک جنون؟ قال: لا، قال: فهل أحصنت؟ قال: نعم، فقال النبی"صلی الله علیه وسلم" إذهبوا فارجموه.)

"مردی نزد پیامبر آمد، در حالی که او صلی الله علیه وسلم در مسجد قرار داشت، صدایش کرد وگفت: ای پیامبر خدا! من زنا کرده ام، پیامبر از وی روی گردانید. همان نفر، چهار بار همین جمله را نزد رسول خدا تکرار کرد. چون وی چهار مرتبه برخویشتن خود گواهی داد. پیامبر، فراخواندش وگفت: آیا دیوانه شده یی؟ گفت نه، پیامبر گفت: آیا محصن هستی؟ گفت آری، پیامبر گفت: بروید وسنگسارش نمایید."

همچنان پیامبر در جایی دیگر می فرماید: (لایحل دم إمرئ مسلم إلا بإحدی ثلاث: الثیب الزانی، والنفس بالنفس، والتارک لدینه المفارق للجماعه)

"-ریختن- خون مسلمان حلال نیست مگر به یکی از این سه: زنا کاری که ازدواج کرده، است نفس در برابر نفس(قصاص) وکسی که دین خود را ترک کرده واز جماعت- مسلمانان- جدا می گردد."

همان گونه که رجم به سنت متواتر ثابت بوده وبرآن اجماع امت صورت گرفته است به نص قرآن نیز ثابت می باشد، چنان که از حضرت عمر روایت است که او درمیان جمعی از مسلمانان فرمود: (کان مما أنزل علی رسول الله آیه الرجم، فقرأناها ووعیناها، ورجم رسول الله، ورجمنا بعده)

"از آن چه برپیامبر فرود می آمد، آیت رجم بود، ما آن را خواندیم و-مفهوم- آن را دریافتیم ورسول خدا رجم را- برزانی محصن- نافذ کرد وماهم پس از وی -زانی را- رجم نمودیم".

شروط رجم محصن

برای تنفیذ حکم رجم برزانی محصن، شریعت اسلامی شرایطی را منظور فرموده است که ذیلاً یاد آوری می گردد:

تکلیف: زانی بایستی از رهگذر شریعت مکلف، یعنی عاقل وبالغ بوده باشد، نه مجنون ونابالغ.

آزادی: باید آزاد باشد، اگر غلام وکنیز مرتکب زنا گردند رجم برآنان قابل تطبیق نمی باشد.

وقوع دخول در اثر نکاح صحیح: یعنی زانی قبل از زنا بانی انعقاد نکاح بسته باشد ودخول هم صورت پذیرفته باشد. فرقی ندارد که انزال شده باشد یاخیر.

در صورتی که یکی از شرایط بالا تحقق نیابد حد نافذ شده نمی تواند بلکه بازانی از راه تعزیر برخورد می گردد.

اوضاع عراق و دور نمای آینده

ابوبکر سبزوار

وقایع دو هفتهء اخیر عراق نشان از بی ثباتی بی سابقه در این کشور دارد. حمله به هتل الرشید در قلب بغداد آنهم در شرایطی که پل ولفویتز معاون وزیر دفاع امریکا به عراق رفته بود تا آرامش اوضاع در آن کشور را به جهانیان اعلام نماید و خود نیز در همین هتل اقامت داشت و هدف قرار گرفتن یک هلی کوپتر حامل سربازان امریکا به وسیلهٔ راکت که به کشته شدن ۱۶ افسر و سرباز و مجروح شدن بیش از بیست تن آنان منجر گردید، به روشنی نشان داد که شرایط نه تنها بسیار وخیم است بلکه وخامت رو به گسترش دارد.

اگر به گذشته بنگریم، مراحلی که نیرو های امریکایی در عراق طی کردند از سقوط صدام حسین آغاز شد. بدنبال آن نیروهای اشغالگر باید کار تصفیه و پاک سازی را دنبال می کردند که در این کار به زعم خود شان موفق بودند. تقریبا اکثریت کسانی که نام شان به عنوان افرادی که باید دستگیر می شدند در فهرست امریکایی ها قرار داشت دستگیر شدند و از آن به بعد نوبت به مرحلهء تأمین امنیت رسید.

در اینجا بود که امریکایی ها به مشکل برخوردند. در همان آغاز که آنان بغداد را اشغال کردند، از تأمین امنیت و نظم در آن شهر عاجز آمدند و در جلو چشم سربازان امریکایی، شهرمورد غارت و چپاول قرار گرفت.

اما کار به همین جا پایان نیافت. تلاش امریکایی ها برای ساختن یک رژیم مورد قبول برای مردم عراق نیز نا موفق بود. عراقی ها احساس کردند که امریکا نه بخاطر نجات آنها از چنگ یک رژیم مستبد و خود کامه که دهها سال آنها را از جامعهء جهانی جدا کرده بود، بلکه به خاطر منافع خود به عراق لشکر کشیده است و این آغاز مأیوسی مردم بود که به قیام انجامید.

عراق از نظر داشتن منابع عظیم نفتی دومین کشور نفت خیز جهان پس از عربستان سعودی است. امریکا به این امید بود که با کنترل عراق نه تنها سعودی را که حتی ایران را تحت فشار قرار دهد و بازار های نفتی جهان را کنترل نماید و از این طریق اروپا را نیز به حرف شنوی از خود وادارد ولی اکنون چنین به نظر می رسد که کار به آن سادگی که در ابتدا گمان می شد نیست.

نا امنی در عراق به جای این که رو به کاهش داشته باشد، روند صعودی را نشان می دهد. بنا به احصائیه های دقیق رسانه های خبری بین المللی، تعداد حملات به نیرو های امریکایی در هفته های اول اشغال به صورت اوسط روزانه دوازده حمله را نشان می داد درحالی که اکنون تعداد حملات، روزانه به ۳۶ حمله افزایش یافته است. این روند صعودی خبر خوشی برای قصرسفید نیست.

امریکا در عراق ۱٤۰ هزار سرباز مستقر کرده است. مصارف نظامی هر هفته در عراق اندکی کمتر از یک میلیارد دلار است

امریکا در عراق ۱۴۰ هزار سرباز مستقر کرده است. مصارف نظامی هر هفته در عراق اندکی کمتر از یک میلیارد دلار است. به صورت دقیق تر مصارف سالانهء امریکا در عراق ۳۶ میلیارد دلار پیشبینی می شود. اگر وضع به همین حالت ادامه یابد، این مصارف برای سال ۲۰۰۴ میلادی در عراق از مرز ۴۵ میلیارد دلار خواهد گذشت.

از طرف دیگر امریکا برای باز سازی عراق و افغانستان تقاضای ۸۷ میلیارد دلار را برای سال مالی ۲۰۰۴ دارد و این درحالی است که اقتصاد امریکا با کسر بودجه مواجه است. مالیه دهندگان در امریکا که با این وضع شاهد خرابی بیشتر وضع اقتصادی و بیکاری بیشتر نیروی کار فعال کشورند، از این وضع راضی نیستند و این عدم رضایت مردم با تظاهرات در آن کشور چهرهء خود را نمایان ساخت.

در شرایطی که انتخابات در امریکا نزدیک است، دموکراتها سعی دارند از ناکامی ادارهء جورج بوش در آوردن ثبات به عراق به نفع خود سود ببرند. در چنین شرایطی آنها می خواهند به مردم امریکا بفهمانند که گروهی از جمهوری خواهان (که اکنون به نومحافظه کاران معروف شده اند) و در رأس آنان جورج بوش قرار دارد، افکار عمومی امریکا را اغفال کرده اند. این در حالی است که حزب دموکرات نیز در آغاز اعلام جنگ جورج بوش علیه تروریسم از آن حمایت کرد و در آن موقع علیه تبعات منفی احتمالی این جنگ هوشداری نداد.

از طرف دیگر امریکایی ها با سیاست یک جانبه گرایانهٔ خود حاضر به پذیرفتن یک نقش نسبتاً فعال تر حتی برای سازمان ملل متحد در عراق نشدند و در برابر خواست های اروپا نیز بی اعتنایی کردند. اکنون وقتی امریکا قطعنامه یی را در مورد عراق به شورای امنیت می برد، اروپا با آن مخالفتی نمی کند ولی وقتی پای تقاضای پرداخت پول برای بازسازی عراق پیش می آید، کسی حاضر به پرداخت پول نیست و این بار سنگینی است که اقتصاد امریکا باید تقریبا به تنهایی به دوش بکشد.

امریکا برای این که وضع نابسامان در عراق را توجیه نماید تلاش دارد تا عملیات ضد نیروهای امریکایی در عراق را به خارج از این کشور رابطه دهد. از احتمال بعید نیست اگر جنگجویانی از سایر کشور های اسلامی راهی عراق شده باشند و شاید کشور های زیادی هم در جهان آرزومند عدم موفقیت امریکا در عراق باشند ولی ستون فقرات مقاومت در عراق را باید در میان خود مردم این کشور جستجو کرد.

تجربهء افغانستان نشان می دهد که جنگجویان آمده از خارج هرگز توان تحرک را به اندازهٔ جنگجویان داخلی ندارند. از طرف دیگر عراق خود دارای نیروهای رزمی ورزیده یی بود که اکنون می تواند برای نیرو های امریکایی موجب درد سر باشد.

امریکا به این باور است که در عقب

آنچه که مایهء نگرانی ما مردم افغانستان است این است که با ادامهء این وضع در عراق، امکانات شکست جمهوری خواهان در انتخابات آیندهء ریاست جمهوری امریکا بیشتر خواهد شد.

این عملیات ضد امریکایی به احتمال قوی معاون سابق شورای فرماندهی انقلاب عراق (عزت ابراهیم) دست دارد که در گذشته با سازمان های تروریستی از جمله القاعده رابطه داشته است.

تا آنجا که سابقهء رژیم بعثی در عراق نشان می دهد، این رژیم در میان عامهء مردم از محبوبیتی برخوردار نبود و عزت ابراهیم هم از بقایای همان رژیم است. باز هم با استفاده از تجربهء افغانستان می توان گفت که بسیار محتمل است که همین اکنون در هر منطقه یی هسته های مقاومت بدون رابطهء قوی با همدیگر بوجود آمده باشد و هر کدام بصورت مستقل عمل کنند. این هسته ها به تدریج با هم مرتبط خواهند شد و نام فرماندهان شان آهسته آهسته بر سر زبانها خواهد افتاد و جنگ جریکی خصلت مذهبی بخود خواهد گرفت.

اگر ما وضع عراق را با و ع افغانستان پس از اشغال شوروی مقایسه یم می بینیم که در افغانستان تا دو سه سال س از اشغال، مراکز شهر ها بشکل جزیره ها، امن توسط روستا هایی که شبها در اختیار مجاهدان و روزها میدان جنگ بود محاصره شده بود، ولی در عراق عملیات ضد امریکایی در داخل پایتخت آغاز گردیده است و هرقدر این جنگ ادامه یابد و خون عراقی ها بیشتر برزمین بریزد، خشم و خشونت ابعاد وسیع تری بخود خواهد گرفت.

مجاهدان افغان در سالهای آغاز جهاد شان از اسلحهٔ مؤثر در برابر ارتش سرخ برخوردار نبودند. بخصوص طیارات روسی موجب تلفات زیاد در میان غیر نظامیان می شد. در غرب افغانستان تا سال ۱۳۶۰ مجاهدان به آر - پی - جی مسلح نبودند اما در عراق نیروهای مخالف امریکا به راکت های ضد هوایی مسلحند که خود می تواند برای امریکایی ها بسیار مشکل آفرین باشد.

آنچه که مایهء نگرانی ما مردم افغانستان است این است که با ادامهء این وضع در عراق، امکانات شکست جمهوری خواهان در انتخابات آیندهء ریاست جمهوری امریکا بیشتر خواهد شد. دموکرات ها درهر انتخابات انگشت روی مشکلات مردم امریکا در داخل می گذارند و مردم امریکا خاطرهء رفاه اقتصادی دوران بیل کلنتن را از یاد نبرده اند. در حالی که همان دوره برای ما برخی از خاطرهء تلخ فراموشی افغانستان از سوی جامعهء بین المللی است.

اگر دموکرات ها که در گذشته علاقه یی به مشکلات افغانستان نداشتند بار دیگر بر اریکهء قدرت تکیه زنند، بعید از احتمال نیست که بار دیگر افغانستان به فراموشی سپرده شود و همسایگان که همین اکنون با موجودیت نیرو های حافظ صلح بین المللی از مداخله در کشور ما دست برنداشته است، بار دیگر در مداخله دست باز تر یابد و مصیبت دیگری را بر این کشور تحمیل نماید. چنین بنظر می رسد که این همسایگان از همین اکنون برای چنان دوره یی آمادگی می گیرد.

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال دوم شماره دوم چهارشنبه ۱٤عقرب ۱۳۸۲ ۱۰ رمضان المبارک ۱٤۲٤ – 5 November 2003

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

وحيد الله سباوون د قومي چارو سلاکار وزير وټاکل شو

مجاهد: د کورنيو اطلاعاتي رسنيو د خبر له مخې دافغانستان د اسلامي انتقالي دولت درئيس محترم حامد کرزي د فرمان له مخې وحيدالله سباوون په قومي چارو کې د سلاکار وزير به توګه وټاکل شو.

ديادوونې وړ ده چې د لنډ مهاله اداري په پيل کې د محترم سباوون کور په دې پلمه چې هلته چاوديدونکي مواد زيرمه شوي او غواړي د ائتلاف د ځواکونو په وړاندي بريدونه وکړي تر کلابندي لاندې ونيول شو او نژدې و چې د ائتلاف د ځواکونو له خوا د نوموړي په کور بمباري وشي خو په پاې کې دي او دده نژدې دوستان ونيول شول او تر زيات وخت پورې په زندان کې وساتل شول.

اوس داسي فکر کيږي چې انتقالي دولت د خپل پخواني سوء تفاهم د جبران په خاطر محترم سباوون ته په قومي چارو کې دسلاکار وزير دنده وسپارله.

انتخابات لویه جرگهٔ قانون اساسی ادامه دارد

انتخابات کتگوری های خاص، شامل زنان، مهاجران، بیجاشدگان داخلی، کوچی ها، سکها وهندوها اغاز گردیده و الی اخیر ماه عقرب ادامه خواهد یافت.

مجموعاً به تعداد ۵۰۰ نماینده در لویه جرگهٔ قانون اساسی که در ماه قوس در کابل دایر خواهد شد اشتراک می نمایند ، ۴۵۰ تن آن انتخابی بوده و ۵۰ تن آن توسط رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان انتصاب می گردد که ۲۵ کرسی آن به زنان اختصاص یافته است. از میان ۴۵۰ عضو انتخابی، ۳۴۴ نماینده در انتخابات عمومی ولایت و ۱۰۶ نماینده در انتخابات کتگوری های خاص، انتخاب خواهند شد. از جمله ۱۰۶ کرسی کتگوری های خاص ۶۴ آن از طریق انتخابات زنان تکمیل شده و از ۴۲

ص ۱۴

حاجي دين محمد دننگرهار، ولايت والي:

دمولوي خالص په نامه صادره شوي فتوې يوه دسيسه ده

دننگرهار ولايت والي حاجي دين محمد او دمولوي خالص دګوند پخواني مرستيال او ددغه ګوند اړوند مجاهدينو او قوماندانانو دجلال آباد په ښار کې ديوه مطبوعاتي کنفرانس په ترڅ کې دمولوي خالص لخوا هغه فتوې چې داطلاعاتي رسنيو له لارې خپره شوه، رد کړه او هغه ئې دده پرضد يوه توطئه وبلله.

دننګرهار والي چې دمولوي خالص دکورني، مجاهدينو او قوماندانانو په استازي توب ئې خبري کولې وويل: په خواشيني سره مې څه موده مخکې خبر تر لاسه کړ چې مولوي خالص دجهاد اعلان کړي په داسي حال کې چې مونږ او دده دجهاد د دوران ملګري او دوستان له دې خبرې څخه خبر نه يوو او نه هم له هغې سره موافق يوو څکه چې اوس هيواد دسولې، بيارغاونې. امنيت لويې جرګې او انتخاباتو په لور روان دې نوموړي ته لازمه ده دښمن ته اجازه ورنه کړي چې زمونږ سوله او امنيت ګډوډ کړي. په پاي کې حضرت علي ددغه ولايت دقول اردو قوماندان هم خبرې وکړي او له دغه ګوند سره ئې دخپلو سياسي او تنظيمي اړيکو دشلولو په باب ټينګار وکړ.

از نامه های آمده

ملت نا محرم است و بیگانگان محرم!

به دست اندرکاران محترم جریدهٔ وزین مجاهد!

با عرض سلام وادب، برای همهٔ شما از خداوند بزرگ تمنای موفقیت دارم.

قانون اساسی به عنوان یک وثیقهٔ نهایت مهم ملی ، در نزد ملت افغان از اهمیت خاصی برخوردار است ، من نیز به عنوان یکی از افراد این ملت در رابطه کنجکاو می باشم. به همین دلیل همه روزنامه ها وجراید و نشریاتی را که مطلب قابل توجهی به دست نشر می سپارند. با دقت مطالعه می کنم و مطالب منتشر شده در مجاهد هر چند نمایانگر نظرات یک سازمان خاص است ولی به نظر من در مورد چنین مسأله یی حیاتی ، مهم نیست که حرف حسابی از کدام زبانی بیرون می آید. هر سخنی که قرین حق باشد باید پذیرفته شود از روی انصاف باید بگویم که من موضع شما را با انتظارات خود در این مورد، نزدیک یافته ام.

عناصر چیز فهم از همان آغاز در تعلل کاری های دست اندرکاران واین که انتشار مسودهٔ قانون اساسی را هر روز به بهانه یی به تعویق می انداختند، در یافته بودند که کاسه یی زیر نیم کاسه است تا جهت هایی که خارج از ملت افغانستان اند،قانع نشوند و خواست های آنان در این قانون منعکس نگردد، مسوده توفیق نخواهد یافت و چشم ملت به دیدار آن روشن نخواهد شد.

در مورد قانون اساسی از قبل شایعاتی بگوش رسیده بود که این قانون در خارج از کشور ترتیب و تدوین شده و کمیسیون و کمیسیون بازی ها هم کلاه گذاشتن برسر ملت است تا مردم گمان کنند که این قانون از خارج تحمیل نشده است بلکه ساخته وپرداختهٔ فکر وارادهٔ خود افغانها است.

من چنین شایعاتی را باور نکرده بودم تا این که شمارهٔ چهارشنبه ۷ عقرب مجاهد بدستم رسید. مجاهد در این شماره از قول غفور لیوال مسئول مطبوعاتی کمیسیون تدوین قانون اساسی در رابطه به دلیل تأخیر در نشر مسودهٔ قانون اساسی چنین نوشته بود:

... قانون اساسی تدوین شده ایجاب یک سلسله تغیرات را می نماید. این تغییرات ولو جزیی ، از لحاظ تخنیکی مدت زمانی را بکار دارد تا در قالب قانون اصلاح و بامعیار های حقوقی برابر شود و سپس به زبانهای دری وپشتو ترجمه گردد و در متن قانون اساسی افغانستان گنجانیده شود.

از این جملات دو مفهوم می توان گرفت: یکی این که تمام قانون اساسی در ابتدا به زبان دیگری غیر از زبانهای دری و پشتو نوشته شده وترجمهٔ آن به دو زبان فوق نیاز به زمان داشت.

مفهوم دوم این که: تغییراتی که در قانون کنجانیده می شده بزبانهای دیگر بوده و فق دادن آن به معیار های حقوقی وسپس ترجمهٔ آن به زبانهای دری و پشتو نیاز به زمان داشت.

طوری که ما شاهد بودیم، از ملت بدون دسترسی و آگاهی آنان ار مسودهٔ قانون اساسی در مورد قانون اساسی پرسش هایی صورت گرفت اما در پایان این خارجی ها بودند که قبل از مردم افغانستان این متن در اختیار شان قرار داده شد و سپس نظریات شان در قانون اساسی مد نظر قرار گرفت. اگر چنین باشد واقعاً عجیب است که در یک کشور ، آنهم کشوری که بخاطر آزادی بیش از یک ونیم ملیون شهید داده است، اکنون کار به جایی رسیده است که ملت نامحرم است و بیگانگان محرم!

همانگونه که آگاهان امور از ابتدا در مورد صلاحیت و استقلال کمیسیون تسوید و تدوین قانون اساسی شک کرده بودند، اکنون این حقیقت از زبان مسئول مطبوعاتی کمیسیون نیز تایید شد.

با توجه به مسودهٔ قانون اساسی می توان در یافت که یکی از موارد مهمی که شاید در آن بزرگان داخلی وخارجی بیشتر عنایت و توجه داشتند، مساله نظام صدارتی و پارلمانی بود. نظام پارلمانی که در آن مشارکت مؤثر تر و بهتر ملت در سرنوشت شان ممکن بود، حذف گردیده و بجای آن نظامی که در آن قدرت اولی به رئیس جمهور تفویض می گردد، در نظر گرفته شده است.

این نوع گرایش از پایان لویه جرگهٔ قبلی کاملاً ملموس و قابل پیشبینی بود. زمانی که آقای کرزی در مورد خواست جمعی از وکلای مردم که خواستار ساختن یک شورا از نمایندگان موجود در لویه جرگه بودند با وعده های سرخرمن جلوگیری کرد مشخص بود که او مشارکت مردم را در حدی خواهان است که این مشارکت صلاحیت خود وی را تأیید نماید نه این که در برابر اقدامات خودسرانه اومقاومت نشان دهد. به نظر من همانگونه که امروز ملت در مورد دست اندر کاران گذشتهٔ این کشور و عملکرد های آنان قضاوت می کند، بندگان نیز در مورد دست اندرکاران امروی ها عین قضاوت خواهند کرد...

با عرض احترام
علی محمد (جعفر زاده) از کارتهٔ ۳

مولوی غلام ربانی سابق والی کنر:

امریکا باید جواب کشتن اعضای خانوادهٔ مرا بدهد

امریکاییان قصداً به کشتار اعضای خانوادهٔ من پرداخته اند



نیروهایی هوای امریکا مستقر در افغانستان چند بار است که اهداف غیر نظامی را در افغانستان بمباران می کنند وموجب تلفات وخسارات جانی ومالی می گردند. در تازه ترین اقدام شب جمعهٔ گذشته نیروهای هوایی آمریکا بابمباران ناحیهٔ اتازه در قریهٔ ارنس درهٔ ویگل وانت ولایت نورستان۸تن از اعضای خانوادهٔ مولوی غلام ربانی سابق والی کنر را به شهادت رسانیدند.

این حادثه در حالی اتفاق می افتد که مولوی غلام ربانی خودش در شهر کابل زندگی می کند وبه قول خودش از حامیان حکومت کنونی می باشد.

وقوع این حادثهٔ دردناک به هر علتی که باشد یک جنایت جنگی به حساب می آید زیرا نظامیان امریکایی بجای هدف گیری اهداف نظامی واز قبل تعیین شده، نقاط مسکونی را بمباران می کنند که باعث کشته شدن غیرنظامیان شامل زنان وکودکان وپیرمردان می گردند.

وقتی جریان موضوع از مولوی غلام ربانی سوال شد در جواب گفت: من نمی دانم که چرا این حادثه صورت گرفته است ولی این را می دانم که این کار قصدی بوده است ونه از روی اشتباه.

از او پرسیدم در آن حادثه چند تن کشته شده اند، او گفت تعداد کشته شدگان ۸ تن گزارش شده است که شامل ۳پسر، دودختر، همسر وکودکان می باشد. مولوی غلام ربانی در بارهٔ دلیل علت وقوع این حادثه گفت بطور مشخص من دلیلی برای بمباران خانه ام نمی بینم. من از جمله کسانی هستم که برای بار اول در نورستان وکنر جهاد را علیه روسها اعلان کردم وتامدت زیادی جهاد را از آن نواحی رهبری می،کردم.

ص ۱۴